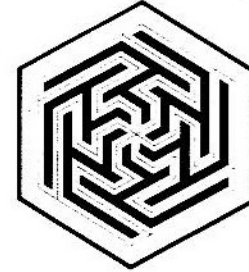


# قرآن یا جلوه‌ی رحمان

شناختی از قرآن شناختی از قرآن شناختی از

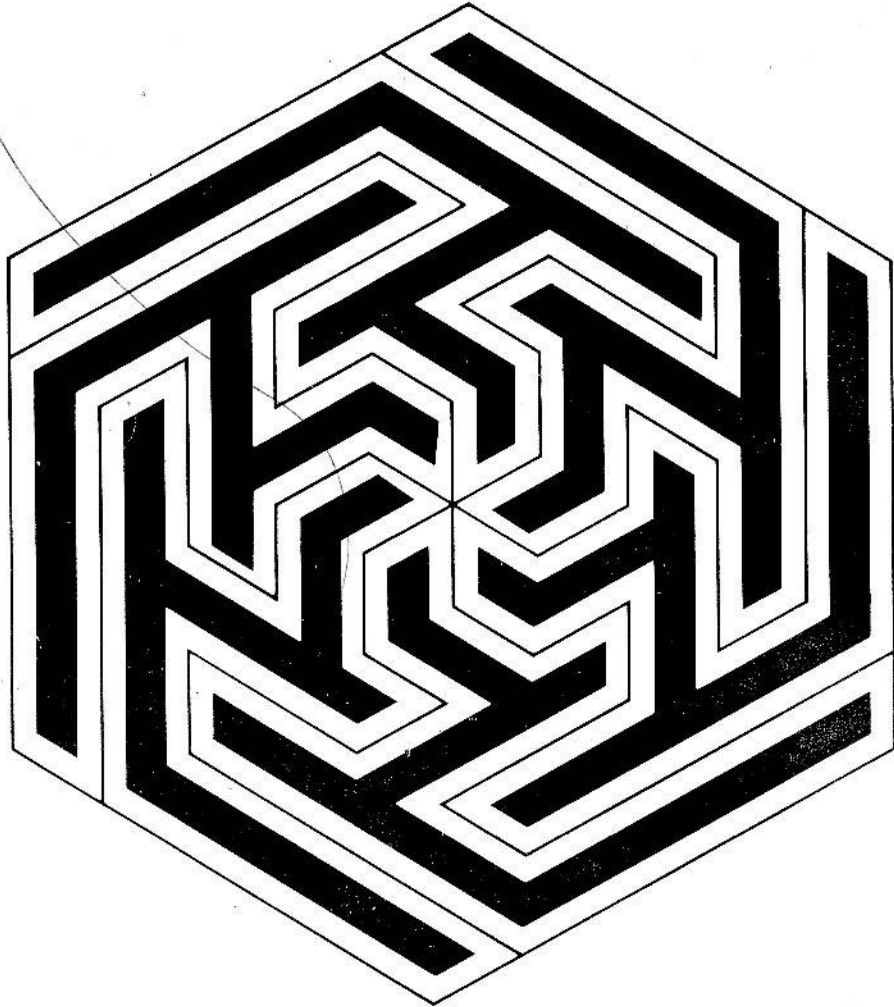
شناختی از قرآن شناختی از قرآن شناختی از قرآن شناختی از قرآن

## رژی بلاشر



## ترجمه

## روح الله عباسی



شناختی از قرآن شناختی از قرآن شناختی از قرآن شناختی از قرآن

شناختی از قرآن شناختی از قرآن شناختی از قرآن شناختی از قرآن

LE CORAN

Régis BLACHERÉ

Traduit

par

Rouhollah ABBASSI

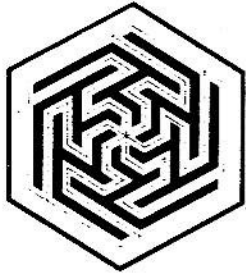
Docteur d'État ès-Lettres de l'Université René Descartes

شناختی از قرآن شناختی از قرآن شناختی از

# قرآن یا جلوه‌ی رحمان

شناختی از قرآن شناختی از قرآن شناختی از قرآن شناختی از قرآن

## رژی بلاشر

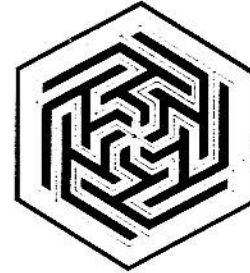


## ترجمه

## روح الله عباسی



اسلام دومین مذهب اروپا را تشکیل میدهد. یک میلیون ونیم مسلمان در انگلستان و سه میلیون در فرانسه زندگی میکنند. در کشور دانمارک هر سال پنجاه نفر بدین اسلام مشرف میشوند. مسلمانان آفریقا بیش از پنجاه درصد جمعیت کل را تشکیل میدهند و حال آنکه بیست سال قبل این درصد بزحمت به بیست میرسید.



اسلام دینی است جهان وطنی . واژه‌های ناسیون  
- ناسیونالیسم با اسلام بیگانگی دارند . زیرا ناسیونالیسم  
یعنی تقسیم جامعه انسانی و تفرقه اندازی میان افراد بشر .  
اسلام مرز جغرافیایی را نیز نمی‌شناسد . انسان های مسلمان  
در همه کشورهای روی زمین برابر و برادر هستند . در باب این  
خانواده جهانی بروی هر خواستاری باز است . هر آنکس که  
بپذیرد : لا اله الا الله فرزند خانواده اسلامی است . عضو -  
یت این خانواده راهیج مقامی نمیتواند از کسی سلب کند .  
اگر چنانچه انسان مسلمان در انجام وظایف کوتاهی ورزد  
خدای بخشاینده راه توبه را برایش گشوده است .

---

ترجمه این کتابو چاپ آن بدون کمک‌های همه جانبه  
دوستانان تحقیقات علمی امکان نمیداشت



و اذا مس الناس ضر دعوا ربهم يبين اليه ثم اذا  
اذاقهم منه رحمة اذا فریق منهم بر بهم بشركون

قران سوره سيام (الروم) ايه ۲۳

به ايه ۴۶ سوره سي و نهم نیز مراجعه شود

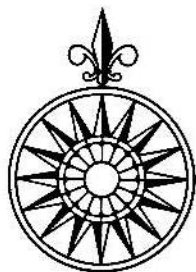


"آدمی درمواجهه با تهدیدی وستمگری همواره به خدا پناه  
میبرد".

" نهضت اسلام در آغاز گرفتار  
یهود شد و تبلیغات ضد اسلامی و دسائس فکری را نخست آنها  
شروع کردند و بطوریکه ملاحظه میکنید دامنه آن تا به حال  
کشیده شده است . بعد از آنها نوبت به طوایفی رسید که به یک  
معنی شیطان ترازی بودند . اینها بصورت استعمار گرازی  
سال پیش یا بیشتر به کشورهای اسلامی راه پیدا کردند و  
برای رسیدن به مطامع استعماری خود لازم دیدند که زمینه  
هائی فراهم سازند تا اسلام را نابود کنند ."

خمینی (ولایت فقیه)

انسان کامل در راه دفاع از معتقدات خود تا نثار  
آخرین قطره خون مقاومت میکند.



برادری      آزادی      برابری

:"بارالها ، دست ستمگران را از  
بلاد مسلمین کوتاه کن خیانتکاران به اسلام و ممالک  
اسلامی را ریشه کن فرما ، سران دولت های اسلامی را از این  
خواب گران بیدار کن ... نسل جوان و دانشجویان دینی و  
دانشگاهی را توفیق عنایت فرما تا در راه اهداف مقدس  
اسلام ، بها خیزد و با صف واحد در راه خلاصی از چنگال استعمار  
و عمال خبیث آن و دفاع از کشورهای اسلامی اشتراک مساعی  
کنند ."

خمینی (ولایت فقیه)

درباره مترجم:

مترجم کتاب حاضر در تاریخ ۱۹۶۵ با ستفاده از بورس شاگردان رتبه اول دانشکده‌ها برای ادامه تحصیلات ایران را بقصد فرانسه ترک گفت. طی نوزده سال دوری مداوم از ایران موفق گردید مراحل مختلف تحصیلات عالی دانشگاهی را در فرانسه بگذراند؛ لیسانس در ادبیات فرانسه، لیسانس در جامعه‌شناسی، دکترا در ادبیات فرانسه، دکترا در جامعه‌شناسی، دیپلم سیکل سوم در اقتصاد و دکترا در دولتی علوم انسانی.

بموازات و در پی تحصیلات کلاسیک مترجم این کتاب در دانشگاه‌های پاریس و وهران (الجزایر) تدریس کرده و در راس گروهی از پژوهشگران به تهیه یک دایره المعارف علوم اقتصادی و اجتماعی کشورهای خاورمیانه بویژه ایران پرداخته و تا کنون چهل و هشت جلد کتاب در این زمینه تهیه و ارائه گردیده است.

متولد ۱۳۰۳ روح‌الله عباسی، و به‌گذرا نندن دوره‌های تحصیلی دبستان و دبیرستان مبان‌ی زبان عربی و مقدمات علوم دینی را در مکتب شیخ علی‌اکبر معروف به شریف

الوا عظیم فرا گرفته و تحصیلات دانشکاهی را در دانشکده  
افسری رسته توپخانه پیمان رساند. دوره تخصصی ژنودزی  
و نقشه برداری اداره جغرافیائی ستاد ارتش را گذارند و در  
مسابقه افسران اعزامی با رتبه اول شد.

در ارتش فرانسه دوره تخصصی فنی را دار را طی کرد  
و پس از مراجعت با ایران در نیروی دریائی ارتش شاهنشاهی  
بعنوان نخستین کادرشناس را در رنا و پلنگ بخدمت اشتغال  
ورزید.

عباسی آخرین دوران خدمت نظامی خود را در لشکر  
کرمان با سمت فرمانده آتشبار توپخانه پیمان رسانیده  
است.

فهرس

شماره صفحه

عنوان

۱	مقدمه
۱۱	فصل اول تشکیل و ساخت قرآن
۳۱	فصل دوم پیام قرآنی در مکه
۵۵	فصل سوم پیام قرآنی در مدینه
۷۷	فصل چهارم واقعیت قرآنی
۹۳	فصل پنجم تفسیر قرآنی
۱۱۵	فصل ششم قرآن و سنت
۱۴۰	فصل هفتم قرآن در زندگی و جامعه اسلامی

## مقدمه :

تذکار اجمالی عقیده اروپائیان درباره قرآن در طول سیزده قرن نه تنها اجابت یک خواست کنجکاوانه مشروع است بلکه طرح تعداد مسائلی با ذکر حاشیه اشتباه آنها است که اندیشه جامعه غیرمسلمان را درباره کتابی مقدس که اهمیت آن در زمینه های مختلف امروزه مشاهده میشود - بخود مشغول داشته است. این عقیده ها - در تمام دوره ها - تقریباً، هرگز از تصویر کاملاً مسخ شده ای که اروپای مسیحی از محمد داشت مجزا نبوده است.

ما در این مقدمه با روشی انتزاعی - که مسلمانان دقت کار را محدود میکند - میکوشیم تا منحصراً، واقعیتات ویژه ای را که مشخص کننده این کتاب مذهبی است مورد بررسی قرار دهیم.

هنگامی که محققین جهان بیژانس (روم) در آخرین ربع قرن هفتم میلادی احساس کردند فقط یک معجزه میتواند اوضاع مولود جهانگشائی عرب و اسلام را دگرگون کند به فکر افتادند تا علل این دگرگونی غم انگیز را به عمق دریا بند. در آن موقع دعوت محمد در محافل کلیسایی به عنوان یک عمل انفصالی (عن الكنيسة الرومانية) تلقی میشد. کلیسا می گفت محمد که مدعی دریافت الهام از طرف خداست در حقیقت است تعلیمات خود را از یک راهب مشرک اخذ می کرده است. معذالک، حوامع مسیحی سوریه و فلسطین و مصر بعلت تمام قدیمی و اختلاطشان در حکومت اسلامی چنین به نظر می آید که خیلی زود توانستند محتوای قرآن و تعلیمات مندرج در آن را به رفت

دریابند. حتی به یقین میتوان پذیرفت که برخی از -  
کارمندان و صاحب منصبان غیرنظامی که به تقریب همگی  
آرامی یا قبطی بوده و در خدمت خلیفه دمشق و در ادارات  
ایالتی بودند درباره قرآنی که مورد ستایش اربابهای  
جدید آنها بود مفاهم دقیقی داشتند. بنا بر این برای این  
گروه مسیحیان نیازی به تهیه خلاصه و تلفیقی از قرآن  
احساس نمیشد (بی نیازی آنها از یک ترجمه با زهم بیشتر بود).  
این وضع تا فتوحات عثمانی و حتی تا مدتی پس از آن بر  
جای ماند. وضع روحانیون و ملاحای مسیحی مستقر در بیزانس  
مشکل دیگری داشت. ندانستن زبان عربی دستاویز مستقیم  
آنها را بر پیام قرآنی مانع میشد. البته نمیتوان فرض  
وجود ترجمه ای مکتوب و کامل قرآن را رد کرد. معذالک، این  
ترجمه ضرور بنظر نمی رسید. زیرا توجه در مشاخره بیسن  
اسلام و مسیحیت که از قرن هشتم بوجود آمد مولفین را بیشتر  
متوجه چند نکته اساسی از قبیل مسیح شناسی، مریم شناسی،  
اخلاق جنسی و عدم ارائه معجزه بوسیله محمد نمود. ولی درباره  
کلیه این مسائل، اطلاعاتی شفاهی، با ترجمه یا توضیح  
واضحات قطعاتی از قرآن که این موضوعهای مختلف بسط  
میداد میتواندست کنجکاو می مشاخره گران بیزانسی را تحریک  
کند و حتی آنها را وادار نماید تا در مطلب به تعمیق  
بپردازند در حالی که یک ترجمه کامل قرآن دیگر امکان این  
سخن سرائی ها را محدود می کرد.

به هر حال از قرن نهم اطلاعات نیستاس (۱) بیزانسی

عالم الهیات، و بار تلمی ددس (۲) راهب، درباره قرآن،  
عمیق بوده است. اینان، در مباحثات و مناظرات زبانی  
خود، نقاط ضعف موضوعات مورد بحث را بخوبی می شناختند  
و این نشان میدهد که از موضوعات قرآنی مورد مشاخره در ک  
کاملی داشته اند.

در مغرب زمین، بویژه در تولد (۳) که از سال ۱۰۸۵  
دوباره به مسیحیت گرائیده بود وضع علوم قرآنی، در برخی از  
محافل کلیسائی ولو اینکه از حیث محتوا تغییر نکرده باشد  
از لحاظ صورت حالت ویژه ای گرفته بود. این اختلاف، بدون  
شک، وابسته به تضادی بود که بطور مداوم بین مسیحیت اسپا -  
نیا و مسیحیت ایالات جنوبی شبه جزیره - که در آن تمدن و  
فرهنگ عرب تسلط عمیق داشت - حاکم بود. به احتمال،  
تحت نفوذ روم و پاپ، پیرلو و نرابل (۴) و از یمن مسافرتی  
به اسپانیا بین سالهای ۱۱۴۱ و ۱۱۴۳ فکر ترجمه لاتینی  
قرآن بوسیله روبرتورتین (۵) و به کمک راهب های نظام  
سیتو (۶) نطفه گرفت. این ابتکار از طرفی از روحیه صلیبی  
ناشی میشد، و این از نامه ای که پاپ نامبرده به سن  
برنارد (۷) - با ارسال نسخه ای از ترجمه قرآن فرستاد  
- پیداست. و از طرف دیگر نیاز به امحای هنر و اثر مذهب  
جدید از فکر و روح کسانی که تازه به اسلام ایمان آورده  
بودند، همانطوریکه از شور تبلیغات ریمون لول (۸)  
(متوفی در بوژی (۹) سال ۱۲۱۵)) نیز استنباط

2- Barthélémy d'Edesse 3- Toléde 4- Pierre le -  
Vénérable 5- Robert de Rétine 6- Citeaux  
7- St Bernard 8- Raymond Lulle 9- Bougie

میشود توجه خاصی که به قرآن معطوف میشد هر "لایفک" روحیه جهاد مذهبی" است که حدت آن تا آغاز قرن چهاردهم ادامه یافت. نسخه تولد (۱۰) به هیچ وجه ترجمه‌ئی کامل و امین از قرآن نبوده است. این موضوع از برخی نکاتی که انتشارهای متعدد ترجمه روبرت دورتین (۱۱) می‌رساند اثبات میشود. مثلاً در سال ۱۵۴۳، ترجمه‌ئی از قرآن بنام الکورانی اپی توم (۱۲) که در کتابخانه برادران مبلغ (۱۳) در قسطنطنیه وجود داشته نشان میدهد که چگونه کتابی - طی چند قرن - در اختیار مبلغین مسیحی بوده است. در قسطنطنیه شایسته در وقت و کنجکاو در این مورد پیشرفتی حاصل نمیشود. بدون شک توجه فکری آن دوره و بویژه ذوق مراجعین به آثار گذشته (۱۴) بویژه به وسیله رابله (۱۵) یا گیوم پوستل (۱۶) برای مطالعه زبانهای شرقی، پاگانی (۱۷) را بر آن داشت که طبع کاملی از قرآن را در سال ۱۵۳۰ در ونیز انتشار دهد. معذالک، در سال ۱۵۴۳ بیلی اندر (۱۸) به انتشار ترجمه تلفیقی روبرت دورتین اکتفا میکند که خوانندگان زیادی را شامل میشود. شاید بتوان گفت که با انتشار الکوران دی ماگومتو (۱۹) در سال ۱۵۴۷ بوسیله آریو ابن (۲۰) که محتوی مطالعه‌ای درباره محمد و اسلام به همراه قطعاتی از قرآن که - بنا به ادعای مولف - از اصل اتخاذ گردیده گام تازه‌ئی در شناخت قرآن برداشته

10-Tolède 11- Robert de Rétine 12-Alcorani-Epitome 13-Frères Prêcheurs 14-Humanistes 15-Babelais 16-Guillaume Postel 17-Paganini 18-Bibliander 19-Alcoran di Macometto 20-Arriv-abene.

شد.

به دین ترتیب در زمانیکه در ایالت لیا کتاب آریو ابن انتشار می‌یابد، موقف و برخورد محافل متنفذ - اگر فرض کنیم توده مردم بی تفاوت مانده بود - نسبت به مشرق زمین دررم، هلند، پاریس و جاهای دیگر تغییر کرد. مشرق زمین از این به بعد تا شرف قاطع خود را در دنیا ئی که من حیث المجموع همچنان خصم می‌ماند، آغاز میکند. رشته شرق شناسی (استشراق) از این مسیر که کوره راهی بیش نبود ظهور میکند. برخی از پیشاهنگان شرق شناسی از رجال سیاسی هستند که از اقامت خود در خاور نزدیک برای تعمق شناخت زبان عربی و ترکی و نیز ژرف نگری فرهنگی که به وسیله این زبانها منقول است استفاده میکنند. مساعدت های روشن بینانه ریشلیو (۲۱) و کولبر (۲۲) به دست این فعالیت کمک میکنند و آن را تقویت مینماید.

در این محیط فکری بود که آندره دوری (۲۳) (( متولد ۱۳۸۰، متوفی ۱۶۶۰ )) قنصل فرانسه در قاهره در سال ۱۶۳۰ شناخت فرهنگی ترکی و اسلامی را پیش برده و قرآن را نیز ترجمه میکند. این ترجمه نخستین ترجمه کامل قرآن بر مبنای زبان عربی است که در سال ۱۶۴۷ به زبان فرانسه منتشر گردید. این ترجمه با وجودیکه نواقصی همراه دارد و این نواقص از انتشارات و تجدید چاپها و تقلیدها و ترجمه‌های انگلیسی، آلمانی و هلندی در اساس آن بسه خوبی پیداست معذالک، موفقیتی به سزا کسب کرد که بیش

از یک قرن ادامه یافت. این ترجمه همانطوریکه خواست ارادی مترجم بود توانست تمام آنچه را که در قرن هفدهم در باره قرآن وجود داشت تحت الشعاع قرار دهد. هدف این ترجمه دیگر توجه به عنصر تبلیغات ضد اسلامی نبود بلکه میکوشید تا خواننده را شرافتمندانها از اسلام آگاه سازد. از این لحاظ این ترجمه علیه گرایشی دیگر نیز توجیه بود که در نیمه دوم قرن هفدهم شیوع یافت: اولاً گرایشی که مولود ترجمه لاتینی قرآن بوسیله ژرمن دوسیلزی (۲۴) راهب فرانسیس کن (۲۵) که بین سالهای ۱۶۵۰ و ۱۶۵۵ نوشته شده ولی به چاپ نرسیده بود و ثانیاً گرایشی که در اثر ترجمه عالمانه لودویکو مراچی (۲۶) در ۱۶۹۸ که متن عربی قرآن را نیز همراه داشت، این دو ترجمه در خط فکری "مکتب تولد" (۲۷) قرار دارند زیرا هدف آنها رد مذهب اسلامی بر اساس تعلیمات قرآنی است. این دو ترجمه از ترجمه‌های قبل بدین جهت متمایز بود که دقت بیشتری در بازگرداندن متن اصلی در آن بکار رفته بود. در نخستین سالهای قرن هیجدهم در انگلستان و در فرانسه جریان جدیدی پدیدار می‌شود. این جریان بدون شک زائیده‌ایسده‌های حاصله از مطالعات دارسین و باحثینی (۲۸) (آزما گری) چون هادریان رلان (۲۹) یا کنت دوبولان ولی یه (۳۰) است که به علت دشمنی خود با مذهب کاتولیک رسمی، به ستایش از اسلام می‌پرداخت. از این موقع بنظر می‌آید که

24-Germain de Silésie 25-Françiscain 26-Ludovico Marracci 27-Tolède 28-Essayiste 29-Hadrian Roland 30-Comte de Boulainvilliers.

ترجمه دوری (۳۱) قدیمی شده و اعتبار خود را از دست داده باشد. در سال ۱۷۲۴ در لندن ترجمه درخشان ژرژ سال (۳۲) انتشار می‌یابد. این ترجمه به همراه خود بحثی مقدماتی دارد که نخستین مبحث تاریخی و علمی مربوط به محیطی است که دعوت محمد در قرن هفتم در آن بسط یافت. موفقیت این ترجمه آنی بود و طی چند سال طبع‌های متعددی از آن انتشار یافت و از آن ترجمه‌هایی به فرانسه و آلمانی چاپ و انتشار یافت. قرن هیجدهم (قرن روشنگری) از ترجمه مذکور که بازگرداننده کتابی مذهبی بود که قرن‌ها هدف حمله مسیحیت بود - به وفور خوشه‌چینی کرد. از این به بعد در اروپای غربی مسئله قرآن و اسلام جدی مطرح می‌شود. ترجمه‌های کامل یا جزئی از قرآن و نیز گاه متاسفانه ترجمه منظوم از آن انتشار می‌یابد. مثلاً ترجمه‌های:

- اولمان (۳۳) به زبان آلمانی در سال ۱۸۴۰ در کرفلد (۳۴).
- هنینگ (۳۵) به آلمانی در سال ۱۹۰۱ در لایپز - یک (۳۶).
- ساواری (۳۷) در سال ۱۷۸۳ در پاریس به فرانسه.
- کازی میرسکی (۳۸) در سال ۱۸۴۰ در پاریس به فرانسه (( که سال بعد از چاپ تصحیح شد و چندین بار به چاپ رسید )).

31-Du Ryer 32-George Sale 33-Ullman 34-Crefeld 35-Henning 36-Leipzig 37-Savary 38-Kasimirski



- مونته (۳۹) در سال ۱۹۲۵ در پاریس به فرانسه .
- رودول (۴۰) در سال ۱۸۶۱ در لندن به انگلیسی .
- پالم (۴۱) در سال ۱۸۸۰ در آکسفورد به انگلیسی .  
و سپس ترجمه های :
- بوزانی (۴۲) در سال ۱۹۵۵ در فلورانس به  
ایتالیائی (( با توضیحات و حواشی عالمانه )) .
- ر. بیل (۴۳) ادنبورگ ۱۹۳۹ - ۱۹۳۷ به زبان  
انگلیسی .
- ژ. ورنه (۴۴) (( بارسلون )) در سال ۱۹۶۳ به  
زبان اسپانیائی .
- نسبت به ترجمه های قبلی پیشرفت زیسادی  
داشته اند .
- در طی سه قرن از برکت این ترجمه ها مردم اروپا  
میتوانستند تصور کنند که مفتاح درب باغ مرموزی را که  
آرزوی ورود بدان را داشتند در اختیار دارند . معذالک، این  
توهم ، امنیتی چندان مستحکم نداشت برای مثال توکه ویل  
(۴۵) را میتوان نام برد که در سال ۱۸۴۱ وقتی که به الجزیره  
رفت ترجمه ساواری (۴۶) را به همراه خود برد . و این ترجمه  
قرآن را بدقت خواند و جسته و گریخته یا دداشت هائی را بر -  
داشت . این یادداشت ها نشان می دهند انسانی تیزهوش و  
دقیق چگونه میتواند بین مصحف آسمانی و جا معای که این

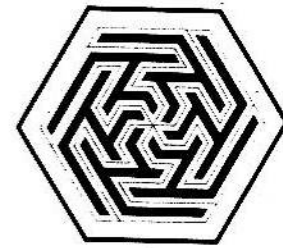
39-Montet 40-Rodwell 41-Palmer 42-Bausani  
43-R.Bell 44-J.Vernet 45-Tocqueville 46-Savary

کتاب در آن نازل شده است اختلاف پیدا کند .  
ترجمه قرآن هر چه هم کامل باشد و هر چه هم که توضیحات  
و تفاسیر همراه داشته باشد بخودی خود کافی نیست . پیام  
دریافت شده به وسیله محمد همامانده کتب مقدسه مستلزم یک  
آشنائی مقدماتی - و احتیاط عظیم خواننده غیر مسلمان  
- در برابر عادات روشن فکرانه خود است . از یک قرن پیش  
به این طرف کار عظیمی در مورد شناخت قرآن و موقعیت هائی  
( شان نزولها ) که به وحی ارتباط دارند تحقق پذیرفته  
است .

تلاشهای مشترک زبان شناسی و جامعه شناسی امکان  
میدهد که این عناصر را معالخصا می تشکیل دهنده قرآن به  
دقت مورد تحلیل قرار گیرد . از این به بعد ، از برکت نولد-  
که (۴۷) و مکتب او ، میتوان برای خواننده آگاه آنچه را  
که میبایست درباره قرآن بداند - تا به درک جوهر آن نایل  
آید - فراهم کرد . به قسمی که من بعد وسیله بر طرف کردن  
یاس و سرگردانی حاصله از تقرب به متن قرآن - که غالباً  
بغرنج و تاریک است - و همیشه مطالعه سراسری آن به  
دشواری انجام میگیرد فراهم آمده است . باید تاکید کرد که  
جریان بررسی قرآن دیگر با چهار مرحله متوالی دعوت محمد  
در مکه و مدینه مطابقت ندارد .

پس از تهیه " تاریخ قرآن " بوسیله نولدکه و مکتب  
او ، و پس از انتشار کتاب های خلاصه ای که بعنوان مقدمه بر  
قرآن به چاپ رسیده است در اینجا سعی شده است که آنچه را از  
پیام الهی که قانون و دوگم شناخته شده - که در واقع یکی از

عناصر اساسی تمدنی در تجدید حیات وسیع می‌باشد - جمع  
آوری کنیم . +



+

از مولف کتاب حاضر کتابی دیگر تحت عنوان "در آستانه  
قرآن" (introduction au Coran) وسیله اینجانب  
روح‌الله عباسی ترجمه و با همکاری محمود را میا رانتشار  
یافته است .

## فصل اول

## تشکیل و ساخت قرآن

ریشه فعلی کلمه‌ای که وجه اسمی قرآن (۱) بدان  
متعلق است در نخستین وحی هائی که خطاب‌های (دعوتها)  
محمد (۲) را افتتاح می‌کند، بچشم می‌خورد. واژه قرآن تا  
قرن هیجدهم (در زبان های اروپائی) به صورتهای معیوب :  
Alcoran - Alkoran - Elkoran - L'Alcoran (۳)  
نوشته شده است. در این کتاب قرآن با الفبای لاتینی  
"coran" نوشته می‌شود تا با استعمال امروزی این کلمه که در  
فرانسه رویه تعمیم می‌رود مغایرتی بوجود نیا مده باشد .

۱ - در سوره العلق که اولین سوره نازل شده در قرآن است  
در آیه‌های ۱ و ۳ صیغه امر مخاطب مصدر قرآن و در سوره  
المزمل که دومین سوره نازل شده قرآن است در آیه‌های ۴ و  
۲۰ بهمین صورت بیان شده است . (مترجم)

۲ - صورت عربی این کلمه محمد یا محمد میباشد . صورت  
های Mehmet و Mehmet صورت ترکی این نام هستند .  
کلمه محمد بمعنای "ستوده" شایسته ستایش میباشد . "صورت  
عربی صحیح این کلمه محمد است بضم اول و فتح دوم و سوسوم و  
تشدید سوم که اسم مفعول است از مصدر تحمید : بسیار  
ستودن" (مترجم)

۳ - در حقیقت ال حرف تعریف معینی است که در الفبای  
عربی قبل از اسم قرا می‌گیرد و از نظر کتابت بدان می‌چسبد .  
بدین ترتیب اشتباه نمایش لاتینی این کلمه از صورت  
L'Alcoran پیداست . از طرف دیگر تلفظ صحیح میبایستی a,  
n را از هم جدا سازد مانند جدائی حروف a و n در کلمه  
"Gitane"

نظریه اینک در عبارات قرآنی واژه قرآن غالباً بمعنای "از حفظ خواندن با صدای بلند" عرضه شده این واژه ممکن است عاریت زبان عربی از سریانی باشد. در زبان سریانی کلمه‌ای نزدیک بهمین واژه با همین معنا وجود دارد. علی‌کل حال، این وجه اسمی مضاف‌الحن موسیقی آمیز خود برای محمد و مردم عصر او اساساً بیان کننده ایده "ارتباط شفاهی" - "پیام" و اصله زده‌ها ن یک فرشته - و "وعظ مذهبی" می‌باشد. فقط حوالی پایان رسالت محمد، یعنی آغاز بکتابت آنها، این واژه، احیاناً معنای عام کتاب (مصحف) بمفهوم امروزی گرفت. از آنجا نیکه غالب اوقات واژه کتاب (آسمانی) - که دقیقاً بمعنای "متن مکتوب، کتاب مجلد" می‌باشد بجای قرآن بکار می‌رود بالاخره با فراط معنای اخیر را به وجه اسمی قرآن دادند.

کتاب حیات پیامبر یا سیره محتوای اطلاعاتی دقیق درباره مواقع و شرایط نخستین وحی الهی می‌باشد. ولی این اطلاعات کمی متناقض اند. همان‌طور که تور آندره T. Andrea تذکر داده این مقولات از خیلی جهات با آنچه که درباره سایر پیامبران گفته اند شباهت دارد. حوالی چهل سالگی پیامبر اسلام طی تقاعدی پرهیزکارانه در غاری واقع در کوهی سخت در نزدیکی مکه رسالت الهی خود را بوسیله فرشته‌ای که بعداً جبرئیل شناخته شد دریافت کرد. دو عبارت قرآنی بدقت این بصیرت را که ترکیبی از رویت بصری و اصغای سمعی است بوضوح نشان می‌دهند. بدلائیل زیاد طی سالها این صدام تکرر یافت بقسمی که در نظریات آن نزدیک پیغمبر اسلام صورتهائی همچنان انگیز گرفت. نخستین وحی‌های الهی در سال ۶۱۲

میلاد مسیح به محمدالها شده است. این وحی‌ها با فواصل کسم و بیش طولانی که برخی از آنها محمد را دچار تهیج می‌کردند طی بیست سال پیامی نازل می‌گردید. سرانجام نزول وحی با وفات بنیان گذار اسلام که در سیزدهم ربیع الاول سال یازدهم هجری اتفاق افتاد (معادل هشتم ژوئن ۶۳۲) پایان پذیرفت. کتاب سیره النبی بما می‌آورد که قرآن در چه مقیاس - سی منعکس کننده مشکلات سرانجام حل شده و مبسوطات روحانی یا مادی پیامبر در طول رسالت خود در مکه و سپس از سال ۶۲۲ در مدینه که جامعه محدود مسلمان آنروزی بدان جا مهاجرت گزید و آغاز تاریخ هجری را تشکیل داد می‌باشد. این نظریه بهمان نسبتی که دانش اسلام‌شناسی به نحوی احسن رابطه موجود بین سنت‌های سیاسی، اجتماعی و مذهبی - که رسالت پیامبر در بطن آن اوج گرفت - و صورت و محتوای پیام‌ها که مجموع آن را قرآن مینامیم بیشتر مشخص نمود بهتر تا شنید می‌شود. البته بدیهی است که این نظریه بواسطه نقد فلسفی و تاریخی غالباً جنبه‌های یافته که با آنچه نسل به نسل از طریق سنت سیره نگاری در جهان اسلام دریافت شده هماهنگ نتواند بود.

طبیعتاً در جهان اسلام تشکلی جدید و تبری و دفاعی از رسالت و تبشیر پیامبر را یافته. ذوقی زاید - الوصف برای حوادث و تاریخ وقوع راه‌های تکون و تهیه یک چهارچوب و جدول تاریخی مفتوح ساخته است. اشارات متعدد ولی غالباً مبهم یا "مصرانه" محتوی در قرآن چهارچوب این وقایع نگاری تاریخی را تهیه کرده‌اند. بدون شک تجزیه و تحلیل تاریخی ارزش برخی نقاط نشانی

را برسمیت شناخته و تصدیق نموده ولی این آنالیز احتیاطی -  
 ظات بیشماری را در باره مواردی که مربوط به علل تفاقیه  
 شان نزول پیام ها میباشد واجب دانسته است. این نقد  
 و انتقاد متباعد "عرب و اسلام" و فقه اللغه (در استنباط  
 النصوص) مخصوصا در نظم و ترتیب محتوای قرآن بخوبی  
 محسوس میباشد. از اواسط قرن گذشته گروهی از اسلام شناس  
 ها از قبیل و. موئیر (W. MUIR) و ذ. نولدکه  
 (TH. NOLDEKE) به تجسس توالی و تسلسل حوادث  
 وحی های الهی به محمد پرداخته اند این نخستین تلاشها  
 بزودی نشان داد که در اوضاع فعلی متن، طبقه بندی دقیق  
 و عینی آن بیقین غیر ممکن است. در عوض بواسطه از سرگیری  
 مسئله بطور کلی نولدکه و گروهی از خبگان اسلام شناس  
 آلمانی موفق شدند روش دیگری را برای تحقیق معین سازند  
 که از سال ۱۹۱۹ تا سال ۱۹۳۸ در "تاریخ قرآن" انتشار  
 یافت. این دانشمندان از تجسس یک تسلسل تاریخی در مورد  
 وحی های قرآنی منصرف شدند و توانستند این متون را به  
 پیروی مراحل متوالی بر حسب سبک بیان و یا بر حسب تمهای  
 سیاسی و مذهبی گروه بندی کنند. این گروه بندی تقسیم  
 بندی عظیم قرآن را به آیات مکی و مدینه ای (بنا بر این بعد  
 از ۶۲۲ میلادی) که مولفین "عرب و مسلمان" انجام داده بودند  
 حفظ میکند. در داخل این کا در (چهار رچوب) متون قرآنی  
 مربوط به دوران مکه ای به گروه تقسیم گردید. معیارهایی  
 که برای تگون این گروه بندی اتخاذ گردیده بر سه نوع است:  
 برخی از آنها که مبتنی بر تفوق اسلوبی هستند قبل از هر  
 چیز هیئت کوتاه یا بلند آیات را بحساب می آورند. معیار

هایی دیگر مربوط به موقعیت هائی (شئونی) میباشد که  
 موجب اتخاذ رفتار و وسیله محمد در برابر مخالفان  
 بوده است. بالاخره بعضی از معیار  
 ها متون آلی را (عضوی و اجمالی) که مربوط به ترکیب و  
 ساخت (سازمانی) جامعه ای که خواستار و ظایف احتفال  
 مذهبی تحریمات غذایی یا حقوق خصوصی، مناسبات با کفار  
 و مسیحی ها یا یهودی هاست - مطمح نظر قرار میدهد. مسلما  
 تقسیم بندی قرآن بر پایه معیارهای نامبرده موارد تاریک  
 و نکات متعدد قابل بحث را بر جای گذاشته است. با وجود این  
 نارسائی ها تقسیم بندی فوق الذکر به تحقیقات ضعیفانه در  
 راه باز یافتن تسلسل تاریخی غیر قابل وصول حوادث  
 (تاریخ نزول وحی ها) خاتمه داده است. این تقسیم بندی  
 مسئله تم (مبحث های) رسالت و بشارت محمد را در چهار رچوبی  
 عمومی و عامی از تطلب مطرح مینماید. این دوره بنسبندی  
 زمانی متون قرآنی که مرهون مکتب قرآن شناسی آلمانی  
 است مضافا دارای این برتری است که امکان میدهد شرایطی  
 را که در آن کلام الله تگون یافته مورد بررسی دقیق قرار  
 گیرد.

در تکوین کتاب آسمانی میبایستی چندین مرحله  
 را متمایز ساخت طی مرحله بیست ساله نخست دعوت محمد  
 به اسلام پیام های الهی شده همه به حافظه سپرده میشد و دهن  
 بگوش (دهن بدهن) انتقال مییافت. این واقعیت نشان  
 میدهد که نخستین نسل مسلمان میان دو متن که تشکیل دهنده  
 آغا بشارت بوده دچار تردید بوده است (سوره ۹۶ - آیات  
 ۱ تا ۵ و سوره ۷۴ - آیات ۱ تا ۷). قطعات وحی شده

بترتیبی که نازل میشوند در مجموعه هائی بطول بسیار متغیر که بزودی سوره یا سیره (وازان جا تلفظ سورت در زبان فرانسه) - واژه یغرنجی که در آیات مکی بچشم میخورد - نامیده شد. بدون هیچ شکی مفهوم متن مکتوب در ذهن نخستین ایمان آورندگان مکی (که شمارشان بهنگام مهاجرت در سال ۶۲۲ متجاوز از صد نیست) وجود میداشت. این مفهوم برای آنها از طریق اطلاعات آنها از تورا - که در جوامع یهودی و مسیحی بکار میرفت - و یا از انحیل های نصاری نجران و حبشه که با آنان مناسبات بازرگانی داشتند فراهم میآمد. معذالک، برای پیروان آنروزی محمد نیاز به ثبت پیام جدید بوسیله کتابت هنوز جنبه عاجل نیافته بود. این واقعیت بویژه بدان جهت تعجب آورتر است که این پیام که نخستین پیامی است که بزبان عربی نازل گردیده - خود را یک "نشانه" یا آیه ای از خدا اظهار میکند (ق. سوره ۸۱ - آیه ۱۹، سوره ۵۶ - آیه ۸۰ / ۷۹ . سوره ۴۱ - آیه ۳ / ۲ و جاهای دیگر). چنین بنظر می آید که بهنگام استقرار محمد در مدینه سرانجام ایده ثبت کردن وحی های مهم و اصله طی سالهای پیش بر روی مصالح ابتدائی (کتف شتر و قطعات چرم) پدید آمد. این نیاز ظاهرا گاه گاه احساس میشده. شاید گرایش و شور شخصی نسبت به برخی متون محتوای خطابه های مواد قانونی که مهم تشخیص داده شده بودند انگیزه این ثبت و یادداشت برداری وحی ها باشد. پیا پیا این شور و گرایش را تشویق میکرده ولی آنرا بعنوان یک وظیفه نمی شناخته است. به هر حال این یادداشت برداری متون جنبه جزئی داشته و موضوع اختلاف

نظر است بویژه بدان جهت که به علت عدم ثبات مصالح و ابزار مورد استفاده ابتدائی مانده است. این ابتکارات فردی نمیتواند قلق محمد و مخصوصا صحابه او را در برابر تهدید خطری که در اثر از بین رفتن جوهر و اساس حیثیات اسلامی احساس میشد توضیح دهد. این فرار در برابر "لزوم کتاب" را بهیچ عنوان نمیتوان توضیح داد. شاید در این جا نتوان ایده برخی اثرات الفیه (۱) را، همانطور که کاژنوا پیشنهادها میکند کننا گذاشت.

مرحله دوم با وفات محمد آغاز میشود. ابوبکر، نخستین خلیفه در برابر جهاتی پرهیزان و غلبان قرار میگیرد. در عربستان شرقی شورش خطرناک از بیت پرستان دفع شده. در مرزهای سوریه و فلسطین طلیعه پیروزی در اثر نثار جان نخستین ایمان آورندگان با سلام پدیدار می شود. در این موقع محافظت وحی های قرآنی گروهی از اندیشمندان را دچار اضطراب میکند. بیش از پیش ایده تکوین مجموعه ای که جامع تمام مجموعه های فردی باشد متفوق گردید. خلیفه خود برای نمونه و مثال در این اقدام پیش قدم شد. ولی تنقیحی که بنا بر ابتکار او انجام گرفت جنبه شخصی را حفظ کرده و بنظر نمی آید که نفوذ از نفوذ مجموعه ای که وسیله سائیر یاران پیا پیا تکوین یافت بیشتر باشد. بیست سال بعد در زمان خلافت عثمان (از ۶۴۴ تا ۶۵۶) خلیفه سوم گامی جدی برداشته شد. در این موقع تنقیح و گردآوری بر

۱ - Millenaristes آن گروه از مسیحی هائی کسه معتقدند عیسی بمدت هزار سال قبل از ستاخیزا موات حکومت میکند.

پایه‌ای وسیع و منظم ترانجا مگردید. برمبنای مجموعه ابوبکر که قطعاتی متفرق یا قطعاتی که در خاطر مانده بود بدان افزوده شد. بالاخره تشکیل قرآنی رسمی تحقق پذیرفت و نظر خلیفه چنان بود که این قرآن جایگزین تمام محفوظات و تنقیحات فردی باشد. تمایل به تحمیل یک متن ثابت و تعیینی را پذیر بقدری بود که اینکار با اقدامی کفر آمیز همراه بود. یعنی تخریب تمام مصالحی که بر روی آنها در زمان حیات پیامبر و وحی‌های آسمانی با دست اشخاص متقی و پرهیزگار رنیشته شده بود. با وجود این تنقیح عثمانی عاری از نقاط ضعف نمی‌باشد. سیستم الفبائی که برای کتابت قرآن وسیله گُتأب بکار میرفت خیلی ناقص و ابتدائی بود. تکثیر پنج کتاب اساس و پایه که در مراکز اصلی اسلامی وجود داشت مشکل مهمی را پدید آورده بود. در این جا واقعیتی اساسی را ذکر می‌کنیم: ثبت قرآن بوسیله کتابت مطالعه قرآن را از حفظ خواندن بی‌نیاز نمی‌کند و از این راه است که تباعدات لفظی و یا دگرگونیهای تشکلی لهجه‌ای و گویشی بیش از پیش وارد قرآن می‌شوند. بدین ترتیب مجمعی پر اهمیت در آغوش جامعه اسلامی بوجود می‌آید که از شخصیت‌های معتبری تشکیل می‌گردند اینان قاری‌های قرآن هستند که نقش مذهبی شان بزرگ بوده و نفوذشان در شهرها بویژه در مدینه و مکه، کوفه، بصره و دمشق متزاید می‌گردد. مسئله وحدت متنی کلام الله در سال ۶۶۱ میلادی با قتل خلیفه چهارم، علی، داماد و پسر عم پیامبر بصورت فاجعه‌آمیزی در می‌آید. معیارهای مربوط به مشروعیت خلافت، با تحریک کسب‌کردن نهضت انشاقی شیعه، مخالفت و انفعال مذهبی را تشدید میکند. بدون شک این ماجراها اساس احترامی است که به

تنقیحی (کتاب آسمانی) از قبیل قرآن جمع آوری شده وسیله ابن مسعود خادم محمد مرعی می‌گردد. قرآن ابن مسعود از چندین نظر با قرآن عثمان اختلاف داشته و وجود آن در قرن دهم نیز ثابت شده است.

در این مواقع است که آغاز مرحله‌هایی و رسوم تاریخ قرآن شروع می‌شود. پیروزی بنی امیه و انتقال پایتخت سیاسی خلافت به دمشق، نقش دائم‌التزاید مراکز عراقی در حیات روحانی و عقلانی جهان اسلام باعث می‌شود که نسبت به متنی که مورد قبول جامعه قرار گرفته اقداماتی اتخاذ گردد که مویذ جسارت محسوسی است. در زمان حکومت عبدالملک خلیفه اموی (از ۶۸۵ تا ۷۰۵) و بنا بر ابتکار حاکم تام‌الاختیار (مقتدر) عراق الحجاج به یکسان ساختن املائی کتاب مقدس پرداختند. به کمک یکرشته اصلاحاتی که در سیستم کتابت و بویژه در استعمال حروف با صدا وارد گردیدند که بیشتر در قرائت قرآن بوجود آمد، همزمان با این اصلاحات سعی شد نسخه‌هایی از قرآن را که در آن نفوذ شیعه وجود داشت نابود سازند ولی بدین کار توفیق نیافتند زیرا همان طور که گفتیم وجود نسخه‌ای از این قرآن در قرن دهم تأیید شده است.

با وجود این اصلاحات مادی، نقش "قاری‌ها" یا "قرآن‌ازبرخوانان" اهمیت سابق خود را حفظ می‌کنند زیرا اصلاح الفبائی فوق‌الذکر بدان تکامل نرسید که قرائت قرآن بکمک حافظه بطور قطعی در درجه دوم اهمیت قرار گیرد. در واقع متن مکتوب قاری را در خواندن یاری میکند، مانع جابجا شدن کلمات و افتادگی و ابهام می‌گردد.



متن موجود برای قرائت آنچه که قاری بر زبان می‌آورد کافی نیست. این اشکال مولود خصلت ناقص الفبای عربی است (۱) و انگهی عامل‌های متعدد فراوانی به حفظ اهمیت قرائت قرآن در زندگی مذهبی کمک میکنند. از حفظ خوانی قرآن در برخی مواقع عمومی و مطالعه و آموزش آن از دوران صباوت با استفاده و مراجعه به حافظه دارای اهمیت شایانی است. معذالک، در راس کلیه عوامل با دخالت ویژگی گمراه کننده‌ای مواجه می‌شویم: خیلی زود و با احتمال زیاد حوالی قرن هشتم پذیرفته می‌شود که قرآن را میتوان با نصوص معروف به قرائت‌ها خواند. این نصوص بر چگونگی تلفظ حروف بی صدا یا با صدا، بر تبا عادات جزئی که معمولاً معنای متن را دگرگون نمی‌سازد، بر "مکت" (توقف) هائی که قطع جملات یا آیات ایجاد میکند مبتنی هستند. در اواسط قرن نهم بالآخره حجت هفت سلسله از دانشمندان در بنی‌ان گذاری این نصوص بر رسمیت شناخته می‌شود. این تعدد "قرائت" بعنوان عدم تکامل یا ضعف (نقص) کتاب آسمانی تلقی نمی‌شود. برعکس اساساً این تعدد بعنوان انعطافی قابل ستایش پذیرفته می‌شود که میدان را برای هرگونه حدس و افتراض متن قرآنی باز میکند. همان‌طور که انتظار میرفت این انعطاف خطی (تحریری) مورد استفاده مفسرین عقلی یا شیعی قرار گرفت (۲). خیلی زود در نظر فقها (علمای حقوق) و علمای علوم الهی که به شریعت (دکترین) "حجت" علقه فشرده‌ای داشتند خطرات حاصل از این تعدد متون و

(۱) به فصل چهارم صفحه ۸۱-۸۲ مراجعه شود.

(۲) به فصل پنجم صعه ۸۶ مراجعه شود.

سوء استفاده های ممکن از آن احساس گردید. اینان به حق در این تعدد تهدیدی علیه تقدس و لامسایت کتاب آسمانی و چشمه‌ای لایزال برای بروز اختلافات دگماتیکی (قشری) و قضائی یافتند و برای رفع آن برخاستند. در آغاز قرن دهم دودعوی که عواقبی وخیم ببار آورد علیه گروهی از فقها در بغداد اقامه شد. یکی از آنها ابن‌شبیوذ (Ibn channabādh) بود که برای خود حق دستکاری در قرآن عثمان را بر مبنای روایات شیعی الاصل انتحال کرده بود. این دعای سرانجام بسازش و اتفاق خاتمه پذیرفت. گروه هفت "قرائت" به رسمیت شناخته شد و هفت قرائت دیگر بدان افزوده شد که نسبت به پذیرش آنها با کم و بیش ابا و امتناع بمسئدارا رفتار گردید. رسالاتی درباره هفت "قرائت" شرعی و قانونی بر رشته تالیف درآمد. رساله الدانی اندلسی (متوفی در ۱۰۵۳) جنبه نهجی و تابعی (کلاسیک) گرفت. بدین ترتیب میتوان درباره قرآن بعنوان یک قانون (شرعی) صحبت کرد که در اواسط قرن دهم تکوین یافت و مورد قبول قرار گرفت. این قانون بطور صریح و قاطع عثمانی (قرآن عثمان) بود.

البته در برابر این قانون یک رشته مقاومت‌ها پدید آمد. این مقاومت‌ها در زمانی که عثمان خود زنده بود خصلت خاص فردی داشت. گروهی از صحابه مخلص محمد که تافدای جان آمادگی داشتند از قبیل ابن مسعود از مشاهده اینکه تنقیح آنها بعنوان اساس کتاب آسمانی قبول نشده بود دلخراشیدگی احساس کردند. چنین استنباط می‌شود که از عصر خلافت علی و تحت خلافت اموی‌ها بعلمت غلیان

مذهبی در عراق این قبیل مقاومت‌ها سابق‌حادی گرفته باشد. این مقاومت‌ها مورد بهره‌برداری تبلیغات خوارج و شیعی‌مذهبان قرار گرفت. فرضیه حشویا تحریف‌نص‌قرآن و حتی مبتور و مخدوف ساختن آن بتدریج تشکیل یافت و جستجوی دلایل اثبات این فرضیه پای گرفت. گرایش‌ها نیک‌سسه بازتاب مخالفت‌ها بودگاه بسباق ویژه‌ای متجلی می‌شد. مثلا این حزم اجتناب یکی از فرقه‌های خوارج را در پذیرفتن اینکه سوره یوسف (قرآن، سوره دوازدهم) یک متن قرآنی اصیل است به اشمئزاز یادآوری می‌شود. ولی برای نظم و حکومت اسلامی، انتقادات مدونه و وسیله شیعی‌ها علیه قرآن عثمانی خطرناک‌تر می‌گردد. این انتقادات احترام‌گذاری ابوبکر و عثمان خلفای اسلامی نسبت به متن مقدس و نیز صداقت اموی‌ها را مورد شک قرار می‌دهد. اموی‌ها مخصوصا متهم‌اند که بمنظورهای سیاسی از قرآن تمام قطعاتی را که موید حقانیت خلافت علی‌دامادپیا مبر بوده‌اند به عمد حذف کرده‌اند. و در سوره‌های پانزدهم و بیست و چهارم جسارت را بدانجا رسانده‌اند که چندده‌آیه را از متن قرآنی برداشته‌اند. تنوع رفتار و برخورد مخالفان بسیار شدید است. انتقاد برخی از فرقه‌های شیعی بقدری کوبنده است که متفکرین پخته و رزین نزدیک به حقایق سیاسی را دچار عجاب و وحشت می‌کند. اما می‌ها از ابزار انتقادات خشکن امتناع می‌ورزند و با احتیاط درباره تقلب‌هایی که در قرآن شده اصرار نمی‌ورزند. بهر حال انتقادات شیعه علیه قرآن عثمانی دارای ریشه‌جزمی قطعی نبوده بلکه ملهم از نظرهای سیاسی است: یعنی اولویت علی در امر حقانیت و

مشروعیت خلافت. این واقعیت، موضع مفارق و ظاهر — التناقض علمای شیعی را تبیین می‌کند زیرا، وقتی که مسئله وحدت الهی یا جزم‌های اساسی (Dogme) اسلام مطرح باشد علمای شیعی پیوسته به متن عثمانی که مورد قبول جامعه اسلامی قرار گرفته مراجعه می‌کنند. منشا و علت یک رشته از انتقادات مدونه و وسیله گروهی از فقهای معتزله در عباراتی از قرآن که محتوای حملاتی علیه جمعی از دشمنان پیامبر است چیز دیگری است. این فقها که در اعتقاد خود نسبت به عدالت مطلق و رحمت بی‌حد خدا با وفای تام راسخ‌اند در قبول اینکه این متن‌ها وحی‌هایی باشند که شایسته تعالی الهی، باشند تردید نمی‌کنند ملاحظه می‌شود که این برخورد با جنبه‌جزمی خود با برخورد فرقه‌های خوارج یا شیعی فرق دارد. در برابر این انتقادات میتوان تصور نمود که شاید بتوان با مطالعه نصوص قرآنی قدیم یا سخی در باره تمامیت مطلق قرآن عثمانی استفسار کرد. متاسفانه قدیمی‌ترین قرآن‌های موجود نمی‌توانند هیچگونه کمکی در باره صحت و سقم نظریه تغییر یا حشویا زائیدی که شیعی‌ها ادعا می‌کنند بنمایند. در حد اکثر میتوان، با حفظ احتیاط لازم ادعای فهرست‌نگار عراقی ابن‌الندیم (متوفی پس از ۹۷۷) را یاد آور گردید. مولف نامبرده تأیید می‌کند که در شهر کوفه دو نسخه قرآن را دیده‌است که در آنها نظم‌متون و عنوان‌فصول و تعداد آیات با قرآن عثمانی تفاوت‌ها ملاحظه‌ای داشته‌اند. بدیهی است که این شهادت‌دارای ارزش زیادی است و در باره وضع و تدوین قرآنی که در محافل شیعی رواج داشته‌است اطلاعات مفیدی در اختیار ما می‌گذارد ولی برای ما



اما مکان کشف اهمیت و مرتبه اختلاف این نصوص مخفی را فراهم نمی‌سازد. برعکس مقابله قدیمی‌ترین نسخه‌های قرآنی تصدیق میکنند که علیرغم تمام مقام‌های نامبرده در بسال اولی و دومین کلی قرآن عثمان خیلی سریع (شاید از زمان اصلاح عبدالملک) با قرآنی که امروز درجهان اسلام مسود قبول است انطباق یافته.

صدوچهارده فصل یا سوره که متن قرآن را تشکیل میدهد بطور کلی بر حسب درازای نزول سوره‌ها تنظیم گردیده است. این طرز طبقه‌بندی با برخی عادات دنیای سامی مطابق و موافق است مثلاً در قرن‌های هشتم و نهم زبان شناسان عراقی در جنگهای محتوای شاهکارهای قدیمی شعر عربی قطعات مطول را در صدر مجموعه قرار داده‌اند. نتیجه این نحوه طبقه‌بندی سوره‌ها در قرآن عثمان آن شد که مسئله تاریخ وحی متون بطرز غیر قابل حلی دچار اختلال گردد. سوره‌های بلند مربوط به دعوت پیامبر در سال‌های ۶۲۲-۶۳۲ میباشند. سوره‌های متوسط و کوتاه که غالباً متون مربوط به دوران مکه‌ای هستند در قرآن قرار دارند. سوره نخست یعنی الفاتحه استثناست. این سوره از چند آیه تشکیل گردیده و در آغاز قرآن جای گرفته و در مراسم عبادت حائز اهمیت زیادی است. بدین ترتیب میتوان گفت که ما قرآن را در جهت عکس تاریخ نزول آیات قرائت میکنیم. بعدها فقط بدلائل عملی محض و بمنظور تسهیل قرائت از حفظ بطور دسته‌جمعی در برخی مواقع تشریفات تقسیم‌بندی سی‌جزوه‌ای قرآن پدید آمد و این تقسیم‌بندی هیچگونه ارتباطی با توزیع قرآن بر حسب سوره‌ها ندارد.

تسلسل سوره‌های قرآن بصورت حاضر برای فقها و (مفسرین) مسلمان مشکل مقلقی را بوجود آورده است. اینان در مقابل این سوال قرار گرفته‌اند که آیا تقسیم‌بندی قرآن به صدوچهارده کار خود محمد بوده و یا اینک تظاهری از مشیت الهی است. بالاخره این شریعت و دکتترین تفوق یافته است که نظم سوره‌های کتاب آسمانی نتیجه شهودی است که متضمن وحی خدا یا "توقیف" میباشد. در این جا نیز با ردیگر لاسایت (تغییرناپذیری) قرآن عثمان تأکید میگردد. صدوچهارده سوره قرآن با استثنا، چند سوره خیلی کوتاه که اکثر ادعا و حتی تعزیم (Incantation) میباشند بقیه غالباً از پهلوی هم‌چینی وحی‌های (به غالباً مربوط به ادوار مختلف است) تشکیل گردیده‌اند که موضوع‌های متشابهی را مورد بررسی قرار میدهند. مثلاً در متون بسیار طویل از قبیل سوره‌های دوم تا یازدهم مجموعه‌ای مرکب وجود دارد که مسائل متعددی را مطرح مینماید. قرآن بدلیل جنبه تربیت دینی و آموزشی محتوای مقولات کثیری درباره پیامبران قبل از محمد است از قبیل نوح، موسی، هود و عیسی. در سوره‌های عصر دوم و سوم مکه‌ای، مجموعه‌هایی بصورت خطبه‌های اخلاقی ثلاثی با مقدمه‌ای درباره کوری و ضلالت کفار و داستان‌های تذکاری که سرنوشت مللی را که در اثر خشم خدا (آتش آسمان) نابود شدند ملاحظه مینماید. مجموعه با تهدید و نفرین نسبت به اهالی مکه که در برابر کلام خدا گوش شنوا ندارند ختم می‌شود. در متون مدینه‌ای این روش ارشادی با زیچشم میخورد ولی در این جا وحی‌های مربوط به تشکیلات جامعه مقابل ملاحظه‌ای را اشغال میکنند. بر

مبنای این وحی‌هاست که طقس‌ها که آنها را قانون اسلام نامیده‌اند تدوین می‌گردد.

هرسوره به مجموعه‌ای از آیات تقسیم می‌گردد. آیات مربوط به قدیمی‌ترین وحی‌ها دارای بند مقفی یا مسجع میباشند که برشونده‌ها اثر شدید میگذارند (مثلا سوره‌های صدونهم - صد و سیزدهم - صد و چهاردهم).

معدالک، بهمان نسبتی که بعلت موقعیت، خملت دعوت پیا پیا میرهدف و دامنه و میدان آن تغییر میکند برطسول آیات افزوده می‌گردد. بندهای مقفی جای خود را به تسجیعیاتی با تقلیل تنوع میدهند، این ترکیب اسلوبی که یکی از انواع ادبی فرید بوده نمی‌تواند اسلوبی را که بنا بر سنت و متونی غیر معتبر قبل از محمد وجود داشته بخاطرسر نیاورد. این اسلوب مشکوک که وجودش مبتنی بر متونی غیر معتبر میباشد عبارت از سبکی است که مورد استفاده عرفان و غیب‌گویان و کاهنان در عربستان قبل از اسلام قرار می‌گرفته است.

معدالک، درباره این مقارنت و شباهت نباید زیاداً صراحت ورزید زیرا آیه قرآنی دارای آنچنان اهمیت و ایجاز و آهنگی گوشنواز و استحکامی در بیان است که نظیرش هرگز قبل از آن بوجود نیامده بوده است. خواهیم دید که این واقعیت در تعیین رفتار جمعی از اسلام در برابر پیام مقدس چه اهمیتی داشته است.

از همان اوایل عادت چنین بوده است که به هر یک از سوره‌های قرآن عنوانی بدهند. این عنوان غالباً یا از نخستین آیه یا از یک داستان مفصل یا عاملی متفوق و بالاخره نکته‌ای

ثانوی (عرضی) محتوی درسوره - مثلاً سوره دوم قرآن موسوم به بقره - استخراج شده است. چنین بنظر میآید که گاه، بر حسب نیازهای مسائل مربوط به علوم الهی و اخلاقی یک سوره عناوین گوناگون گرفته باشد. در میان کتاب‌های مذهبی مشرق زمین کمتر کتابی میتوان یافت که قرائت آن چون قرآن با تربیت و عادات عقلانی ماناسازگار باشد. حتی اگر هم بعنوان پژوهشگرانی در زمینه اسلام شناسی بکوشیم تا شرایط محیطی را که در آغوش آن رسالت پیا میرگسترس یافته‌ها حیا کنیم ملاحظه خواهیم کرد که انحرافی غیر قابل ترمیم بین این شرایط محیطی و صورت متخذه بوسیله قرآن وجود دارد. بهنگام قرائت تحقیقی قرآن در برابر این متن پراز اشکال که غنایش مولود تاریکی آن بوده و با سبک شگفت آورنگارش و ایجازی و اکثر اشاره‌های آن متوقف میشویم و عزم خود را در جستجوی ایده‌ها که با منطقی استوار حکایات و انبساط و گسترش‌ها تیرا که تسلسل آن بسختی کشف می‌شود به هم مربوط میسازد را سخ میسازیم. برای کسیکه عرب زبان نباشد نخستین تماس با قرآن موجب یاس و خواهد گردید بدان حد که موضعی منفی نسبت به قرآن اشغال میکند یعنی آنرا مطرود میسازد. این قاری غیر عرب زبان قضاوت خود را بکمک خاطرات ادبی، قضاوت‌های مکتسبه، تطبیق آن با سایر متون مذهبی که از حیثیتی اجدادی برخوردارند تصدیق و توجیه میکند. در کلیه حالات آیا شایسته است که انسان به همین جا سر تسلیم فرود آورد و آیا نمی‌بایستی بر عکس برای حل این مسئله پیچیده با جدیت وارد عمل گردید؟

ولی اگر قرآن با دقتی و بصیرتی بیشتر مورد بررسی

قرار گیرد ملاحظه خواهد شد که راز قرآن بدان سان که در بادی امر تصور می شود مقفل و غیر قابل کشف نمی باشد. علت پیدایش اشکالی که در قرائت قرآن با آن مواجه می شویم عدم آگاهی مادر تهیه لازم بمنظور تقرب به قرائت قرآن می باشد.

متن قرآنی نمی بایستی بعنوان یک کل انگاشته شود که قرائت آن از ابتدا تا انتها بدون مکث (توقف) و تعیین نقطه گذاری امکان پذیر باشد. هرگونه تقرب برای قرائت قرآن مستلزم بکرشته احتیاطات می باشد. قبل از هر چیز باید توجه داشت و تکرار می کنیم باید توجه داشت که قرآن در تدوین فعلی خود امکان تعقیب رسالت و دعوت محمد را فراهم نمی آورد (۱).

بنا بر این هم در اثر میل به درک قرآن و هم در اثر نیاز به تمرکز توجه بجا است که شالوده تاریخی و مجموعه علل موثر ورشته حوادث مربوط به زندگی پیامبر را که چهارچوب دعوت محمد را تشکیل می دهند با زیابیم. قرآن مسلمانان را می ملهم و آسمانی و یک شریعت و قانون می باشد. و نیز مجموعه های از متون (جنگی) است که مشتمل بر متن های مربوط به تربیت مذهبی و آموزش است. با ایجا دکردن رابطه بین این متون و شئون نزول آن به تاویل معنای آن می رسم و خطوط نیروی رسالت پیامبر خیلی بیش از هر مبارز دیگری بطور برجسته مشخص می گردد. بنا بر این هر تقرب به متن قرآنی مستلزم کار تهیه قبلی است در اینجا اهمیت تجدید طبقه بندی سوره های قرآن و سیله نولدکه و مکتب او (۲) بخوبی معلوم می شود این طبقه بندی در تنویر اطمینان بخش قرآن

(۱) فصل اول صفحه ۲۵ (۲) فصل اول صفحه ۱۴

نقشی بزرگ بازی میکند. نولدکه متون قرآن را که با سیر حوادث مهم تاریخی ارتباط دارند در آفق قابل درک و معقولی قرار می دهد بدین ترتیب تقرب و تلاش محقق اروپائی معنای یافته و میل او برای درک مسئله که بدون آن پیشرفت در این راه میسر نیست ارضا می گردد. از پرتو این طبقه بندی تنا فروت باین (تغایر) سبک مستعمل در قرآن نه تنها موجب گمراهی محقق نیست بلکه این تغایر بنوبه خود منبعی برای توضیح پدیده می شود. اگر در قرآن سیاق عبارات عوض می شود بدان دلیل است که محیطی (اقلیمی - حوی) که در آن مومنان و بت پرستان مواجه می گردند تغییر می کند. در نتیجه همان طور که ملاحظه می شود، تقسیم بندی قرآن به دوره های مختلف از میدان توقعات زبان شناسی و علم نصوص تجاوز کرده و محقق را به بررسی متون قرآنی با دیدی دلچسب تر هدایت می کند. با استفاده از منطقی که آزادانه بکار می رود محقق اروپائی بدین نتیجه می رسد که قرآن روح تازه ای یافته است؛ قرآن دیگری به عنوان پهلوی هم چینی نامنظم تعدادی متن تجلی نداشته بلکه بمثابه یک رشته از تم های (موضوعاتی) که طی بیست سال وسیله محمد بر حسب نیازهای دعوت و بشارت تحت تاثیر موقعیت های مختلف بسط و انتشار یافته است، متظا هر می گردد. در چنین شرایطی است که قرآن کلیت و وحدت روان شناسی و تاریخی خود را بازمی یابد و مخصوصا عناصر نامتجانسی که سوره های بزرگی از قبیل سوره دو و شش یا هفت سوره بعد از آن را تشکیل می دهند. دیگر بعنوان مجموعه های نامربوط و یا مصنوعا مرتبط نمودار نمی شوند. با سانی میتوان متوجه شد که این متون

پیرگسترش که مضافاً برای تکوّن قانون دارای اهمیت عظیم هستند، بخودی خود و بدون اشکال در مجموعه یک فعالیت مجاهد مجدداً طبقه بندی می شوند.

اگر مترجم قرآن ابتکار هدايت خواننده ترجمه را با قرار دادن عنوان های فرعی در هر کجا که نیازی احساس شود بدست گیرد در آنوقت است که قاری قرآن استظهاری یافته و به نتیجه مطالعه و اقدام خود اعتماد پیدا خواهد کرد و مطمئن خواهد شد که پیام مذهبی قرآن برایش مکشوف خواهد گردید. از این لحظه بعد اساس کار عبارت از این است که خواننده قرآن خط مشی هادی نموده شده را پیروی کند. تجربه نشان داده است که پذیرش طبقه بندی، بر حسب دوره ها که بوسیله نولدکه پیشنهاد شده و بوسیله برخی از مترجمین قرآن مورد استفاده قرار گرفته قرائت و مطالعه قرآن را آسان میکند و حتی قرائت متن آسمانی را شیرین و گوارا مینماید.



## فصل دوم

### پیام قرآنی در مکه

اگر از سوره پنجاه و سوم قرآن عثمانی آغاز کنیم یک رشته از سوره های را می یابیم که بیش از پیش و بتدریج کوتاه می شوند (۱) و ما را در باره نخستین لحظات دعوت پیامبر روشن می سازند. در این جا محمد مشغول لبالب (نا راحت) بوده و نسبت به نیروهای خود تردید دارد و در برابر عظمت رسالت خویش احساس نومیدی میکند. (ق سوره هفتاد و چهارم، آیات ۷ - ۱ و سوره نود و سوم، آیات ۱۱ - ۱ و سوره نود و چهارم آیات ۸ - ۱). سپس گروهی دیگر از سوره های قرآنی با اشاراتی روشن تر قرار گرفته اند که تعدادشان به بیست و سه سوره میرسد و ما را در باره نخستین تجربه پیامبر جدید آگاه می سازد. پیغمبر هنوز تحت ضربه دعوت الهی است. بلائی که جهان را بنا بودی میکشاند و مسئله روز قیامت تصور او را مشغول میکند. ساعت موعود نزدیک میشود بدون اینکه بتوان گفت در چه لحظه ای بر سر مردم فرودمی آید. وحشتی عظیم گناهکاران و شروتمندان را فرا خواهد گرفت.

(سوره ۷۰ - آیه های ۸ - ۱۴)

۸ - در آن روز که آسمان همانند مفرغ گداخته

گردد.

۹ - و کوهها بگونه گرد و غبار صوف مصوغ جلوه

۱ - فصل اول صفحه ۲۴

گوشوند .

- ۱۰ - روزی که دوستان یکدل و جان رایا رای احوالپرسی نباشد .  
 ۱۱ - روزی که مجرم حاضر است فرزندان  
 ۱۲ - همسر و برادر .  
 ۱۳ - و قوم خود را که بدو پناه داده  
 ۱۴ - و تمام کسانی را که بر روی زمین هستند  
 تسلیم و تحویل کنند تا غایتا از عذاب آن روز  
 رهایی یابد .

زمین نیز دچار لرزش خواهد شد و مردگان از خواب  
 بیدار می‌شوند ، آنوقت روز مکافات خواهد بود .

( قرآن سوره نودونه آیات ۸ - ۱ )

- ۱ - وقتی که زمین در اثر زمین لرزگی متلاطم  
 گردید  
 ۲ - و محتوای اندرون خود را (یا رهای خود  
 را ) به بیرون پرتاب کرد  
 ۳ - و زمانی که انسا ن بی‌رسد : " زمین را چه  
 رسیده ؟"  
 ۴ - در آن زمان زمین داستان های ماجرای  
 برخوردار بیان خواهد کرد  
 ۵ - بدان سان که پروردگار تو بر آن وحی  
 کرده است

- ۶ - در آن روز آدمیان در مقابل خود دسته دسته  
 بیای می‌خیزند تا کردارهای خور را برای -  
 العین به بینند  
 ۷ - هر آنکس ذره ای کار نیک کرده باشد آن  
 را خواهد دید  
 ۸ - و کسیکه ذره ای کار شر را و سرزده باشد آن  
 را مشاهده خواهد کرد .

در این سوره ها مکافات برگزیدگان و منفوران بر  
 حسب اعمالشان با دوگانگی و تضاد سرسام آوری محسوس می‌شوند

: ( سوره ۶۹ - آیات ۲۹ - ۱۵ )

- ۱۵ - در آن روز واجب الوقوع بوقوع خواهد  
 پیوست  
 ۱۶ - و آسمان منشق و متثائب خواهد شد  
 ۱۷ - فرشتگان در حدود آسمان بوده و از آن  
 میان هشت فرشته در آن روز تخت خدای ترا  
 برشانه های خود حامل خواهند بود .  
 ۱۸ - در آن روز شما همه در معرض خواهید  
 بود : هیچ رازی در شما مکتوم نخواهد بود  
 ۱۹ - هر آنکس را که نامه اعمال بدست راست  
 شد و گفت : " آری به بینید ! نامه اعمال مرا  
 بخوانید ،  
 ۲۰ - من حدس می‌زدم که بسزای خویش می‌رسم ! -

- ۲۱ - آری چنین کسی در حیات گوارا خواهد بود
- ۲۲ - در باغی محلل
- ۲۳ - باغی که میوه های آن برای چیدن در دسترس خواهد بود
- ۲۴ - "پاداش اعمال خود در ازمنه گذشته بخورید و بنوشید!"
- ۲۵ - هر آنکس که نام اعمال خود را با دست چپ در یافت کرد و که خواهد گفت: "ای کاش محض رضای خدا نام اعمالم را بمن نداداده بودند!"
- ۲۶ - و کاش من پاداش (قضاوت) خود را نمیدانستم!
- ۲۷ - و کاش محض رضای خود مرگ من ایستد میبودی
- ۲۸ - مال و منال من بهیچ دردمن نخورد
- ۲۹ - و قدرت من دور از من و مفقود است."

در اینجا با یکی از جنبه های مداوم و ثابت هنر خطابه و شعر در جهان سامی بطور عام و در عربها بطور خاص خود را مواجه می یابیم. تناقض (انتی تزی) با سماجت و پیوسته غالباً با تغییر صورتی ضعیف تکرار می شود ولی این نحوه بیان در روحیه و فکر مردم تاثیر شدیدی در مردمی که در برابر شریک کلمه یا یک لغت و صفت حساسیتی رقیق نشان میدهند. (ق سوره هشتادم آیات ۴۲ - ۳۳، سوره هشتاد و

چهارم، آیات ۱۴ - ۷، سوره هشتاد و هشتم، آیات ۱۶ - ۱ سوره پنجاه و ششم آیات ۵۶ - ۱، سوره هفتاد و هشتم، آیات ۳۶ - ۱۷). این خصیصه بیانی همه جا محسوس است، توصیف لذات بهشتی در روضه عدن بهتر از هر چیز سا دگی نحوه تاثیر این روشن بیانی را نشان میدهد.

(سوره ۵۲، آیات ۲۷ - ۱۷)

- ۱۷ - در حقیقت پرهیزگاران در باغ ها و نعمت خواهند بود
- ۱۸ - اینان از آنچه خدایتعالی برایشان ارزانی داشته بهره ورنند. پروردگار آنها آنان را از عذاب جهنم حفظ میکند
- ۱۹ - به پاداش اعمال نیکتان بخورید و بیاشامید
- ۲۰ - متکی بر تخت های هم ردیف، حوریانی پیاله چشم را بعنوان همسربانها میدهم
- ۲۳ - جام های شراب را از دست هم میربایند ولی از آن نه لغوی با رمی آید و نه گناهی
- ۲۴ - بالغ پسرانی میان آنها برای خدمت رفت و آمد میکنند که مرواریدهای مکنون را مانند
- ۲۵ - پرهیزگاران یکدیگر را مخاطب قرار داده
- ۲۶ - و خواهند گفت: "ما سابقا در میان



کسان خودآکنده از هراس بودیم

۲۷ - خداوند ما را نعمت ارزانی کرد و ما را  
از عذاب شعله آتش دوزخ برکنار داشت .

در همین متن ها مایه دیگری از دعوت بچشم  
میخورد که فوراً آن بقدر کفایت اهمیت عمل مبارزه جویانه  
پیا مبر را نشان میدهد. خداوند در نهایت قدرت و تعالی  
توصیف شده است . معذک ، این خدا بعنوان خالق بیرحم  
معرفی نمیشود . برعکس عنایت خالق نسبت به انسانها  
بوسیله عطایا و توجهات خود بجهان متظاهر می شود . نباتات  
میوه جات ، رمه هائی که پوشاک ، شیر و اطعمه تهیه میکنند  
همه تجلی این عنایات میباشند . درسوره پنجاه و پنجم به  
نام "الرحمن" کلیه عطایای الهی که بر مردم ارزانی  
شده برای این است که مردم را به حق شناسی و پرهیزگاری  
نسبت به "خدای عالمها" برانگیزد . متوازیاً ، در این  
متون ، وظیفه احسان و نیکوکاری با صراحت تاکید شده و بدین  
ترتیب متقابلاً ثروت تکبر آ میز و متظا هر را محکوم میکند .

( سوره ۹۲ آیات ۱۰ - ۵ )

۵ - هر آنکس که میبخشد و متقی است

۶ - و پاداش نیک را تصدیق دارد

۷ - به چنین کسی ما وصول به آسایش عالی

را تسهیل می کنیم

۸ - هر آنکس که خسیس است و از خود راضی است

۹ - و پاداش بسیار خوب را دروغ انگارد

۱۰ - به چنین کسی ما وصول به ناراحتی  
غائی را تسهیل مینمائیم

درسوره های مربوط به این دوره ، مایه دیگری که  
اهمیتش کمتر از مایه قبلی نیست پدیدار میگردد که نتیجه  
طبیعی و لازم اعلام موعده می باشد . در این جا موضوع تأیید و  
اثبات عظمت و تعالی رسالتی که محمد بر عهده دارد مطرح  
است . درسوره هشتاد و یکم (التکویر) این رسالت اساسی  
در اسلام با جملاتی بسیار محکم مدون گردیده است .

( سوره ۸۱ آیات ۲۸ - ۱۵ )

۱۵ - نه ! چنین نیست ! به ستارگان دوار

سوگند میخورم

۱۶ - که سیارند و نا پدید می شوند

۱۷ - به شب که یال میگسترانند

۱۸ - به با مدادان که دم خود را منتشر میکنند

۱۹ - در حقیقت بطور یقین سخن پیامبری

واجب الاحترام می باشد که

۲۰ - نزد صاحب عرش منزلتی استوار دارد

۲۱ - مطاع و امین است !

۲۲ - صاحب شما مجنون نیست

۲۳ - مسلماً او در افاق مبین آن را رویت کرده !

۲۴ - در امور غیب بخالت ندارد

۲۵ - این مرکزگفتار شیطانی منفور نیست

۲۶ - به کجا میروید؟

۲۷ - این چیزی بحزهدایت جهان نیست

۲۸ - برای کسانی که در بین شما بخواهند  
صراط مستقیم را دنبال کنند.

از این موقع ببعد قرآن به کرات وظیفه‌ای را که به پیامبر جدیداً حاله شده مشخص میکند. پیغمبر خدای را رویت نکرده زیرا هیچ آفریده‌ای قادر به رویت او نیست. پیام الهی وسیله یک فرشته منتقل میگردد. محمد فقط مخبر اعضا روازمنه آینده است. در متنی که مذکور شد شرایط مبارزه بین محمد و بیت پرستان مکه‌ای مشاهده میشود. قرآن در موارد مختلف با شدت نابینائی کسانی را که پیام الهی در نظرشان الهامات کفرآمیز و شیطانی است افشاء میکند. (ق سوره پنجاه و دوم آیات ۳۰ - ۲۹ سوره پنجاه و سوم آیات ۱۸ - ۱ سوره شصت و هشتم آیات ۶ - ۲ و ۵۲ - ۵۱).  
در این نخستین دوره بایده یک موضوع توجه کرد: متون مربوط بدین دوره اثبات و تأییدی از دگم‌های اساسی اسلام یعنی مسئله وحدت خدا را در تاریکی و ابهام میگذارد. حتی چنین بنظر میرسد که در سوره پنجاه و سوم آیات ۲۵ - ۱۹ آثاری از تردید در محکوم ساختن عبادت نسبت به اله‌های سه‌گانه‌های مکه وجود داشته باشد. ولی متن بصورت فعلی باید مربوط به یک نص تصحیح شده مظنون آن باشد، زیرا بزودی وحدت خداوند بصورت قاطع و بالاتر دید تأیید می‌شود.

(سوره ۱۱۲ - آیات ۱ - ۴)

۱ - بگو: " او خدای یکتاست

۲ - خدای بی شریک

۳ - او نزاده است و زائیده نشده

۴ - کسی او را عدیل نیست

این عقیده و ایمان سپس بطور طبیعی همچنان بر حسب ارزشی که بدان نسبت داده می‌شود بتکرار می‌آید. (ق سوره پنجاه و دوم آیه ۴۳ سوره هفادوسوم آیه ۹) البته در همین متون صفات دیگری بخدا نسبت داده میشود ولی این صفات در درجه اول اهمیت نمیباشند.  
بدنبال این نخستین متون، میتوان تواما یا زده سوره پراکنده در قرآن را از آغاز فصل هفتم مورد بررسی قرار داد. در آن جا نیز و مسلماً بسط و گسترش‌های مربوط به اخرویات که به گسترش‌هایی که تا کنون شناخته ایم شباهت دارند مشاهده می‌شود. معذک، یک رشته مطالب و تم‌های دیگری بسط می‌یابند که مویده تغییر روش نسبت به مخالفین مکه‌ای است. این گروه بدون شک در محمدایسن احساس را ایجاد کرده اند که امکان توافق وجود ندارد. مشاجره علیه این گروه خیلی حادث و سریع ترمی‌شود و بدون شک و بطور یقین قطع رابطه با آنها قریب الوقوع است.

(سوره هفتم دوم آیات ۱۳ - ۱۰)



- ۱۰ - گفتار آنها را تحمل کن و آرامی از آنها دوری گزین!
- ۱۱ - مرا با کسانی که دعوت ترا دروغ انگارند و صاحب نعمت اند بگذار! آنها را مهلتی کوتاه بده!
- ۱۲ - در حقیقت ما غل و زنجیرها و جهنمی در اختیار داریم و
- ۱۳ - طعامی گلوگیر و عذابی دردناک

(به سوره ۱۰۴ نیز مراجعه کنید.)

در عین حال توبیخ و دعوت به توبه، محکوم کردن ثروتمندان و تشویق به صدقه و زکاة به حدت بیشتری انجام میگیرد. (ق سوره نودم آیات ۲۱ - ۱). این جا و آنجا برخی از آیات قرآنی نشان میدهند که عبادت "خدای مشرق و مغرب" بدون اینکه به تفصیل معین شود شکل میگیرد. عبادت شبانگاه‌ها در این عبادت مقام مهمی را شغال میکنند.

(سوره ۷۳ آیه‌های ۱ - ۴)

- ۱ - ای گلیم بر خود پیچیده!
- ۲ - شبانگاه را مدتی کوتاه شب زنده داری کن
- ۳ - نیمی از شب را و یا کمتر از نیمی از شب
- ۴ - یا کمی بیشتر، و بشارت را با دقت ترتیل

کن!

آیا میتوان گفت که نخستین گرویدگان با سلام از این زمان ببعد نمازها و دعا‌های مشخصی برای ادای مراسم عبادت بصورت کامل در اختیار داشته بوده‌اند؟ بدین سؤال کوشیده شده است که پاسخ مثبت داده شود و به همین جهت است که در اثر احتیاج پنج سوره را برای نمازها و یا تضرعات و دعاها پذیرفته‌اند. در این مورد سوره الفاتحه را باید نام برد. این سوره را از آن جهت الفاتحه نامیده‌اند که قرآن را افتتاح میکند. نقش این سوره در عبادت همانند نقش "پدرما" (۱) می‌باشد در مسیحیت.

(سوره اول آیه‌های ۱ تا ۷)

- ۱ - بنام خدا، نیکوکار بخشنده
- ۲ - ستایش باد بر خدا پروردگار مخلوقات
- ۳ - نیکوکار بخشنده
- ۴ - صاحب روز قیامت
- ۵ - این توفی که ما می‌پرستیم، تو کوه یاری ات را می‌طلبیم
- ۶ - ما را براه راست هدایت کن
- ۷ - راه کسانی که بآنها نعمات را دادی، کسانی که نه مورد غضب تو اند و نه گمراه‌اند.

وحی هائی که در این نخستین دوره مکی دریافت شده اند همه با سبکی و احدیبا نکرده اند. آیات معمولا از شش تا ده سیلاب تشکیل گردیده اند. بندها غالباً بر قافیه ای واحد که تکامل و غنای زیادی دارند پی در پی میآید - یند. برخی از سوره ها دویا چند بار گروههای مصرعی بسا ترجیع بند دارند (قرآن سوره هفتاد و هفتم). غالباً اوقات صیغه (صورت - نمونه) های سری بوسیله نجوم یا جبال مقدس در آغاز سوره ها قرار میگیرند که تشکیل تعزیماتی را میدهند (۱) وجه مشخصه همه این متون سبک تغزلی و سیاق تخیلی آنهاست .

دومین دوره دعوت در مکه بوسیله بیست و دو فصل از آغاز سوره هیجدهم تا سوره پنجاه و سوم نموده می شود. این متون مفصل و مرکب میباشند سوره هیجدهم موسوم به الکهف در بهترین نمونه این سیمای ترکیبی است. در این سوره استعمال مداوم صورت ندائی و دعائی "الرحمن" (نیکوکار) ، در جوار اسامی که معمولا الوهیت را نشان میدهند جلب توجه میکند. این اصالت و واقعیت کلامی (لغوی) میتواند بخوبی متناظر با بینش و درک ویژه بدین عصر باشد. (ق سوره چهل و سوم آیات ۹ - ۸ و بویژه سوره سی و ششم آیات ۳۳ - ۳۴)

در این متون همه جا جدائی و اختلاف بین جامعه اسلامی جوان و دشمنان بروز میکند. یکی از قطعات سوره بیست و سوم (آیات ۸۳/۸۱ - ۹۰/۹۲) دارای لحن مشاخره است. دگم وحدت خدا مسلم و موید است (قرآن سوره بیست و

سوم آیات ۹۳/۹۱ - ۹۲/۹۴). نقش مخبر که بر عهده محمد و او - گذار شده نیز تکرار میگردد و معنا و اهمیت این نقش در عباراتی (سوره هیجدهم آیات ۹۳/۹۴ - ۹۵/۹۶) دقیقاً مشخص است. قرآن نسبت به غیر مومنان دیگر به تشریح عواقب انتخاب "راه راست" و "راه نادرست" اکتفا نمیکند. مشرکین مکه که در برابر دعوت محمدناشنوا مانده اند با تش جهنم تهدید می شوند (سوره چهل و چهارم آیات ۳۳/۳۴ - ۵۹).

طی دوره قبل مبحث (تم) " پیامبری که در بیا - بان دعوت میکند" بتفرق گسترش یافته است. برعکس در دوره دوم به نسبتی که خصومت مشرکین علیه محمد از دیدار می یابد مبحث مزبور متناظر با اوضاع و احوال اهمیت پیدا میکند. دعوت پیامبر برای نیل به هدف خود به حکایات و افسانه های معروف و رایج در عربستان متوسل میشود. چهار چوب دعوت شکل نسبتاً واحدی دارد: پس از یک خطابه درباره مذهب یا وظایف مذهبی که غالباً کوتاه است ، حکایتی مربوط به یک طایفه یا یک قوم مطرح میشود که در اثر وفور نعمت به ضلال افتاده و از عبادت خدای روی میگردانند. اسامی این طوایف و اقوام معدود بوده و عبارتند از قوم عاد عربستان جنوبی "ثمود" وادی القری در شمال مدینه ، (وقوم ایکه Amalécites و "قوم لوط" مصریها و فرعون، و بالاخره در زمان گذشته معاصرین نوح، خداوند برای این اقوام کافر پیامبری می فرستد که سرتوشتی همانند محمد داشته . هود، صالح ، موسی ، ابراهیم و نوح قبل از طوفان نیز همانند محمد مورد

استهزا و توهین افراد عشیره خود قرار گرفته اند (ق سوره پنجاه و چهارم ، سی و هفتم ، هفتاد و یکم ، بیست و ششم ، پانزدهم و بیست و یکم) .

بطوری که ملاحظه میشود با رجوع به حکایت های محلی و داستانهای کتاب مقدس مایه و مبحث (تم) " پیامبری که در بیابان بدعت میپردازد " گسترش می یابد. در این قسمت و از این نظر توازی غیر قابل احترازی بین قرآن و کتاب مقدس نهاده میشود. بطور کلی قرآن با تار و پود کتاب مقدس فاصله زیادی نشان نمیدهد. معذک زبان عربی با ساخت و ترکیب متراکم خود به خطابه و فن حکائی خصلتی عجیب میدهد بویژه بدان دلیل که در خطابه توجه زبان عربی بیشتر به اشاره و تذکار است تا به شرح و توضیح. در این رشته حکایات مربوط به پیامبران داستانهای مربوط به موسی بکثرت تکرار میشود. معذک در همین دوره برای عیسی و مریم مقامی منیع در قرآن داده شده (ق سوره نوزدهم) ولی چهره های مجسم از دو شخصیت در قرآن با مشخصاتی که در انجیل های (اناجیل الاربعه المتوافقه) اربعه از آنها داده شده در برخی نکات اختلاف دارند. ابراهیم چهره ای متمایز از نظر عرب عرضه می کند. ابراهیم نیز همانند سایر پیامبران در برابر مردمی که به دعوت او شنوائی نداشتند قرار گرفته است و مخصوصا تاسف و عذاب او از این جهت است که پدرش در برابر رسالت او دیده بصیرت نداشت است. (ق ، سوره نوزدهم آیات ۴۲/۴۱ - ۵۱/۵۰ ، سوره چهل و سوم ، آیات ۲۶/۲۵ - ۳۹/۳۸) .

سبک وحی های این دوره با سبک دوره قبل اختلاف

عمیق دارد. آیات این دوره نه تنها کشیده و دراز هستند ، (بطور متوسط ۱۲ تا ۲۰ سیلاب) بلکه وضع کلی عیسارت ترجمان جذب درونی نیست و مولود همان نیروی تخیلی نمی باشد. در این جا دریافت کننده وحی تحت تسلط و نفوذ جنگ خود علیه مخالفان است که غیر قابل شکست احساس می شوند. پاسخ جسارت یا تحدی داده می شود و تذکار حقیقتی واحد تحت اشکالی که تقریبا با هم شباهت دارند به عنوان مستدل ترین برهان تظاهر میکنند. چون " حال شاعری " جای خود را به نقد گزنده میدهد ، تاثیرات اسلوبی محض دیگر با آن اصرار کذائی متجلی نمی شوند. سبک واقعیت مسئله را مداوم نشان میدهد: بندهای عیسارات دیگر به صورت مقفی و مسجع تمام نمی شوند و تنوع تقفیه و تسجیع نیز محدود است .

بیست و دو سوره ای که در تجدید تقسیم بندی نولدکه متناظر با سومین و آخرین مرحله دعوت در مکه است بدنبال سوره های دوره قبلی قرار میگیرند. بین این دو رشته متون هیچ نشانه ای نمیتوان یافت که نمایانگر تجدید اساسی مایه ها (مباحث) و نحوه بیان و انشای آن ها باشد. معذک ، این احساس تداوم نمی یابستی ما را از تشخیص و تمیز نازک کاری هایی در جزئیات باز دارد. این سوره ها غالبا وحی های مابعد سال ۶۲۲ را می نمایند که در خلال وحی های دریافت داشته طی دو یا سه سال آخر دعوت محمد در مکه جای گرفته اند. از میان مثال های گوناگون سوره هفدهم (بنی اسرائیل) / موسوم به مسافرت شبانه / نمونه جالبی است: از دوازده گسترشی که این مجموعه را

تشکیل می‌دهند تکرارهایی بچشم می‌خورد. و در آیات پنجم و آیات بعد از آن تهدیدی - که نتیجه یک اضافه بعدی هم عصر با قطع رابطه با یهودیان مدینه‌ای در سال ۶۲۴ می‌باشد - مشاهده می‌گردد.

از طرف دیگر میبایستی تاکید کرد که در متون ایمن سومین دوره عبارات با ترکیبی بصورت ارشاد و خطبه تکرار می‌شود. البته چنین ترکیبی در سوره‌های قبلی وجود داشته است. منتها ترکیب مذکور در طول دوران جدید تعمیم می‌یابد. معذک، در این جا با مسئله زیر مواجه می‌شویم: آیا صورت ترکیبی این خطبه‌های ارشادی اصالت دارد؟ برای سوره‌های چهل و ششم (الاحقاف) و ششم (الانعام)، پاسخ بدین سوال مثبت است. برعکس این قضاوت درباره سایر سوره‌ها مصداق ندارد. در حقیقت دلایلی چندانسان رابه فکسر زیرین هدایت میکند: خطابه‌های دینی تقوایی، که نشان می‌دهند دعوت محمد مورد اجابت نیافته و خطابه‌های تهدید آمیز نسبت به مشرکین مکه‌ای همه نتیجه قراردادن آیاتی است که براحتی در چهارچوب سه قسمتی (سه دوره‌ای) جای می‌گیرند. زیرا این آیات بقدری با نیاز جدید دعوت محمد انطباق و توافق دارد که میتوان گفت نتیجه طبیعی و الزامی شرایط و اوضاع است. در این شرایط موقعیست پیا مبریا موقعیت او در جریان چهار یا پنج سال اولیه دعوت بکلی متفاوت است. بی‌اعتنائی و بی‌توجهی بازگانان مکه‌ای نسبت بدعوت پیا مبریه سخریه و تهکم و سپس به دشمنی و بدخواهی تبدیل می‌شود. حوالی سال ۶۱۹ میلادی که محمد حمایت عم خود ا بوطالب را از دست می‌دهد و چند صاحبی از

یشتیبانی خدیجه همسر خودش محروم می‌شود مخالفت علیه او افسار گسیخته شدت می‌گیرد تا بحائی که قبایل مکی او را طرد می‌کنند.

جامعه جوان اسلامی در این شرایط مجبور می‌شود به جستجوی حمایت بجای دیگر روی آور شود. شهر طائف، واقع در نزدیکی مکه، از محمد استقبال بدی میکند. برعکس شهر مدینه (که آنوقت یثرب نام داشت و رقیب بازرگانی مکه بود) خود را بدعوت مذهب جدیدنا شنوا نشان نمیدهسد. تطابق و توافق رسالت و دعوت با شرایط فعلی خیلی طبیعی و منطقی است. صورت خطابه‌ای دعوت برای جامعه‌ای که بصورت متنوعی درآمدی بطور کلی مناسب تر جلوه می‌کنند. بعلاوه اینجا و آنجا (در موارد مختلف) در کلمات من حیث المجموع، آثاری از مناسبات نزدیکی که بین شکل پیام هائیکه پیامبر از خدا دریافت میدارد و شرایطی (ظروفی) که در آن محمد مبارزه میکند وجود دارد؛ قرآن در سوره‌های ایمن دوره سوم بارها صیغه‌های عبارتی ایها الناس! " ای اقوام"، "ای مردم" را بکار میبرد. بدین ترتیب توجه وحی هادیگرتنها بسوی اهالی مکه نبوده ولی روجه کسانی است که تاکنون مورد هدایت قرار نگرفته‌اند، یعنی استدا مردم مدینه و سپس جامعه و جهان عشیره‌ای. این دوام و استمرار ضمن ارتباط خود با تحویل و تغییر خفیف ظروف و شرایط، طبیعتا در بررسی مباحث دعوت مشاهده می‌شود. طبقه‌بندی مباحث مطروحه تحت سه گروه عمومی متظا هرر می‌شود: یادآوری شکست‌های پیامبران درازمنه گذشته - تائید و تثبیت اینکه اسلام در حقیقت فائق و متعالی

خودحجت و شاهدخدای قادر بر همه چیز (قادر علی کل شیئی) و رحمت الهی است - شعور و احساس برای اینکه جا معه محدود پیر و محمد باید در پارسائی و تقوی و تسلیم به سرنوشت خود زندگی کند. بدون شک، همانطور که مشاهده می شود، در این جا نمی توان مطالبی یافت که تکرار مباحثی که دوره دوم بکرات بیان کرده نباشد، هر چند بعضی نازک کاریها و تغییرات خفیف نحوه برخورد های مختلفی را نشان میدهد. حکلیات مربوط به پیامبران عرب با پیامبران مذکور در کتابهای مقدس گاه با یکدیگر بیان می شود. (قرآن سوره بیست و نهم). البته بازگویی اهمیت و وسعت این مباحث خطابه ای تکرار غیر ضروری میباشد. معذک در بعضی موارد مباحث مورد بررسی و مشروح با اضافات و تفصیلاتی همراه است که بر تائید آن افزوده و یا بردو میدان آن را تدقیق میکند. برای مثال میتوان تذکار رسالت موسی را بصورتی که در سوره هفتم آیات ۱۰۴/۱۰۲ و ۱۷۶/۱۷۵ بیان گردیده نام برد. مخصوصاً بعنوان مثالی برجسته میتوان خطابه محتوی در سوره دوازدهم یعنی سوره یوسف را ذکر نمود که در آن قهرمان معرف در کتاب مقدس تحت پیگردنا بکاران (خبیث ها) قرار گرفته تا آن روز فرارسد که خدای کائنات پاداش فضیلت و پارسائی و شجاعت او را اعطا کند. طی این دوره چندین بار ایده ای بیان گردیده که نمی توان آن را یک تم (مایه - مبحث) دانست ولی بیش از پیش در دعوت و بشارت مقامی منیع را اشغال میکند. قرآن با تذکار شکست های پیامبران در گذشته، تاریخ متوالی فرستادگان خدا را برای بشارت و دعوت خلق برشته نظم میکشد. مثلاً

احصائی که در سوره ششم آیات ۹ - ۸۴ بچشم می خورد بسیار جالب است. این احصاء سرانجام پیوستولای اساسی پیامبر شناسی اسلامی را تدقیق میکند. سلسله پیام های الهی به تذکار زیرین محمد مختوم میگردد:

(سوره ششم آیه ۹۰)

آنانند کسانی که خداوند هدایتشان کرده .  
پیامبر تو نیز خود را بوسیله هدایت آنها  
رهبری کن! به کفار بگو: "من برای اینکار  
از شما هیچگونه مزدی نمیخواهیم. ای  
نمونه ای است صالح برای جهان".

در این جا در عین حال اصرار در اتخاذ مجدد عنصری مایه ای که مولود تجربه شخص پیامبر اسلام است توضیح و روشن میگردد. به مشرکان مکه سرنوشتی که نصیب کافران بود وعده داده می شود. (ق، سوره چهل و ششم آیات ۲۶/۲۵ - ۲۸/۲۷). در این جا تهدید روشن و آشکار است، این تهدید بعنوان یک محط کلام (خطی هادی و محرک - Leitmotiv) در سایر عبارات بازمی آید (ق سوره سی و نهم آیات ۳/۲ - ۷/۶). در این دوره سوم مسئله قیامت بیش از همیشه مورد جدل قرار میگیرد. (ق، سوره سیزدهم آیات ۷/۸ - ۵). عبارت زیر مستخرج از سوره چهل و پنجم لحن جواب را نشان میدهد.

(سوره ۴۵ آیه های ۲۴/۲۳ - ۲۶/۲۵)

(۲۳/۲۴)

مشرکین گفتند: " چیزی بجز این زندگی آنی وجود ندارد. ما خواهیم مرد و ما زندگی خواهیم کرد و زمانه و سرنوشت ما را بهلاکت خواهد رسانید. " مشرکین را از این آگاهی نیست، آنها فقط ظن میکنند و تخمین میزنند. (۰۰۰)

(۲۵/۲۶)

بآنها پاسخ بده: " خدا به شما حیات میدهد، سپس شما را خواهد میرانید، سپس شما را برای روز قطفی الوقوع رستاخیز مجتمع خواهد کرد. " ولی غالب انسانها در جهل اند.

• قطع رابطه بابت پرستان مکه‌ای در متنی دیگر تأیید شده است:

(سوره ۴۲ آیات ۱۴/۱۵)

(۱۴/۱۵)

پس بدین ترتیب مردم را به ایمان دعوت کن! و همانطوریکه بتوا مرشده است ثابت باش. شریعت‌های مضرکفار را پیروی نکن! بگو: "من به کتابی ایمان دارم که خدا نازل کرده است. بمن دستور داده شده است که نسبت بشما عادل باشم. خدا پروردگار ما و پروردگار

شماست. ما را اعمال خود و شما را اعمال خود. بین ما و شما هیچ صحبت و محاکمه‌ای نیست. خدا بین ما و شما توافق ایجاد خواهد کرد و صیوررت بسوی اوست.

از این تاریخ به بعد محمد دیگر به بازگشت کفار و منکرین امید ندارد

(سوره شانزدهم آیات ۳۷/۳۹)

(۳۷/۳۹)

اگر تو را ولع بر هدایت شکاکین و مشرکین است این کاری است بیهوده زیرا هر آنکسی را که خدا گمراه کند امکان هدایت نیست و او را مددکاری نباشد.

(به سوره ششم آیه‌های ۵ تا ۳۵ و ۱۰۵ تا ۱۰۹ نیز مراجعه شود)

در مواردی متعدد استدلال و برهان قاطعی که ادا ی نام خدای قادر و متعال رکن اساس آن است تکرار می‌شود. قدرت خدا از احسان بی‌حد خود - همانطور که در تعدادی از وحی‌های قبل از این دوره نیز وجود دارد - نسبت به مخلوقات جدا نیست (ق سوره سیزدهم آیات ۴ - ۲). این تأکید اثباتی در آن واحد هم علیه مشرکین است که عظمت خدای واحد و خالق را درک نمیکنند و هم بر له‌مؤمنان که توانستند



از حقیقت با زردرس عبرتی بگیرند. مسئله فعلی مطروحه برای جامعه کوچک مسلمان آن روز عبارت از مقاومت در برابر فشارها و تهدیدهای افرادی که قبيله آنهاست. مضاف بر اینها متون متعددی نشان میدهند که در طول این سومین دوره رسالت، عبادت (نماز) - بدون اینکه بعنوان وظیفه‌ای قاطع تلقی شود - شکل و صورت میگیرد. (قرآن سوره هفدهم آیات ۷۸/۸۰ و ۷۹/۸۱).

بدون شک حوالی این زمان است که ستایش و احترام اسلام از ابراهیم آغاز میگردد این شیخ جلیل معروف در کتاب مقدس دیگر تنها یک نفر عدوالتقالید (محارب الایقونات) وجد معظم و موقر اولاد اسرائیل نیست. ابراهیم در قرآن از این بعد بعنوان بنیان گذار مذهبی ابتدائی که بوسیله تمام فرستادگان خدا تبشیر شده و ملل کافر آن را فراموش کرده‌اند تسجیل میگردد این برگزیده خدا در قطعه‌ای از سوره‌ای که بنا ماوست باز بهتر معرفی میگردد. زیرا او موسس عبادت کعبه است (ق، سوره چهاردهم آیات ۳۸ و ۴۰/۴۲). این تحول که پایه‌اش بینش ابراهیم است بعدها در مدینه موءیدخواهد گردید. لوئی ماسیون یسن (Louis Massignon) با اتکاء بر این متن و چند متن دیگر کوشیده است که بین اسرائیل و جهان اسلام آشتی و توافق پیدا کند.

مسلم است که تا چه حد سیک سوره‌ها در جریان دوره‌ای که باختصار از نظر گذرانیم دچار دگرگونی شده است. بدون شک تقطیع بر حسب آیاتی که به بندهای مقفی منتهی می‌شوند و هنهاک (این جا، آنجا) قطعاتی که تحت تاثیر

غنائیت قطعات دومین مرحله دعوت پیاپی مبرقرار گرفته‌اند بچشم می‌خورد. با وجود همه این مطالب - حتی از خلال ترجمه‌ای از این متون - میتوان به تشدید اختلاف بین سیک مبهور (ناهج) و مقطع کوتاه سوگندها و احضار و یادآوری اخرویات که از ویژگی‌های آغاز دعوت پیاپی مبرند و شکل خطا بسه‌ای مفصل، پراز حادثه که از مشخصات وحی‌هاست که محمد بهنگام ترک شهری که مردمش بدعوت او گوش فرامیدادند دریافت نموده، پی‌برد.

## فصل سوم

## پیام قرآنی در مدینه

مهاجرت محمد در ماه ژوئیه سال ۶۲۲ به مدینه -  
 واحه‌ای که به هشت روز فاصله با پای پیاده در شمال  
 مکه واقع شده - تنها بمعنای قطع رابطه با مشرکین  
 مکه‌ای نیست . بلکه این مهاجرت در واقع جهشی اساسی  
 است زیرا همراه قطع رابطه با پیوند قبیله‌ای است . از  
 این لحظه بعد اسلام در راه وصول به چهار جوی (ملاکی)  
 اجتماعی و مذهبی که در آن مومنان تحت قانونی کسبه  
 وابسته به الهام قرآنی است - گسترش می‌یابد . ایمان  
 آوردن سریع قسمتی از جمعیت محلی - که با کراه و تردید  
 وسیله بقیه مردم مدینه پیروی گردید - نقش محمد را  
 تغییر میدهد . از این بعد او دیگر - فقط برگزیده‌ای از  
 خدا که "در بیان تشریح کند" نیست . محمد بدون اینکه  
 سادگی خود را از دست بدهد احساس می‌کند که رهبر جامعه‌ای  
 است که قدرت خدا بر آن حاکم است . و تحت فشار شرایط ،  
 توقعات خود را ابراز میکند و تعیین تجربی قواعد و نهادهای  
 اساسی و پایه‌ای را الزام می‌نماید (ق سوره هشتم آیات  
 ۲۰ - ۲۴ و سوره سوم آیات ۳۱ / ۲۹) . جمعیت مدینه تنها  
 از مشرکینی که با سلام گرویده‌اند تشکیل نشده است . سه  
 طایفه کوچک (مجتمع) یهودی با نظام عشیره‌ای که در زندگی  
 واحه شرکت و تاثیر دارند برای همزیستی محمد را با مشکلات  
 مواجهه میکنند . مواجهه محمد و پیروان او با کاروانی که از



سوریه باز میگشت ، علامت جنگ میان دوشهر رقیب است .  
 نمایش و مظاهر ات قوای مکی که بوسیله گروهی از سردمداران مکه تشکیل یافته بود ابتدا محمد را و اداریا تخمناذ موضع دفاعی میکند. در جریان تابستان ۶۲۶ شکست آخرین حمله مشرکین - جلوی مدینه - که به جنگ خندق معروف است اوضاع را دگرگون مینماید. در ماه مارس ۶۲۸، محمد با اشراقی عبقری (برقی از نبوغ) که پیروزی او موید آن است تصمیم میگیرد با کسان خود زیارت صغری (عمره) را در مکه انجام دهد. قطع مخالفت که در حدیبیه، در پرتو زیرکی بعضی از یاران محمد، با روسای مکه امضا گردید نشان دهنده وجهه و اعتباری است که محمد در افکار عمومی بدست آورده بوده است. معذک، دو سال طول کشید تا محمد بتواند پیروزی قطعی خود را - در سال ۶۳۰ - با ورودشکوه مند خود بمکه تحقق بخشد. از این تاریخ بعد حکومت الهی (تربیی) مدینه همچنان بر مجموعه قبایل شبه جزیره عربستان تا مرگ محمد بسال ۶۳۲ گسترش و ادامه می یابد.

مسلم است و لازم با صراحت نیست که میان تاریخ جامعه مدینه و وحی های واصله وسیله محمد در مدینه رابطه ای وجود دارد. محمد در کلیه شرایط، برای اجتناب از مشکلات و یا حل آنها از خدای آسمان (آسمان مقام) رهنمود دریافت میدارد. البته نمی بایستی انتظار داشت که متن قرآنی برای ما تاریخ این جامعه را نقل کند و یا شرایطی را که این جامعه در آن شدن خود را متکون نموده نشان دهد. حداقل میتوان گفت که متون مدنی (مدینه ای) بطور کم و

بیش صریح و روشن - ولی محکم و قاطع - آثار مناسبات غامض ولی مستحکم بین واقعیات و انعکاس آنها را در وحی نشان میدهند. کلیه عملیات محمد از وحی الهام و سرچشمه میگیرد. بنا بر این وحی در زندگی مومنان - که تعدادشان روز افزون و همه گروهی است و برای جنگی بی امان علیه مشرکین دور هم گرد آمده اند - دارای آثاری است. میتوان ملاحظه کرد که بیش از همیشه منافع تحقیقاتی ما با حساب میکنند که مایه های (مباحث - تمها) دعوت را روشن و محقق سازیم زیرا این مباحث مربوط به حیات جامعه ای میباشد که به اشکال گوناگون - و پرازنناقض و تضاد - نضج گرفته است.

وحی های دریافت شده طی ده سال رسالت پیامبر در مدینه را بایستی در بیست و چهار سوره با ابعاد خیلی مختلف جستجو کرد و بهمین جهت در سراسر قرآن پراکنده اند. بدین ترتیب سوره های دراز در قرآن واقعند (سوره های دوم تا پنجم) در صورتیکه سوره های دیگر از قبیل سوره های شصت و یکم یا نود و هشتم بترتیب در وسط و حوالی انتهای قرآن جا گرفته اند. این سوره ها بر حسب غزارت و وسعت خود طبیعتاً دارای ساخت و ترکیب مختلف میباشند. مجموعه ای که بنام البقره (قرآن سوره ۲) نامیده شده بخوبی تنوع موضوع های مجتمع را - با ادخال عوامل گوناگون - بروشنی نشان میدهد. در این جا بیقین میتوان گفت که مصالح موضوع های چندین رشته از متونی که اصطلاحاً تجاور و تمصنع آن ها بچشم میخورد با هم جمع آمده اند. در بسیاری از سوره ها میتوان باسانی تداعی ایده ها را که منجر به

نزدیک شدن وحی قرار گرفتن وحی هائی که محمد در مدینه - درازمنه باطمینان دورتر - دریافت داشته ، در ترکیب و تسلسلی که نیاز زمان را ارضا نمیکرده کشف کرد. در این مورد و بهترین مثال را میتوان در سوره بیست و چهارم (النور) یافت . در این سوره چهار مبحث (تم) گسترش یافته است : مبحث مربوط به زنا ، مبحث مربوط به آداب و معاشرت زن و مرد و سپس دو موضوع دیگر بدون ارتباط با مباحث قبلی درباره نوری که از جانب خدا می آید و درباره قدرت خلاق آن ( آیات ۵۶ - ۳۴ ) گسترش یافته است . پس از آن تعلیماتی درباره احترام نسبت به زنان پیامبر مطرح میگردد ، شکی نیست که در این جا نصوص اخروی مستقلی را تشکیل میدهند ( بفرض اینکه از نظر تاریخی موخر باشند ) که مکمل وحی های واقع در آغاز سوره میباشد . هرچند ارتباط میان ایده ها - چندان - مستحکم ننماید ، معذک ، این ارتباط - بآسانی - قابل احساس است .

در " محیطی " که ظاهرا در این لحظات در مدینه حاکم بوده و نیز بدان علت که از آن ببعده شخص محمد بر پایه حیثیتی مضاف یعنی هم نبوت و هم رئیس حکومت الهی مستقر میگردد ، وحی با جبار اعتباری دائم التزاید کسب میکند . لحن سوره های قرآنی در این شرایط گویاست : مثلا از خدا و پیا میرا و اطاعت کنید ! در این جا ضرورت و امر الهی دیگر از وجود مادی مجری این امر منفع نیست . موه - منان موظفند بدون چون و چرا سراطاعت فرود آورند . معذک ، ادراک میشود که امر الهی میبایستی صریح تر و کامل تر مدون گردد . مقررات الهی تعمداً بر توضیحات

- اگر نخواهیم بگوئیم نوعی توجیه - متکی میباشد - و انگهی موضوع (هدف) و یا علت طرح وحی مربوط با محور تنظیمی و اساسی و تحکیمی متن دقیق تری را الزام میکنند که اغلب تحت تاثیر تنقیح ها و تکمله ها و " ایقاع " هاست ، و نیز میتوان فهمید که چرا در این شرایط ، صورت آیه ها خاتمه تحولی را نشان میدهد که در پایان رسالت در مکه آغاز گردیده است . عظمت واحدهای اسلوبی - که بوسیله یک بند مسدود می شود - غالباً جالب توجه است . کم نیستند آیات ده تا دوازده سطری که گسترش بی زحمت برخی از مقررات قضائی را امکان پذیر میسازند در صورتی که گسترش و بیان این مسائل در صورت های مسجع خالی از اشکال نیست . و انگهی در سوره های مدینه ای (مدنی) تنوع اسلوبی چشمگیر است . مثلاً در جنب عباراتی که هنوز مملو و سرشار از حرارت و شور مذهبی هستند - و در نتیجه آیات نسبتاً کوتاهی را تشکیل میدهند - گسترش هائی از نوعی که مذکور افتاد جای گرفته اند . رویهمرفته وحی های دریافت شده در مدینه چه از نظر اسلوب (استیل) - و چه از نظر موضوع مورد بررسی - مویذ تماس مداوم و هم آهنگی مستحکم با نیازهای رسالتی است که با واقعیت رابطه ای ناگسستنی دارد .

طبیعتاً در طول دعوت در مدینه تعدادی قابل ملاحظه از مباحثی که در مکه گسترش یافته بود بچشم میخورد . داستانهای مربوط به پیا میران گذشته تکرار می شود و نیز عتاب و تحذیر مومنان و تهدید مشرکین تکرار میگردد . البته بآسانی میتوان فهمید که در شرایط جدید و در برابر مشکلاتی

که این شرایط بوجود می‌آورد، وحی‌های دریافت شده وسیله محمد بیشتر بمباحثی دیگر که مسئله روز بوده اند متوجه شده اند.

برای تنویر هر چه بیشتر این مباحث بسر جستجو و متمایز بهتر است آنها را بر حسب علل و دلایلی که موجب احداث آنها بوده اند طبقه‌بندی کنیم.

مباحث مربوط به زندگی سیاسی داخلی و مشکلات مربوط به سیاست خارجی و مبارزات مسلحانه اکثر مطرح گردیده‌اند. معذک، برخلاف کتب تاریخی محفوظ در کتاب مقدس، قرآن وقایع را بر حسب حدوث زمانی یا در طرح و نگری "حادثه‌ای" عرضه نمی‌کند. وحی‌هایی که از طریق محمد در این مقال پخش گردیده فقط محتوای عبارات اشاری با تاثیر تعلیماتی و تربیت مذهبی میباشند. و بدین دلیل شک‌ها و تردیدهایی که همیشه نسبت به شرح‌های متعددی که در آن حساسیت و ذوق مفسرین دائما مشخصات قرآنی محتوای اشارات مجازی را مورد استمداد قرار میدهند قابل توجه است. در مناسبترین فرضیه‌ها این اشارات مجازی چیزی بجز ملاحظات با برد و جنبه عام نتوانند بود. مثلاً در سوره هشتم عبارت زیر

سوره هشتم آیه ۶۴/۶۵

ای پیامبر خداوند ترا و مومنانی را که از تو پیروی کرده‌اند کافی باد!

شارحین (مفسرین) قرآن درباره این که آیا مطلب بر سر عمر خلیفه<sup>۴</sup> آئینده است یا درباره مجموعه جنگندگان بدر موفق نمی‌شوند اتفاق نظر پیدا کنند. بعلاوه حتی اگر مسئله بر سر حادثه‌ای باشد که مناسب اوضاع و احوال مثلاً در کتاب سیره النبی تشریح شده باشد - ملاحظه می‌شود که عیسار ت اشاره‌ای قرآن و توصیف تذکره نویسی در دو سطح مختلف قرار میگیرند. هدف متن قرآنی دائما تربیت مذهبی است.

قرآن به حادثه‌نگاری و رعایت توالی زمانی و جزئیات بدیع، اضافات قصه‌پردازی یا باطیل هیچگونه توجهی نداشته بلکه پیوسته جنبه تعلیمی خود را حفظ میکند و بعنوان منبعی از تامل و تفکر باقی میماند. مسلک قرآنی هدفش تحکیم ایمان و اعتقاد مومن و ایجاد دهشت در کافر است که در اشعرمیان بیش و شنوایی خود را از دست داده است.

متن وحی شده به محمد فاقد نکات "حادثه‌نگاری" است. پیروزی و ایسته به مشیت الهی است و فقط بکمک دخالت فرشتگان حاصل آمده است و علت عدم شکست ارتش اسلام وجود مردانی متقی و پرهیزگار در آن است که سزاوار و شایسته مساعدت الهی بوده‌اند. اینگونه درک نقش الهی در امور انسانی را نمی‌بایست با نقشی که خدایان در حماسه "هومر" دارند اشتباه نمود: الوهیت در جنگها دخالت نمی‌کند زیرا اینکار شایسته مقام متعالی او نیست. خداوند در انتخاب خود مختار است و مومنان از برکت حقیقت و ایمان بر خصم غالب میگردند، از این راه میتوان آنچه را که فقهای معتزله طرفداران "حریت الاختیار" (آزادی اختیار) -

قدریه برای اسناد شریعت خود درباره "خلقت عمل" (آفرینش عمل) از این طرز تفکر مورد استفاده قرار دادند احساس کرد.

قبلا دیدیم که قبل از سال ۶۲۱ یا ۶۲۲ یعنی قبل از مهاجرت به مدینه موضع ابراهیمی قرآن امکان تقرب اسلام جوان با یهودیت را بشارت داده بود استقرار پیا میردر شهری که رقیب مکه بحساب میآمد این گرایش را تقویت میکرد. تعداد زیادی از وحی های مربوط باین دوره این تلاش را تا ناید میکنند. بنا بر این میتوان درباره همزیستی یهود و اسلام سخن گفت. مثلا در سوره دوم چنین میخوانیم

#### سوره دوم آیه های ۳۸/۴۱

ای بنی اسرائیل! نعمت ها ئیرا که بشما ارزانی داشته ام بخاطر داشته باشید! بعهد من وفا کنید! من هم بعهد خود نسبت بشما وفا خواهم کرد. و از من بترسید!

به آنچه که بدین پیام میرجدید الهام کردم ایمان آورید که مصدق پیام های است که در یافت میدارید! هرگز از نخستین کفر آورندگان باین پیام جدید نباشید! آیات مرابیه های قلیل مبادله نکنید! نسبت به من پرهیزگاری کنید!

(هم چنین به آیات ۱ تا ۸ سوره ۶۴ و به آیه ۵۰ سوره چهارم مراجعه کنید)

این موقف (رفتار) با میثاقی که متن آن در کتاب سیره النبی مضبوط میباشد - و در آن این سیاست آشتی و سازش از نظر قضائی تحلیل شده - انطباق دارد. یکسال سپری می شود و نخستین برخوردها میان مسلمانان و یهودیان آغاز میگردد. در کتاب آسمانی پسخهائی به یهودیان که مسلمین را مورد استهزا قرار داده اند چشم میخورد (قرآن سوره چهارم آیه ۴۸، سوره پنجم آیات ۶۲ و ۶۳ سوره پنجاه هشتم آیات ۲۱ - ۲۲) مخالفت بتدریج شدت میگیرد. بالاخره یکی از طوایف اسرائیلی مدینه مهاجرت میگزیند. پس از مدتی کوتاه سرنوشتی خشن تر را منگیرگروهی دیگر می شود، بنی النضیرها که محرمانه تحت تاثیر گروهی عرب منافق - که وانمود میکردند با سلام گرویده اند - برضد محمد شوریدند و سرانجام به خیبر واقع در شمال مدینه رانده شدند. سوره پنجاه و نهم الحشر آیات ۱ تا ۷ ما وقع را به نحو اشاره ای که بدان واقفیم و تقسیم غنیمت مکتسبه از بنی النضیر را بیان میکند. از این لحظه بیعدین جامعه مومنان و یهودی های مدینه جدائی آغاز میشود. و این قطع رابطه با امحاء سومین قبیله یعنی قبیله "بنی قریظه" که با مشرکان مکی بهنگام جنگ خندق هم پیمان شده بودند بدینها می رسد. در این مورد نیز قرآن منعکس کننده این داستان غمانگیز است (سوره سی و سوم، آیه ۲۶). به این قطع رابطه سیاسی محکومیتی که چندین بار علیه

یهودیه‌ها از نظر اجتماعی و مذهبی تکرار گردیده‌افزوده می‌شود. قرآن ربا خواری آنها را محکوم می‌کند (سوره چهارم آیات ۱۵۹ / ۱۶۱) قرآن آنها را مورد سرزنش قرار می‌دهد که کتاب عهد عتیق را با انحراف معانی برخی از عبارات آن تحریف کرده‌اند (قرآن سوره دوم آیات ۷۵/۷۰ - ۷۳ / ۷۹ - سوره چهارم آیات ۴۸/۴۶). بویژه قرآن رفتار یهودیان را در مدینه محکوم می‌کند که همانند اجداد خود در قرنهای گذشته دچار نابینائی شده‌اند. (سوره دوم آیات ۹۳/۸۷ - سوره سوم آیات ۱۸۱/۱۷۷ و ۱۸۱ / ۱۸۴). در نتیجه محمد با روگردانی از بنی اسرائیل به تعیین بهتر درک عربی ابراهیم‌گرائی هدایت می‌شود. قرآن درباره نقش "شیخ جلیل" (ابراهیم) معروف در کتاب مقدس وقتی که عبادت کعبه - در گذشته‌ای دور - تاسیس می‌شود اصرار می‌ورزد (ق سوره دوم، آیات ۱۲۵/۱۱۹ تا ۱۲۷/۱۲۱). در این موقع مکه بعنوان قبله جایگزین بیت‌الحم می‌گردد، و نحوه شدید دوحی به پیامبر در این مورد از حدت اشیر این تغییر انقلابی در اعماق روح مومنان حکایت می‌کند (سوره دوم آیات ۱۴۲/۱۳۶ تا ۱۵۲/۱۴۷).

موقف اسلام جوان در برابر جوامع عیسوی عربستان جنوبی - تنها جوامعی که محمد ظاهراً آنها تماس دائم داشته - نیز مسئله‌ای را تشکیل داده که حل آن در دعوت پیامبر آسان و روشن ننماید. در طی نخستین مرحله دعوت این مبحث بصورت واضح گسترش یافته. در آنوقت هیچگونه خصومتی علیه پیروان عیسی وجود ندارد. البته وبدون شک عقیده رکنی تثلیث در چند مورد محکوم گردیده بویژه در سوره

### سوره چهارم آیات ۱۶۹/۱۷۱

ای اهل کتاب! در دین خود غلور و مدارید! درباره خدا بجز حقیقت نگوئید! مسیح، عیسی فرزند مریم کسی بجز پیامبر خدا نیست، عیسی کلمه الهیه است که خداوند بر مریم فرو افکنده و روحی است که منبتق و صا در آزا و می‌باشد. به خدا و پیامبر او ایمان آورید و هرگز نگو - فید: "سه تا" بس کنید! این برای شما بهتر است. خدا بجز الهی واحد نیست. او منزله از این است که فرزندی داشته باشد. او که او راست هر آنچه در آسمان ها و زمینی است. خداوند به تنهایی بعنوان حامی عالم کافی است.

معذک، پذیرش و کشتی غیر قابل انکار در مورد دیگر بچشم می‌خورد:

### سوره پنجم آیات ۸۲/۸۲ و ۸۶/۸۳

ای محمد تو مسلماً خواهی یافت که دشمن‌ترین اشخاص با کسانیکه ایمان آورده اند یهودیه و مشرکین هستند و خواهی یافت که نزدیک ترین اشخاص به کسانی که ایمان آورده - اند کسانی هستند که می‌گویند: "ما مسیحی

هستیم". از آن جهت که در میان نصاری کشیش ها و صومعه نشینان وجود دارند و این اشخاص از کبر و غرور نمی بالند. وقتی که اینان آیات نازل شده به پیامبر را می شنوند بدلیل علم بر حقیقت اشک از چشمانشان سرازیر می شود. میگویند: "پروردگارا ما ایمان آورده ایم! ما را با شاه دین حق ثبت کن!"

مسیحی ها از طریق احسان و ایمان به بهشت را خواهند یافت (ق سوره دوم آیه ۵۹ سوره پنجاه و هفتم آیه ۲۷ سوره پنجم آیات ۸۸/۸۵). بدون شک وقتی که محمد در برابر نخستین مقاومت ها از جانب سرزمین بیزانس (روم شرقی) وقع می شود و بویژه از زمان شکست موء ته لحن دعوت تغییر میکند و به محکوم کردن مسیحیت میگردید. در آن لحظه است که هواداران عیسی و یهودی ها - تواما و یکجا - مورد تکفیر و الحاد قرار میگیرند:

سوره دوم آیات ۱۱۴/۱۲۰ و ۱۲۹/۱۳۵

نه یهود و نه نصاری هیچکدام از توراتی نمی - شوند مگر این که تو از دین آنها پیروی کنی ( ... )

البته اگر تو از شرایع مخرب آنها پس از آگاهی بر نزول قرآن تبعیت کنی در آن صورت از سوی

خدا یاوری و یاری نخواهی داشت ( ... )  
و گفتند (یهودیان): "در مذهب یهودیان و نصاری باشید! در راه راست خواهید بود."  
بآنها پاسخیده: "هرگز! از دین ابراهیم حنیفی که بهیچوجه در میان مشرکین نبود پیروی کنید."

سیاست محمد علیه مشرکان مکه ای (مکی) بین ۶۲۲ و ۶۳۲ مباحثی را در دعوت برانگیخته که برخی شان مباحثی را که طی دو دوره قبل از مهاجرت مطرح شده بودند بیساز میاورند. در سوره های مدینه ای این جا و آن جا نارضایتی پیامبر که در میان مردم را دعوت میکرد (سوره بیست و دوم آیه ۴۳) و محکومیت مشرکین (سوره دوم آیات ۹۵ / ۹۶ سوره شصت و چهارم آیات ۶/۵ سوره چهارم آیه ۱۱۶) تذکار مکافات قیامت و پاداش بر حسب اعمال (سوره چهل و هفتم ، سوره چهارم آیات ۵۹/۵۶) تأیید مجدد وحدت و قدرت بی چون و چرای الهی اینها همه بچشم میخورد.

البته تکرار این مباحث بدان معنا نیست که شرایط جدید در نظر گرفته نشده و یا اینکه مباحث مزبور تغییراتی خفیف نیافته باشند. مثلاً غالباً توصیف جهنم یا بهشت بی شاخ و برگ می شود (سوره چهارم آیات ۶۰/۵۷). بر عکس در موارد متعدد دیگر بر جنبه های جدید اوضاع تأکید میگردد. برای مثال محمد دیگر تنها به عنوان مبشر دروران جدید نیست. اقلیت متنفذ مکی (مکه ای) احساس میکند که ، برای حفظ منافع خود میبایستی در پذیرش دعوت پیامبر تسریع نماید:



## سوره پنجاه هفتم آیه ۱۰

چهارم می شمارا مانع می شود که در راه خدا هیچ انقادی نمیکنید. حال آنکه خداوند را می بیند. آسمان ها و زمین است؟ کسانی که صبر میکنند تا پیروزی حاصل آید و بعد از آن با نفاق و جنگ می پردازند با کسانی که قبل از پیروزی (فتح مکه) انفاق میکنند و می جنگند برابر نیستند؛ اینان در سلسله مراتب مقامی عالیترا از آنانی دارند که انفاق و جنگ را به بعد از فتح مکه موقوف میکنند معذک، خداوند به همه این دو گروه وعده ثواب نیکو میدهد. خداوند بر کردار شما آگاهی دارد.

بدیهی است نمی توان انتظار داشت که مباحث مربوط به مبارزه مسلحانه علیه مشرکین مکه ای (مکی) شامل نوعی تذکره حوادث و وقایع باشد. قبلا خاطر نشان ساختیم که وحی منتقل وسیله محمد در سطح دیگری قرار دارد. در عوض باسانی میتوان عناصر موضوعی (مباحثی) نشانگر مناسبات الوهیت و انسانها را - چه مومن و چه کافر - گروه بندی کرد.

خدا پیوسته در مقامی متعالی قرار دارد که دعای بر خاسته از دل و تقوای نامبتنی بر خوف را راجا نمیدهد. دست و دخالت خدا واقعیتی است بدیهی و مشروط که فقط اعتقادات ایمان میتواند آن را نصیب مومنان کند.

مومنان شایسته این موهبت میبایستی پاس نعمت قنای در متعال را بدارند که آنها را بعزت شایستگی شان مساعدت کرده است. این موضع متکی بر طمانینه مثلا در عبارتی از سوره سوم که محتوی درسی است که از نبردهای بدر واحد گرفته می شود در حدودی معین گردیده است (سوره سوم آیات ۱۱۷/۱۲۱ - ۱۲۲/۱۲۷).

خدا نسبت به مشرکین مکه ای (مکی) جنگی بی عقاب تحمیل نمیکنند، در این جا دشمنان محمد از نوعی آزادی در انتخاب بهره ورنند؛

## سوره هشتم آیه ۳۸/۳۹

به کفار بگو اگر از عداوت دست بردارند گذشته آنها بخشیده خواهد شد. اگر برعکس دوباره بستیز برخیزند مجازات خواهند شد: سرنوشت سنتی پیشینیان (ذلیل در دنیا و معذب در آخرت)

اگر دشمنان محمد (مشرکین مکه ای) سرتسلیم فرو نیاورند جها ضرورت می یابد.

## سوره هشتم آیات ۳۹/۴۰ - ۴۱/۴۰

با آنها بجنگید تا از سوسه شرک اثری نماند و عبادت تا مبخدا گزارده شود! اگر از جنگ دست



بدا رند بخشیده خواهند شد زیرا خداوند بر آنچه که آنها میکنند روشن بین است. و اگر روی بگردانند بدانید که خداوند مولای شماست. چه مولای والامقامی! چه یار والامقامی!

در تمام این حوادث، نقش محمد همراه با اعتبار و حیثیتی است که تنها به نبوغ او وابسته نیست بلکه بیشتر بدان جهت که خداوند او را هدایت و حمایت میکند، در این مقال اشارات مربوط به حدیبیه جالب توجه است (سوره چهل و هشتم آیات ۱۰ و ۲۰)

این رفعت و استعلائی محمد در مباحث مربوط به مسائل داخلی از این هم محسوس تر است. در این مورد وحی های دریافت شده روشن تر، مفصل تر و واقعیاتی را که به زندگی روزمره بستگی فشرده ای دارد مورد بررسی قرار میدهد. بنیان گذار اسلام با مسائل دقیق و حساسی مواجه است که حل آنها مربوط به مناسبات بین اعضای جامعه است. وحی بدلیل قدرتی که جزء لاینفک آن است به رهبر جامعه امکان میدهد تا مور را بطور قاطع رتق و فتق کند. لحسن عبارتی طویل از سوره النور (سوره بیست و چهارم، آیات ۱-۲۶) گویای صریح این مطلب میباشد: گروهی سوگند یاد کرده بودند که فکر محمد را در باره افضل همسرش عایشه مشوب کنند. حادثه ای (موقعیتی) موجب شد که مانند زوجیت زن جوان مورد شک واقع شود. ولی، در این جامعه مردم مدینه، هیچگونه نقد و طعن علیه همسر محمد نمی توانست از نظر زندگی اجتماعی بدون عواقب وخیم باقی بماند. بدین جهت

اهمیت داشت که عایشه از طریق متعالی الهام از تهمتی که آبروی او را لکه دار میکرد مظهر شود و در عین حال میبایستی که این امر حداکثر اهمیت را بعنوان سابقه قضائی و حقوقی بمنظور حل امور متشابیه پیدا کند. البته زندگی حرم محمد مشکلات دیگری را که وابسته به حالات و ظروف بود بوجود آورد. ماجراهای کوچکی که مولود عدم را زداوری زنان میباید میبایست به حساب آید (قرآن سوره شصت و ششم آیه ۳). نیازهای زندگی زناشویی میبایستی ارضا شود بدون اینکه حسادت دلیلی بر شکوی و انتخاب داشته باشد (سوره سی و سوم آیه ۵۱). وانگهی به محمد دستور داده شده که مطلقاً تعداد همسران و وصیغهای خود را بیفزاید (سوره سی و سوم آیه ۵۲). در موردی که ظاهراً وجدان و خاطر پیا مبر را مضطرب ساخته یعنی ازدواج او با زینب زوجه پسر خوانده اش، وحی دخالت میکند تا اضطراب را آرامش دهد و نصوص متقن را برای حل مسائل مشابه فراهم آورد (سوره سی و سوم آیات ۲۶ / ۲۸) در میان وحی های مربوط باین دوره کم نیستند عناصر مباحثی که بعدها هادی خط و مشی و آداب معاشرت زنان برجسته ای است.

#### سوره سی و سوم آیه ۵۹

ای پیامبر به همسران و دختران خود و بسهمسران مومنان بگو حجاب خود را تنگ بپوشند! این ساده ترین وسیله ای است که باز

شناخته شوند و مورد ایذاء قرار نگیرند .  
خداوند بخشاینده و مهربان است .

بنظر می آید که مسئولیت های ذاتی موقعیت یک رهبر مذهبی در طول دعوت در مدینه قسمت اعظمی از نیروی محمد را تحلیل برده باشد .  
مشکلاتی که مولود مناسبات با سایر گروه های موحد - بین و مبارزه علیه بت پرستی مردم مکه بدون شک با مشکلات حاصله از دشمنی برخی عناصر مدینه ای که بر جامعه عشایری متکی بودند تا مداخل کرده و درهم آمیخته اند . یک مبحث بطور انحصاری و وسواس دروحي های ایندوره بازمی آید : مبحثی که مربوط است به گروهی در واقع کم شمار ولی با نفوذ موسوم به منافقان . از نظر قرآن این گروه عبارتست از کسانی که بظاهرا ایمان آورده اند و کم و بیش از استقرار محمد در شهر آنها از حیث طموح شخصی احساس نارضایت می کنند . پس از جنگ خندق تحریکات آنها تقلیل می یابد و سرانجام از بین می روند . معذک ، برخی از عبارات قرآن نشان می دهند که دسایس این گروه منافقان تا چه حد عملیات مجاهد و جنگی مومنان حقیقی را ایذاء می کرده است (قرآن سوره دوم آیات ۸/۹ - سوره پنجاه و هفتم آیه ۱۳ ، سوره پنجاه و نهم آیه ۱۱ ، سوره شصت و سوم آیه ۴) . این مبحث وانگهی در محیطی عربی محض گسترش می یابد . مثلاً وحی از رسوا کردن جبن و خذلت و ترس این مخالفین فاقد شرافت خودداری نمی کند . (سوره سوم آیات ۱۴۰/۱۵۶ - ۱۶۷/۱۶۰ - سوره پنجاه و نهم آیات ۱۲ - ۱۴) . وحی هم چنین آنها را از

تهدید به عذاب الیم جهنم معاف نمی کند (سوره چهارم آیات چهارم ۱۳۷/۱۳۸ - ۱۴۰/۱۳۹ - ۱۴۵/۱۴۴ - سوره نهم آیات ۴۹ و ۵۵ - ۶۶/۶۷ - ۶۸/۶۹ - ۷۳/۷۴ - ۹۵/۹۶) .

محمد بدون اینکه از مردم سالاری (دمکراتیسم) و آزادی سنتی که ویژه اوضاع اجتماعی قبیله ای است انفصال یا بدبدون شک بارها احساس کرده که تا چه پایه برای رهبرجا معه مومنان مناسب است تا از روابط خیلی خانوا - دگی نزدیک و جسارت تازه مسلمانانی که هنوز به خوشنونت عشایری آلوده بودند در امان باشد . این مبحث از چندین نظر به حسن رفتاری که قرآن بطور کلی تعلیم می دهد ارتباط دارد . سوره چهل و نهم بنام الحجرات نمایانگر این مبحث است . تعدادی از صحنه های روزمره ، که در اثر تکرار مزاحمت ایجاد می کرد ، آئین نامه و قواعدی را الزام می ساخت که در آن مسلک سلسله مراتب که برای جامعه عشیره ای ناشناخته بود توضیح گردد .

#### سوره چهل و نهم آیات ۲ - ۳ - ۴ - ۵

۲- ای کسانی که ایمان آورده اید! صدای خود را بلندتر از صدای پیامبر بلند نکنید! او را با صدای مرتفع خطاب نکنید بدانسان که بین خودتان میگذرد! زیرا اعمال نیک شما ممکن است بدون اینکه شما آنرا پییش احساس کنید بیپوده شود .

۳- کسانی که در برابر رسول خدا صدای خود را

پائین میاورند، خداوند قلوبشان را به منظور پرهیزکاری مورد آزمایش قرار میدهد و برای آنها در حیات نهائی بخشش و پاداش عظیم است.

۴- پیامبر! اکثر کسانی که ترا از خارج حصره ها مخاطب قرار میدهند عاقل نمیباشند.

۵- اگر صبر میکردند تا تو از خانه خارج شده باشی سویشان میرفتی برای آنها نیکوتر بود. خداوند آنرا مرزنده و مهربان است.

حکومت مذهبی مدینه همانند سایر حکومتها به سرعت نیاز به تشکیلات تبلیغاتی احساس کرد. محیط عشیره‌های برای این منظور بعنوان وسیله بکار رفت. بنظر نمی‌آید که محمد بدون شک و تردید تسلیم لزوم استعمال مدینه سرایان برای تمجید در شایستگی و شکوه جامعه جوان شده باشد. در سوره بیست ششم آیات ۲۲۴ - ۲۲۸/۲۲۷، محکو - میت قطعی شاعران مشاهده می‌شود.

که گمراهان آنها را پیروی میکنند و میگویند آنچه را که خود مطلقاً عمل نمیکند.

بعدها این قضاوت بوسیله وحی دیگری نقض میگردد و مقام شعرا بعنوان منشدین (قصیده سرایان) اسلام برسمیت شناخته می‌شود. بدین ترتیب قصاید با مسلک غیر مذهبی حسان ابن ثابت شاعر معروف که در پاسخ شعرای بدوی یا مکه‌ای

سروده شده مشروع بحساب آمده است. کتاب سیره النبوی صحنه‌هایی از این مجادله و مناظره را نقل میکند. معذک، بحثی نیست که در این شان همانند شئون دیگر وحی موثرترین وسیله را برای تذکار ماهیت مذهب جدید، بنیان گذاران و مجموعه مومنان تشکیل میدهد. در مواردی کثیر، دعوت به توکل به مقامت و تاکید در امین نشان میدهد که در این وحی‌های مدینه‌ای تا چه حدی واقعیت و نیازهای زمان محمد و جامعه او را (امت او را) مشغول داشته است. و بدین اشتغال میبایستی مسائل مادی محض مربوط به شرایط و اوضاع عده‌ای از مومنان محروم از مال و حمایت، تغذیه مالی عملیات نظامی یا بهتر گوئیم مسئله پردردوسری که تقسیم غنائم مطرح می‌ساخت افزوده شود. در این جانیز نقش عرف و تجربه بچشم می‌خورد که بدون شک علامت اساسی موادی است که وسیله وحی تدوین گردیده است.

در سوره‌های مدینه‌ای طبیعتاً حل مسائل مطروحه به وسیله استقرار نظامی جدید جای نظام قبیله‌ای و بوسیله سلسله مراتب اجتماعی و عدم تساوی زن و مرد (سوره دوم آیه ۲۲۹. سوره سوم آیات ۳۱/۳۵، سوره چهارم آیات ۳۴ / ۳۸ سوره شانزدهم آیات ۷۱/۷۳، سوره ششم آیه ۱۶۵) از طریق تعیین نسبی عبادت، محرمانت جنسی یا غذائی از طریق اخلاق و همچنین از طریق تعدادی وظایف دسته‌جمعی از قبیل جهاد حاصل آمده است. خواهیم دید که وحی‌های مدینه‌ای در چه مقیاس بزرگی در تدوین شریعت یا قانون اسلامی مورد استعمال خواهند داشت.

## فصل چهارم

### "واقعیت قرآنی"

#### علوم قرآنی

قرآن در طول مدتی بیش از هزار سال چه از نظر مبداء (منشاء) و چه از نظر نقش و عمل خود سرنوشتی همانند سرنوشت سایر کتب آسمانی داشته است. بیش از سایر کتابهای مقدس قرآن بویژه بعنوان پیامی که مستقیماً از جانب خدا نازل گردیده در نظر مسلمانان بمثابه قانونی شناخته شده که مفاهیم و معانی آن لاتعداد و لاتحصی است، حملاتی که بر قرآن بهنگام پیدایش آن وارد آمده بر احترامی که با گذشت زمان بر مبنای علوم الهی توجیه و تصدیق گردیده افزوده است. وحی‌هایی که وسیله محمد پخش گردیده در طول سه قرن انقلاب‌های سیاسی و اجتماعی، تحولات عقلانی و اخلاقی تفکرات علمی و مذهبی را برانگیخته و پی‌گیر ساخته است. ما مجموعه این تحولات را برای سهولت بیان "واقعیت قرآنی" نام می‌گذاریم. این واقعیت قرآنی بیانگر شرکت و مداخله عوامل متعددی است که بفرنجی آن هنوز بطور عمیق ارزیابی نشده است. تشکیل قرآن مجید در بطن این تحول

صورت گرفته که در آن واحدهم علت نخستین است و هـم معلول زیرا تـکون قرآن نتیجه نیـازهای سیاسی و مذهبی بوده و در عوض این تـکون و تشکیل قرآن کنجکا و بیـها و ریزه بینی ها و ولع به درک حقایق و توضیحات را برانگیخته که شالوده "علوم قرآن" میباشند.

تمدن اسلامی در ترکیب و ساخت گروهی خود مسلمانان بدو مرتنها بر "واقعیت قرآنی" مبتنی نبوده است. معذک، حداقل میتوان گفت که این واقعیت قرآنی به تمدن اسلامی صورت قطعی داده و تعدادی گرایش های مخصوص بدان عطا کرده و خود چهارچوبی (ضابطه ای) را بوجود آورده که انعطاف آن همه گونه تلفیقات و فرضیات را میسر و قابل درک میساخته است. جهان اسلام توانسته است میراث گذشته را حفظ کند و آن را در نیل به "هستی متحول" خود بکاربرد.

در این تمدن، مطالعه زبانی و یا بهتر بگوئیم آگاهی از واقعیت زبانشناسی همیشه از اهمیت وافر برخوردار بوده است. نقش شاعران و "خطبا" در جامعه عشیره ای (قبیله ای) عربستان موجب آفرینش ذوق شاعری و التزام و تعهدشاعر شده بود. بنا بر این دعوت محمد - به دلیل مقامی که برای تاثیر و کارآئی کلام قائل بود راه و رسم آن با و جدادی را می پیمود. و خود این دعوت بود که لزوم کشف مناسباتی را که بتواند بین فکر الهی و صورت بیانی آن (محتوی - صورت) در پر تو و حی اتحاد ایجاد کند ایجاب میکرد.

از آغاز دعوت در مکه در بسیاری از عبارات قرآن

یک تاکید و تشبیت اساسی تکرار میشود: پیامی که محمد دریافت کرده از جانب الله میباشد که آنها را بر لوحی مقدس و محفوظ که نمونه آسمانی متون قرآن ما را تشکیل میدهد ثبت کرده است (سوره هشتاد و پنجم آیه ۲۲). در جای دیگر گفته شده است که این پیامها که عربها برای نخستین بار دریافت کرده اند به زبانی روشن و عالی (به لسان عربی مبین) برای آنها نازل شده است (سوره بیستم، آیات ۱۱۲/ ۱۳۳ سوره بیست و ششم آیه ۱۹۵ و غیره. آیا در این باره برای محمد و مردم هم عصر او (نسل او) این زبان قرآنی لهجه (زبان محلی) مکه بوده است؟ و یا بر عکس یک لئینه شاعری است که با زبانهای محلی جاری در بین قبایل واقع در عربستان شرقی تا حجاز ترکیب شده است؟ پاسخ دادن بدین سؤال غیر ممکن است! معذک، این سؤال برای مفسرین و فقهای قرن هشتم مطرح شده است. و باروشی قیاسی بدان جواب گفته اند. محمد که خود از اهل مکه است و حی را فقط به لهجه و گویش زادگاهی خود دریافت میداشته یعنی زبان طایفه قریش. بنا بر این کتاب آسمانی بدین لهجه است و در نتیجه لهجه قریش خالص ترین لهجه ها است زیرا الله آنرا برای پخش مذهب جدید خود در بین جامعه بشری برگزیده است. این استدلال از نظر زبانشناسی قابل بحث است و ما فعلا وارد این مبحث نمی شویم. واقعیتی که باید بدان توجه تام شود عبارت از این است که از اوایل قرن هشتم، مفهوم و موضوع یک ضابطه اصطلاح لغوی - که در مجموعه شبه جزیره عربستان قابل درک باشد - از نظر علم فقه مورد طرح قرار گرفته است. این ضابطه در این زمان در آن واحد کنیه

شاعری و قرآن انگاشته شده است. در نتیجه اوضاع و احوال انسان را بدین فکر هدایت میکند که قرآن نه به لهجه مخصوص به مکه بلکه به لهجه‌ای که خیلی به کنیه شاعری موروثی مستقل از قرن‌ها پیش بعنوان زبانی معتبر نازل گردیده و در اثر استعمال آن در وحی قرآنی به زبان مذهبی ارتقا یافته است. از این راه بی‌اعتمادی گروهی از پارسا مومنان - نسبت به عده‌ای زیاد از معاصرین خود که آثار شعری عربستان جا هلیت را می‌ستودند - تخفیف می‌یابد. و از آنجا نیز افتراضات این ضابطه اصطلاح لغوی که در آن زبسان شعری قدیم هرگز از زبان قرآن متمایز نبوده است تأیید می‌شود.

بطور کلی و در جمیع اوضاع و احوال این زبان قومی

(زبان قرآن) بعنوان وسیله‌ای پراعتبار که بر تراجم و وسایلی است که جا معیشری از بدو پیدایش بکار برده معین و مسلم می‌گردد. میتوان تمام نتایج و عواقبی را که تفکر و تامل خداشناسی از این فرض غیر قابل اثبات استخراج میکنند دریافت.

بدین ترتیب لهجه عربیها - بطور خیلی طبیعی - موضوع تحقیقاتی مستقل شده، در حالیکه در باره وسایلی لازم برای درک عمیق تر موضوع و بی بردن به غنای بی‌حد پیام الهی تعمق و تحقیق گسترش می‌یافت. اگر فعلا به مطالعه این لهجه قومی در ترکیب و ساخت آن توجه خاص معطوف گردد، ملاحظه خواهیم کرد که تا چه حد از آغاز قرن هشتم در عراق نسبت به ایجاد یک سیستم (منظومه) دستوری (گرامری صرف و نحوی) توجهی پر شور مبذول میشده است.

این منظومه دستوری معذک، نتوانست بدون انجام تحقیقاتی درباره سایر جنبه‌های قرآن مجید شکل پذیرد. نخستین نیاز بدین اقدام بنحوی تدریجی پدیدار شد، کتابتی (الفبائی) که عربها در پایان قرن ششم بکار می‌بردند همانند تمام کتابت‌های سامی الفبائی است که آن را "ناقص" گفته‌اند. این خط (الفباء) فقط هدایت رسم مجمل (شما) همخوانی (بی‌صدائی) کلمه و سه حرف صدا دار (واکه) "آ - او - ای" را داراست ولی هیچگونه علامتی برای نمایش حرفهای با صدای کوتاه را ندارد (۱) و نیز برخی علامت‌های املائی که وسایل تشخیص و تدقیق صرف حالات (اعراب) اسمی میباشند و آداء تأکیدی و نصب فعل و صیغه‌های متعدی و لازم اینها هیچکدام در الفبای مذکور وجود ندارد. کوتاه سخن این خط فاقد کلیه عناصری است که به رسم مجمل توانائی و معنای کلی را در مجموعه جمله میدهد بعلاوه مشکل دیگر این خط ناقص وجود علامتی واحد برای نمایش سه همخوان (حرف بیصدا) و گاه چهار یا پنج همخوان که تلفظ‌های مختلفی دارند میباشد (مثلا فقط یک علامت در آغاز کلمه برای تلفظ‌های: ای - ن - ت - ث - ب - وجود دارد (۲).

بسادگی میتوان اشکالات و ابهامات حاصل از چنین منظومه ترسیمی (سیستم کتابت - الفبائی) را استنباط کرد. بدیهی است که صیانت و حفظ متن قرآنی بکمک



حافظه این نقص را برطرف ساخته است (۱). معذک، به همان نسبتی که جهان اسلام گسترش مییابد و اقوام غیر عرب را دربرمیگیرد، اقوامی که برای حدس و کشف قرائت متن کتاب آسمانی آمادگی نداشتند، رسائی و نقص خط الفبائی عربی که برای تکثیر قرآن بکار میرفت بیش از پیش ایجاد خطر میکند. میتوان تصور کرد که الفبای موجود در اثر اصلاحی که در عهد خلیفه عبدالملک در عراق در آن شد تا حدی بهبودیهای محسوس یافت (۲). ترقیم و توسییم (علامت گذاری) اعراب حالات و بویژه ادخال خفیف چند قرار داد برای تعیین علائم همخوانی (بیصدا) الفاظ مختلفی از قبیل: "ب - ت - ذ و غیره". نخستین اصلاح الفبا را تشکیل میدهد که ظاهراً در پایان قرن هشتم انجام گردیده است. در سیر قرن بعد استعمال بکرشته علامت ها تعیین و تعمیم یافت که به "رسم مجمل" روح داده و بسر دقت صوتی آن افزود و علائمی دیگر که تلفظ صوتی کامل کلمه و در نتیجه معنای دقیق آن را در جمله میسر میساخت رایج گردید. کم کم و با احتمال زیاد در پایان قرن نهم منظومه الفبائی موسوم به "کوفی" که میراث سنت گذشته ای دورتر بود و تحت نفوذ ارتجاعی همچنان در قرآن های خطی حفظ شده بود کنار گذاشته شد. یک الفبای سریع (نسخ) و بصورت مدور که خصلت هنری برجسته ای داشت جایگزین الفبای کوفی گردید بدون اینکه آثار کوفی بالتمام از

بین برود. غیر ممکن است بتوان ادعا کرد الفبای حاصل از این اصلاحات وسیله رضایت بخشی را تشکیل بدهد. معذک این الفبا با نیاز خاص آن روزی تطابق داشت یعنی نیاز محسوس در جامعه اسلامی آن زمان برای حفظ مقام حل شفاهی و انعطاف متن قرآنی. با وجود این از قرن نهم بیعد از برکت اهمیتی که قرائت درست قرآن پیدا میکند جهان اسلام یک دستگاه الفبائی متناسب با وسایل و نیازهای خود را در اختیار دارد. بخوبی احساس میشود که در مجموعه "واقعیت قرآنی" تا چه حد اصلاح وسیله کتابت (الفبا) و تشکّل دستور زبان عربی بهم وابسته اند.

در بصره و کوفه و سپس در بغداد (که در سال ۷۶۲ بنا شده) علمای علم قرآن در حقیقت به تخصص در این رشته اکتفا نمی کردند. روحیه کنجکاو و آنها در اثر نیازی که خصلت تحبسات علمی بدانها تحمیل میکرد راه تحقیق آنها را به شئون و زمینه های مختلف و در عین حال جدائی ناپذیر از یکدیگر میگذرد. مثلاً در بصره ابو عمرو ابن علا (متوفی حوالی ۷۷۰) بعنوان قاری قرآن حجت و استاد دستور زبان شناخته میشد ولی علاقه وافرش به تحقیق او را به جمع آوری اشعار کهن هدایت کرد. از برخی جهات این مرد هم زبان شناس است و هم مورخ و خطبه نگار، چون بنا ما و اطلاعات زیادی که دارای جنبه تاریخی میباشد در باره دعواهای بین عشا و هم چنین مطالبی در باره شاعران قدیمی شبه جزیره عربستان به ما رسیده است.

واقعیت قرآنی در شگفتگی تئوریهای دستوری و در تدوین مولفات در باره زبان و تاریخ آن نقشی بنیادی



بازی کرده است. خیلی طبیعی است که قرآن مجید بعنوان صورت مادی کلام الله، برای علمای صرف و نحو و عراق، قواعدفن و هنر آنها را فراهم ساخته و مثال ها برای استناد و نیز استثناءات برای تحدید دقت و صرامت فراهم آورده باشد. اینها عبارات متعدد و حاشیه تردید و عدم دقت و تردید در کشف که معلول استعمال الفبای ناقص است، موضوع توضیحاتی دقیق را فراهم آورده این توضیحات متوجه موارد خاصی است که با قیاس قابل درک نیست.

بروز متعدد عبارات با ترکیب ایجازی (اضماری) در مقیاسی وسیع در ایجاد سیستم "تقدیر" که در نظر مکتب نحویون بصره قرب و منزلتی خاص داشت شرکت داشته است: تقدیر (۱) عبارتست از تصحیح ایجازی عناصر تشکیلی و تصریفی یا نحوی موجود در عبارت عادی. و هم چنین نحویون عراقی بویژه علمای صرف و نحو بصره اسلوب منهای را که علمای حقوق در تدوین شریعت قضائی خود بکار برده بودند پذیرفتند. علمای نحویا مراجعه به مواد اصولی زبان شناسی و دستوری مستخرج از قرآن توانستند با استفاده از روش قیاس (با ترکیب تماثلی و تشابهی) اندماج واژه ها و سیاق های ویژه یا انحرافی و زائغ و گمراه کننده موجود در لهجه ها و در آثار ادبی در راه تدوین رادرمواد و لوازم لغوی و زبانی توجیه کنند. با لاخره معجم قرآنی که هرگز نمی توانست کلیه مفردات لغت زبان عربی را در برداشته باشد برای زبان شناسان عراقی پایان قرن هشتم مشکل دست و پاگیری

(۱) حذف اللهم فی اللفظ و ابقائها فی النیه

را بوجود آورده. الخلیل (متوفی ۷۸۵) یکی از بنیان گذاران مکتب بصره بر پایه آیه زیر (قرآن سوره دوم آیه ۲۹/۳۱)

"و (خداوند) به آدم تمام اسامی (۱۰۰) را آموخت"

و از راه محاسبه و تحقیق درباره شماره این اسامی (با شماره این کلمات) پرداخت. این محقق طبیعت بدین نتیجه رسید که این شماره خیلی بزرگتر از تعدادی است که عرف و قرآن می رساند. و از این راه اسلوبی احصائی آفرید که بیش از یک قرن بر مفردشناسی زبان عربی تسلط داشت. مفهوم حسب العرف (حسن استعمال) که در بین خاص و عام کامن و مستر بود در پرتو کار فرهنگ نویسان و یکمک رجوع و استناد مداوم به نمونه هایی که از زبان قرآن بعنوان مثال آورده میشد با لاخره بصورتی کم و بیش دقیق بدون گردید. هر چند مفهوم نامی برده نمی تواند پدیا سخگوی نیازهای متعدد منزه طلبی باشد معذک، در بسیاری از حالات یکمک مراجعه به ترکیب قیاسی میتوان قاعده یا توضیح مطلوب را کشف کرد.

از جهت دیگر در این جا میبایستی به مداخله مشکل تعدد و کثرت "قراآت" های قرآن توجه داشت (۱). این تعدد قراآت های قرآنی اساسا بعنوان وزنه معادل حقیقت زنده عرف در مقابل (فرض نخستین غیر قابل اثبات)

میباشد که متمایل است نشان دهد که قرآن - بصورتی یکتا - منعکس کننده چیزی بجز خود این صورت نیست. و در حقیقت تلاوت شفا هی، تلطفات و متشابهات و ضروریات ویژه خود را تحمیل کرده است. هر قاری هر قدر هم که توارث زبانی اش به معیار و ضابطه تلفظ قراردادای معینی نزدیک باشد، معذرت لک، نمی تواند در قرائت خود ویژگی های لهجه ای قومی خود را دخالت ندهد. این واقعیت ممکن بود مورد توجه مفسرین و "قراء" قرار نگیرد. ولی بارفرض وانکاری که مبتنی بر نیروی عقلانی بود ترجیح داده شد که این تباعد و اختلاف ها در کشف قرائت قرآن مورد تعمیق واقع شود؛ منظومه (سیستم) "قرائت های هفتگانه" قانونی مجموعه این واگرائیها و اختلافات را تشکیل میدهد. در نتیجه بلافاصله احساس می شود که تا چه حدی این دانش "قرائت ها" علمای صرف و نحو را در برخی از تحقیقاتشان یا رومد دکار بوده است. اگر مکتب بصره بیشتر به یک درک معیاری مطابقت - لغات دستوری (گرامری) مصرانه پای بند بوده و اگر ایسن مکتب مستبدانه کوشیده است تا واقعیت های غیر عسادی و مستثنی ها را تحت قواعد خشکی کشد - که مبتنی بر تجزیه زبان قرآنی و کوشینه (۱) باشد - برعکس مکتب کوفه تلاش کرده است تا یک نظر خارج از قیاس موارد گرامری را مشروع جلوه دهد و بدین دلیل است که توجه به توده ای قابل ملاحظه از "قرائت" ها معطوف شده که در آن تلفظ ها و حتی ترکیب های لغوی مخصوص به برخی لهجه های شبه جزیره

(۱) koīnè

عربستان حفظ شده است. باین ترتیب بوسیله تناقضی که بین علمای عصر رونقی بسزا داشت منظومه (سیستم) تکثر "قرائت" ها در تحقیقات فقه اللغه و صرف و نحوی وضوح یک خروج از قیاس را که نشدت زیر ضربه مکتب بصره بوده وارد ساخته است.

واقعیت قرآنی هر قدر هم که برای شکفتگی تحقیقات دستوری و معجمی قاطع و تعیین کننده بوده باشد معذلت، قلمروی باقی میماند که در آن نفوذ واقعیت قرآنی با زهم با رور تراست. اگر ا ق نباشد که بگوئیم نخستین سنگ بنای علم بیابلاغت عربی را قرآن و تحقیقاتی تشکیل میدهند که بر اساس "غیر قابل تقلید بودن" کتاب آسمانی که هر مومن موظف است در کشف آن بکوشد مبتنی میباشد. کتاب آسمانی در چهار بار شامل تحدی متوجه به مومنان است که از ایجاد نظیر آن عاجزند:

#### سوره دوم آیات ۲۱/۲۳

اگر نسبت به آنچه ما برای بنده خود نسازل کرده ایم تردید دارید سوره ای همانند بیاورید و گواه های خود را غیر از خدا احضار کنید، چنان چه در گفته خود صادق هستید!

(به سوره دهم آیه ۲۸/۳۹ و سوره یازدهم آیات ۱۳/۱۶ و سوره هفدهم آیات ۸۸/۹۰ نیز مراجعه

شود.)

بدین جهت پیام قرآنی اساساً نوعی معجزه را تشکیل میدهد که در تمام مدت دعوت پیامبر تجدید می‌شده است. از نظر اسلوب شناسی، وحی‌های قرآنی، بویژه وحی‌هایی که در بدو دعوت در مکه نازل شده و بنا بر این وحی‌هایی که در آخر قرآن قرار گرفته‌اند - روش‌هایی را نشان می‌دهند که در زمینه زبان عربی از مدت‌ها پیش شناخته شده بودند. با استعمال بندهای مسجع سبک مزبور شایه‌تی را با اسلوبی که مورد استعمال کاهن‌ها یا "مستبصرین" قرار می‌گرفته‌شان می‌دهد. (۱) مخالفان مکه‌ای این موضوع را احساس کردند و از آن استدلالی اتخاذ کردند تا ادعا کنند که محمد رسول خدا نیست بلکه یک عراف و حتی شاعری ملهم از روح شیطانی است.

(سوره پنجم آیات ۲۹/۳۰، سوره شصت و نهم آیات

۴۲/۴۱، سوره چهل و چهارم آیات ۱۳/۱۴).

این اتهامات که از نظر الهی و خامت شدیدی دارد، در جمع و بواقع قبول اثر خارق العاده‌ای است که این نثر موزون داراست و مولد آنچنان تأثیری از نظر جمالی می‌باشد که حتی بردشمنان محسوس است. ارزش ادبی پیام الهی که وسیله محمد برای عرب‌ها فرستاده شده در نظر خاص و عام و سرعت بعنوان زیباترین شاهکار ادبی که بتوان تصور کرد جای خود را باز کرده است. این واقعیت، با ضافه احترامی که ملهم از آئین جدید می‌باشد - وقتی که خلعت مربوط به علم الجمال قرآن مورد بررسی قرار می‌گیرد

- نمی‌بایستی هرگز از نظر دور شود. زیبایی قرآن حتی برای شنونده‌ای که عرب زبان هم نباشد قابل درک و احساس است. بفضل تلاوت قرآن با آوای بلند و در اثر انسجام و موسیقیت ترتیبات هجائی (مقطعی) لحن‌گیری حروف با صدا (واکه‌ها) استعمال بندهای مسجع، زبان کتاب آسمانی برای ما چون کلام منظم محض بمعنای وسیع و قوی کلمه تظاهر می‌کند. بدین جهت طبیعی است که پرهیزگزارترین مسلمان‌ها و محکم‌ترین آنها بدون اظهار تردیدی کتاب آسمانی را عالی‌ترین بیان امکانات کلامی زبان عربی میدانند.

در این جا ملاحظه می‌شود که تاکید تنها بر یک پیام

نازل شده بزبان عربی نیست بلکه این تاکید بر "مکتوبی" است که جنبه مذهبی آن بسهولت استنباط می‌شود. تفسیر

اسلامی را عقیده چنین است. کلمه اعجاز که بلفظ "غیر قابل تقلید" (در زبان فرانسه) ترجمه شده - لفظی که اساساً مولود احتیاج به تنویر است - دارای معنای متناقضی است (دوگانه) که مفسرین اهمیت و ارزش آن را حسی کرده‌اند. البته این واژه با کلمه معجزه ریشه‌ای واحد دارند که بمعنای "انجام عملی غیر عادی بوسیله یک پیغمبر از برکت جبروت دخلت خداست بمنظور نشان دادن نا توانی کسانی که خیال با فانه خواب می‌بینند که میتوانند با او برابر کنند." معذک، قرآن تنها بدلیل محتوی و ارشاد آن معجزه تلقی نمی‌شود بلکه و شاید حتی قبل از هر چیز یک شاهکار ادبی است که برتر از تمام آثار ادبی است که جامعه بشری اخذ و تکریم نموده است. جهان اجنه، در اثر

اصغای تلاوت قرآن بوسیله فرشتگان بدو گروه تقسیم میشوند و یکی از این دو گروه بدرک ایمان نایل میگردد. (سوره هفتاد و دوم آیات ۱ تا ۱۵). عمر خلیفه آینده، که ابتدا از مخالفان سرسخت مذهب جدید بود در اثر شنیدن متنی از قرآن ایمان آورد و یکی از طرفدان پرشورا اسلام گردید. در صفحات بعد خواهیم دید که چه نیروی جاذبی - از تلاوت قرآن وسیله مومنان - ساطع میشود.

طبیعت بنیان گذاران علم بیان و بلاغت عرب از آغاز قرن نهم متقا عدمی شوند که قرآن متضمن تمام مصالح لازم برای تکون نظامی است که مقامش در فرهنگ اسلام در تمام اعمار و تا عهد ما ارجمنند میباشد. علم بیان و بلاغت "ارسطوئی" که در همین موقع در عراق شایع و در ادبیات عرب مورد استعمال داشت موبد وجود مفاهم نظری و تجریدی این علم در قرآن بود.

مسئله در اساس ساده است: از آنجا که قرآن کلام خداست و تکامل بی عدیل زبان انسانی را تشکیل میدهد، با سهولتی هر چه بیشتر میتوان در آن همان اصولی را که ارسطو بر پایه نیروی عقل تکون داده بود کشف کرد، ادبیات وسیعی که از قرن دهم در عراق گسترش میابد خود گواه بارزی بر تلاش های علمی بارع و متکی بر ایمان است. در میان کلیه نویسندگان تحول این فکر وسیله سه نفر بوضوح پیدا است. الباقلانی (متوفی در بغداد بسال ۱۰۱۳) معتقد است که تکامل اسلوبی قرآن فرضیه بدیهی "غیر قابل تقلید بودن" قرآن را تأیید می کند. این تکامل معجزه ای را در رسالت و دعوت محمد تشکیل میدهد که در سخنان غیر قرآنی خود هرگز به

جلال قرآنی ارتقا نیافته. بعلاوه عربها میتوانند در قرآن یعنی این اثر منحصربفرد فصاحت انواع استعاره ها اثری را که تشکیل دهنده بیان و بلاغت اندیبا بند. در رساله الباقلانی این هنر فقط بعنوان استنتاج نظریه ای که اساس اثبات تفوق مذهبی اسلام میباشد مورد بررسی قرار گرفته است.

عبدالقاد الجرجانی (متوفی بسال ۱۰۲۸) در رساله ای درباره بیان و بلاغت قبل از هر چیز به تعیین استعاره ها میپردازد ولی از خلال بررسی او مدام میتوان ملاحظه کرد که بعقیده وی این استعاره ها وابسته به بینشی است که شاهی به بینش الباقلانی - یعنی نحوه گروه بنسبندی استعاره ها در پایان رساله بیان و بلاغت - دارد.

کتاب عبدالعزیز السلمی (متوفی در دمشق در سال ۱۲۶۲) با کتابهای دیگر تفاوت تام دارد. عنوان کتاب او که ترجمه اش میتواند: "خلاصه ای درباره انواع مختلف کنایه و تعریض" باشد با تحقیقی درباره بیان آغاز میگردد در حقیقت این تحقیق اساسا طبقه بندی استعارات موجود در قرآن میباشد. حذاقتی که مولف در تحقیقات خود نشان داده انسان را در شگفتی عمیق فرو میبرد چنین تلاشی در واقع نتیجه جستجوی دراز مدتی است که پاسخ هرنوع پرسشی را که اندیشمندی متقی و پارسا از قرآن داشته باشد تشکیب میدهد.

در تمام زمینه هایی که باختصار مورد مطالعه قرار گرفت دستور زبان (صرف و نحو)، قاموس نگاری، یا "بیان و بلاغت" "واقعیت قرآنی" بکرشته فعالیت های علمی را مدام تحریک کرده است. این فعالیت های علمی بیشتر

وابسته به جنبه تمدنی و فرهنگی بوده است تا نیا زمیندیهائی که مولود تکون قانون اسلامی باشد، ولی زمیندهائی دیگری باقی میماند که در آن "واقعیت قرآنی" بعنوان عامـل اساسی دخالت دارد بدان جهت که این واقعیت قرآنی مولود انگیزه‌هایی است که شباهت به انگیزه آفرینش و پیدایش قانون دارد. بنا بر این نقش "واقعیت قرآنی" دیگر نقش یک عنصر محرک ساده نبوده بلکه نقش عنصری خلاق است که قدرت آن در اثر و بدلیل ویژگی خود آن تقویست میشود. منظور عبارت است از علمی که از نظر اسلوب و استنتاج ویژگی تامی دارند و آنها را "علوم قرآن" نام نهاده‌اند. در نخستین درجه این علوم طبیعتا علمی وجود دارد که میتوان آن را گل سرسبد سایر علوم دانست یعنی "علم تفسیر".



## فصل پنجم

### تفسیر قرآنی

#### منابع اولیه و اتجاهاات (گرایش‌های) آن

حکایات زیادی مربوط بدوران زندگی محمد چه در کتاب سیره النبی و چه در کتابهای احادیث جمع آور شده است. این روایات نشان میدهند که مومنان برای کسب اطلاع درباره یک واژه، یک عبارت مبهم و حی و یا در باره حد تحریم و تجویز قرآنی مربوط به عبادت یا درباره اشاره‌ای از قرآن مجید و یا محکومیتی (معصیتی) که ممکن بود شخص خود را مشمول آن بدانند بزیارت آن حضرت می‌شتابفتند. پیامبریه توضیح مطلب پرداخته و مشکلات مطروحه را حل میکرد است و یا خلاصه میتوان گفت که پیامبر نقش مفسر را انجام میداده است. پس از وفات بنیان گذار اسلام صحابه اصلی او بنوبه خود در مقامی متشابه واقع میشوند. پایه و اصول تفسیری مداوم و حی قرآنی همانطور که ملاحظه می‌شود ملازم حجت و اسنادی است که به حی داده می‌شود. از آنجا نقش تثقیف و تربیت مذهبی جامعه اسلامی از ابتدا تا با مرور سینه قرآن مخلص میگردد. جستجوی عوامل مختلفی که در بطن "واقعیت قرآنی" سرچشمه تفسیر و اتجاهاات آن هستند به اطلاعات جالبی منجر می‌شود.

در نخستین مقام به دشواریهای برمیخوریم که قبلا درباره اش سخن گفته ایم: بی ثباتی الفبای عربی، این خط الفبائی بدلیل هیئت منقوص خود موجب پیدایش وادامه تاریکی هایی در متن میگردد بقسمی که فطانت و بصیرت "قاری" ها را - که همانطور که قبلا بدان اشاره شد - اکثرا نحوی ویا "خطیب و مورخ" بوده اند - تحریک میکند. در اساس، قرآن در صورت مادی محض خود، منبعی از تحقیقات مداوم در سطح سیستم الفبائی است.

دخالت کثرت "قراآت ها" در بنیاد تفسیر هیبتی دیگر را متظا هر میکند. در برابر متنی که قراآت های متعددی را امکان میدهد نما زگزاریا "قاری" خبره (غنا - لبنا) آگاهان نهی نا آگاهان از خود میپرسد که کدام صورت قراآت را ترجیح بدهد. این ترجیح نه انتخاب شخصی است و نه اشراق والهام. قبلا گفته ایم که این قراآت در اصل، غالباً، روایتی است که مولود شرایط لهجه ای است (۱) که بعلت تغییر پذیری خط الفبائی منقوص نا - مشخص مانده است. این حوادث که نسل به نسل بوسیله مکتب های قرا، منتقل گردیده کم کم تشکیل یک سیستم (دستگاه - منظومه) را میدهند، تکثر لغوی (الفاظی) غالباً زمینه را جهت راه حل هایی برای مسائل مربوط به متون قرا هم آورده است. مثلاً در سوره سی ام به حالت

نمونه ای خاصی برمیخوریم که نتایج حاصله از دو "قراآت" مورد قبول خواست منطق فکری را نیز ارضا میکند. در عوض برخی قراآت های غیر شرعی به تفاسیر و شرحهای بدعست آمیزی منتج شده اند، گروه زیادی از مشاجرات مربوط به الهیات منشاء دیگری ندارند. در هر صورت احساس خطرهای حاصل از کثرت لغوی (لفظی) (۱) نتیجه خوض و غور در باره متن قرآنی است. و از آن جا مسئله "قراآت ها" راه حلی یافته زیرا این مسئله یا تحدید شرعی دستگاها (منظومه ها) منجر شده و یا به انعطاف کتابت منجر گردیده که برای بروز و توسعه شرایع الهیاتی تقلیدی محض و مورد بحث مناسب بوده است. بدین سان دانش "قراآت ها" خدمتگزار مطیع تفسیر و الهیات شده است. بعلاوه در تعریف و تحدید قان و نیت و مشروعیت "قراآت ها" اصلی بدست میآید که یا سه و اساس هر نوع تفسیر میباید: یعنی اصل حجت.

دیدیم که

بروز جریان های تشیع (۲) متن قرآن عثمانی را در حدودی که سراسر تحت تسلط و سواست شرعی بود مورد اتهام قرار داد. آیا در این فعالیت مسئله مربوط به یک تفسیر و تاویل حقیقی است؟ تا اید این مطلب مستلزم جسارتی زیاد است. در حقیقت مخالفان سوال بالا را تا اید میگردند ولی بدون اینکه توجهی واقعی بدان داشته باشند که به قرآن معنائی



ماورای کلام‌ظاهری بدهند. متحزبین شیعی در اثرات جاهسی منطقی از این احساس که قرآن عالم دستکاری شده و قطعاتی از آن بمنظور تخفیف (تقلیل) مقام علی و خانواده اش در جامعه اسلامی حذف گردیده بهره برداری کردند. این تاکیدات بر نظریات مشایعی و جانب‌گیرانه مبتنی بود، نظریاتی که غالباً اصلاحات دستوری را نیز مورد شتم و حمله قرار میداد. این واقعیت و رفتار مجاز الحدا ز تا شیر آنها میکاست بقسمی که از محیط‌های شیعی‌ها تا وزنک... سرد و انگهی دیدیم (۱) که شیعی‌ها با تناقضی عجیب قرآن عثمانی را بعنوان "متن نازل آسمانی" پذیرفتند. بدین جهت میبایستی خطوط نیروئی را که بر حسب آن تفسیر قرآنی از آغاز قرن هشتم در عراق تشکیل گردیده در جایی غیر از این جریان سیاسی جستجو کرد (۲)

### (۱) فصل اول صفحه ۲۳۲۱

(۲) در همین معنی شیخ ابو جعفر بن حسن طوسی (متوفی بسال ۴۶۰ هـ - ق) که در بین امامیه علی‌الاطلاق بشیخ الطائفة مشهور است در سرآغاز تفسیر التبیان میگوید:

و اما الکلام فی زیاده و نقصانہ فمما لایلیق به ایضا لان الزیادة فیہ مجمع علی بطلانہ و النقصان منه فالظاهر ایضاً من مذهب المسلمین خلافه وهو الالیق بالصیحیح من مذهبنا وهو الذی نصره المرتضیٰ رحمة الله علیه وهو الظاهر فی الروایات: (استخری)

یکی از محرک‌های اساسی این جریان علمی در عراق در قرن هشتم علاقه و آفری است که - در تمام اعصار - جهان اسلام را به تعمق مداوم تجزیه و هم‌چنین به مراجعه روز افزون به متن قرآنی واداشته است. برای مفسر عرب - مسلمان - هیچ نکته، هیچ ویژگی دستوری یا اسلوبی نبایستی از حیثه تحقیق او خارج بماند. ساده‌ترین وجوه و صفات در نظرش دارای معنا و ارزش است. جملات با سیاق ایجازی پنهان کننده اسرار و اشاراتی میباشند که به عبارت - غیر قابل تقلید بودن آن را تفویض میکنند. شناخت کاملی از قرآن امکان کشف قطعاتی را میدهد که در مقام متمم یا متناقض عظمیت حقایق منزل را متجلی میکند. همه چیز حتی - ابهام‌ها و نکات تاریک - حس کنجکاو و وفطانت و ذکاوت مفسرین را تقویت میکنند و آنها را در تنویر اشارات بیاری می‌نماید، هر کجا غفلیه‌ویی نامی مشکلی ایجاد میکند مفسران نام‌ها می‌گذارند و به بیان مجمل قرآنی صدها تفصیلات می‌افزایند. عطش کنجکاو و "وحشت از مجهول و خلا" غریزه و حس اکتشاف چیز غیر ممکن و معنائی خارق همه اینها مفسرا را مجهز و تحریک میکنند و او را در معرض تصورات گمراه‌کننده قرار میدهند. در برابر این خطر، نوعی شعور و آگاهی دسته‌جمعی توانسته است حدود و اصول اسلوبی را عرضه کند. این تحدیدات و اصول اسلوبی مخصوصاً از نیروی کاربری پرتوانی برخوردارند زیرا در سایر نظام‌های عقلانی نیز یافت می‌شوند بویژه در زمینه‌ای نظیر تگون قانون. در این جادومین خط نیرو در توسعه تفسیر قرآنی پدیدار می‌گردد.



برخلاف مسیحیت که قدرت و مقام حبری و کلیسا  
 شارع قوانین مذهبی آن است اسلام چنین نیروئی را در  
 جامعه خود نپذیرفته است و همانند مسیحیت نیازی به شورای  
 جمعیت دینی که فقدان نیروی حبری را جبران میکنند  
 احساس نکرده است. در عوض اسلام اعتبار و ارزش عقیدتی  
 جاری و شایع را بر رسمیت شناخته که مراجعه به آرای علمای  
 بلامنازع دین است یعنی: اجماع. این کلمه عقیده‌ای را  
 می‌رساند که درباره قاعده یا موضوعی مورد بحث برپایه  
 حجت‌هایی از قبیل پیامبر و چند نفر از اشخاصی که مورد  
 احترام و اعتماد نخستین نسل‌های مسلمان بوده‌اند اطلاق  
 و استعمال شده باشد. بهنگام مطالعه تاریخ تفسیر قرآن این  
 معنا و تعریف اجماع - که ماکدونالد (در مقاله دایره  
 المعارف اسلامی) تغییرات و نوسانهای آن را بخوبی بر-  
 رسی کرده است - میبایستی پیوسته در نظر گرفته شود. این  
 تعریف باید در مجموعه فعالیت‌هایی که بوسیله تمام  
 کسانی که بعناوین گوناگون جهد کرده‌اند تا معانی ظاهری  
 و باطنی قرآن را اطلاق و استنتاج کرده و آنها را در مقابل  
 هم قرار دهند مندمج گردد. بدین ترتیب اعتبار هر نوع ترکیب  
 و ساخت تفسیری، بطور کلی، تابع تضمینی است که از  
 واقعیت آرای عمومی تحصیل می‌شود. همیشه سعی برای این  
 بوده است که از شرح‌های ضاله یا انشقاقی و خارجی احتراز  
 گردد. البته انشقاقیون یا اندیشمندان متهور نیز دائماً  
 میکوشیده‌اند تا حجت‌های معتبر را - لا اقل از نظر خودشان  
 مستند قرار دهند. "قولی مشهور، که به محمد نسبت داده

شده، این وسواس به تقارب بسوی صحت رای تقلیدی را  
 خلاصه میکند: "امت من هرگز بر سر یک اشتباه توافق پیدا  
 نخواهد کرد".

تاریخ تفسیر قرآن دو اتجاه عمومی را نشان  
 میدهد که به دو تفکر و به دو برخورد در برابر متن قرآنی  
 مربوط است. وقتی که در قرن نهم مسئله تسلیم به تعالیم  
 ریف اسلوبی مطرح گردید، این دو گروه مفسرین تبعاً  
 نظر خود را احساس کردند بر حسب اینکه خود را به شرح تفسیری  
 محدود می‌ساختند و یا اینکه توضیح تا ویلی را ترجیح میدادند.  
 در واقع اختلاف بین این دو اتجاه آنطور که خشوش  
 بیانها تأیید میکنند همیشه رفع نشده است. وانگهی  
 کشش و انعطاف تا ویل بر حسب مکاتب الهیاتی و حقوقی  
 اختلاف فاحش داشته است. از نظر طبقه بندی و نمونه‌شناسی  
 میتوان بطور کلی دو گروه مفسر را از هم متمایز دانست:

گروه اول که تعدادشان خیلی بیشتر است متفکرین  
 محتاط و حتی متورع میباشند که افکار عمومی و حجت را محترم  
 شمرده و سعی میکنند چیزی را که فقط مبتنی بر نظرهای  
 شخصی باشد نپذیرند. گروه دوم اندیشمندان هستند که  
 طرفدار تجزیه و تحلیل میباشند و مسائل مربوط بالهیات و  
 اخلاقیات را مورد بحث قرار میدهند و موضع ویژه آنها از عدم  
 تسلیم در برابر آنچه مغایر عقل است الهام میگردد -  
 بالاخره تمام این دانشمندان درباره عبادت و احترام  
 به متن قرآنی اتفاق نظر دارند. برای این علما در "غیر  
 قابل تقلید بودن" وحی هیچ مسئله و بحثی وجود ندارد.  
 فقط میتوان گفت که طرفداران "حجت" بدون مقاومت

دربرا بر فائق الوصف سر تکریم فرود میآوردند، در صورتیکه مکاتب عقلی می‌کوشند تا هر چه بیشتر حکمت و اسرار پیمام قرآنی را ژرف‌انگری کنند. سرانجام هر دو گروه ستایشگر کتاب آسمانی هستند. در میان این دانشمندان و ایمن متفکرین سلیقه‌هایی تظاهر می‌کند. تنوع این سلیقه‌ها نشان دهنده تنهاتجاهات مذهبی نیست، این تنوعات اشکال مختلفی را که خصلت کنجکامی انسانی در برابر قرآن طی بیش از هزار سال گرفته است آشکار می‌کند.

آخرین تذکر در باره موضوع عام تفسیر قرآن را نیز یادآور شویم: هر مفسر بدون شک اطمینان دارد که در مقابل یک مشکل یا یک ابهام متن قرآنی، تفسیر و تشریحی وجود دارد که ارضاکننده عقل و ایمان است. رفتار همگان طوری بوده است که گوئی این اعتقاد فردی هرگز قسدرت آن را نداشته است که هرگونه موضعی را - که بیم مورد عتاب قرار گرفتن از طرف افکار عمومی داشته باشد - بی‌چون و چرا طرد کند. من حیث المجموع تفسیر، در اساس خود، ارزش نسبی چند تفسیر را می‌پذیرد بویژه وقتی که این تفسیر مربوط به عبارات تاریک و دشوار قرآن باشد. کثرت تفسیر همانند اصل کثرت "قراآت‌ها" مورد پذیرش قرار گرفته مشروط بر اینکه افکار عمومی آن را تأیید کند. در این جا یک رفتار روبرو خورد عقلانی وجود دارد که آفاق بی‌شماری را برای درک قرآن بر حسب نقش تاریخی آن نوید می‌دهد.

تفسیر قرآنی بر حسب چهار اتجاه بیان گردیده است که همزیستی آنها تا عصر حضرتشاکها و تداخل‌های زیادی را تولید کرده است. حوالی پایان قرن نوزدهم سیبری

تجدد طلبی در تفسیر قرآن بظهور میرسد که ویژگی آن شایان بررسی مخصوص است.

میتوان گفت هنگامیکه بانسل دوم اسلام، لزوم یک تفسیر از کتاب آسمانی احساس گردید، در مراکز شهری حجاز، عراق، سوریه، حول شخصیت‌های موقر و محترم حلقه‌هایی تشکیل گردید که در آنها مسئله متن قرآنی مورد بحث قرار می‌گرفت. این نحوه کار در واقع همان سنتی بود که پیاپی بر در مدینه افتتاح کرده بود (۱) ولی در این جا نیز فعالیت تفسیری که نخستین خطوات خود را آغاز زمینمود با اقداماتی که پیش در آمد فعالیت جمع‌آورندگان "احادیث" یعنی بنیان گذاران سنت میباشد یکی بود. (۲) همانطور - یکه ژئ - سوزاژه (در کتاب مقدمه‌ای بر تاریخ شسرق مسلمان) خاطر نشان ساخته بین تحقیقاتی که بتاریخ منجر میشوند و تحقیقاتی که هدفش تگون قانون از راه حقیقت است اسالیب مشترک وجود دارد. بدین جهت شگفت‌آور نیست که اسامی نخستین مفسرین قرآن دقیقاً اسامی نخستین محدثین باشد. اطلاعاتی که منتقل و پخش شده اند همه منشأ شفاهی دارند. بنا بر این همانند احادیث این تفاسیر تحت حمایت حجت و تضمین شخصیت‌هایی است که علم آنها از حدیث شهرت عام داشته است. از قبیل ابن عباس عموزاده پیامبر (متوفی در طائف بسال ۶۸۷) یا عروه (urwa) پسر الزبیر (متوفی در مدینه قبل از ۷۱۷).

تجسس اینکه توده عظیم اطلاعات تفسیری منسوب به این شخصیت‌ها و به عده زیادی دیگر، معتمداً از منقولات اینان تشکیل شده است یا نه کار بیهوده می‌باشد. مسئله مهم عبارت از این است که معین شود درجه "محیطی" و درجه شرایطی این اطلاعات انتشار یافته‌اند. محققاً هیئت حدیث گویان در این فعالیت در طول قرن هشتم مقام اول را دارند. اسامی عکرمه (متوفی در ۷۲۴) و مجاهد (متوفی در ۷۲۱) را باید بخاطر نگهداشت زیرا بوسیله این دو شخصیت، رابطه بین نسل عبدالله بن عباس و نسل سایر حدیث گویان در پایان این قرن تحکیم می‌گردد. در جواری این نمایندگان فعالیت تفسیری - که استحکام و دقت آنها و احتمالاً آگاهی آنها ما را در حدودی درباره شرایطی که در آن "گفته‌های" پیامبر تحت اسم عبدالله بن عباس منتقل گردیده آسوده خاطر میکند - میبایستی مقامی منیع برای داستان سرایان "قاص"‌ها که در شهرهای عراق و سوریه و حجاز بکثرت فعالیت میکردند قائل گردید. اینان که با عوام الناس اختلاط داشتند و خود نیز از میان آنها برخاسته بودند، یعنی قاص‌ها، با رفتاری زنانه و غالباً غیر اخلاقی، در تفسیری که تازه پا بعرصه وجود می‌گذاشت انواع و اقسام گرایش‌های عوامانه را ادخال مینمودند. بوسیله این گروه، منقولات مربوط به تعالیم مذهبی مستخرج از قرآن متناسب با ذوق جامعه‌ای کم‌توقع تفصیل یافته، مصیغ میشد و اضافاتی بدان بار می‌گردید. و نیز بوسیله همین گروه

حجم معلومات تفسیری به تنوع می‌گرائید. تاثیر هم‌سای مسیحیت و یهودی و نفوذهای عربستان جنوبی در این میان توسعه می‌یافت، این موضوع بخوبی از مراجعه به حجت‌هایی از قبیل کعب الاحبار (متوفی حوالی ۶۵۴) و وهب ابن منبه (متوفی حوالی ۷۲۸) تأیید می‌گردد. آغاز برشته کتاب در آمدن این احادیث شفاهی کی بود؟

در نخستین مرحله مجموعه‌هایی، با احتمال ملخص و کوچک که پاسخگوی نظرات شخصی و یا جمعی بود تشکیل گردید در این مکتوبات امروزه فقط عناوین و یا اجزائی در مجموع - عه‌های منتخبه بعدی برجای مانده، از قبیل مکتوبات منسوب به اسماعیل السودی (متوفی ۷۴۵) و یا مقاتل شیعی مذهب (متوفی در ۷۶۷) در دومین مرحله علامت‌گذاری تاشیر (notation) کتبی وارد عمل می‌شود که از نظر اسلوب متکون برای جمع آوری "احادیث" وسیع تر و مشخص تر است. آثار قاضی وکیع (متوفی بسال ۸۱۲) و بویژه برخی فصول که در بعضی مجموعه‌های حدیث بویژه در صحیح بخاری (متوفی بسال ۸۷۰) جای گرفته از این نمونه می‌باشد. در هر حال این تفسیرها - تا آنجا که متون موجود شواهدی معتبر باشند - قبل از هر چیز شرح‌هایی از متن قرآنی هستند.

از این مباحث قاعده‌ای اساسی و منحصر بفرد استنتاج می‌شود: امتناع از پیشنه‌ها در تفسیر شخصی عبارت مورد بحث، که این خود - تکرار می‌کنیم - کار را بدانجا منجر میکند که همه چیز را با مرجع و معیار حجت‌های متعلق به

نخستین نسل اسلام توضیح دهند. صورت قاطع این شریعت در پایان قرن نهم تکون یافت: "هرآنکس که در بررسی قرآن به قضاوت فردی خود اکتفا کند و لواینکه در این راه به حقیقت رسد معذک، بعلمت آنکه بر قضاوت فردی متکسی بوده در اشتباه و خطاست. اقدام و رفتار او اقدام کسی نیست که در حقیقت مطمئن باشد، بلکه اقدام کسی است که فرض میکند و حدس میزند. ولی هرآنکس که مذهب را بطن خود بررسی میکند بر علیه خدا، در باره آنچه که نمیداند، سخن میگوید." نویسنده این سطور خود بنیان گذار تفسیر "سنتی" محض بصورت اصیل آن است.

الطبری در سال ۸۳۹ در آمدل واقع در ایران چشم بجهان گشود. شهرت او در نظر ما بوسیله "تاریخ عمومی" او و مخصوصا بدلیل شرح او از قرآن است. الطبری برای این که خود را برای انجام این وظیفه خطیر مهیا کند در جوانی و سالهای پختگی عمر به یکرشته مسافرت ها میبازد که به ترتیب او را به عراق و سوریه و مصر کشاند و سرانجام به بغداد رفت و در سال ۹۲۳ در آن شہر وفات کرد. این دانشمند بکمک حافظه ای خارق العاده و کنجکامی فکری که او را بمسوازات مطالعات مذهبی بریاضیات و طب نیز جلب کرد دارای باروری علمی شگفت آوری است، بقسمی که او را میتوان همسنگ بزرگترین اندیشمندان عصر رنسانس (تجدد) اروپا یا قرون وسطای مشرق زمین دانست. الطبری قبل از هر چیز یک دانشمند "تقلیدی" (پیرو سنت) است تحقیق او بیشتر در راه جستجو و به کتابت در آوردن کلیه اطلاعاتی بود که در کشور هائی که سیاحت کرد شیوع داشت. این اطلاعات مربوط به

شرح حال و تذکره و یا موضوعات تخصصی از قبیل مسائل قضائی و حقوقی بود. الطبری بعنوان فقیه قانون شناخته شد به تکون قانون همت گماشت و مکتبی را در حقوق پی ریزی کرد که عمر آن دراز نیاید. موقعیت و موضع طبری بعنوان موسس یک مکتب تحت تاثیر نوعی انعطاف است، زیرا با تصلب و عناد متعصبین حنبلی در بغداد برخورد پیدا نکرد. او در تاریخ عمومی خود را تخصصیما یک نفر مصنف نشان میدهد و در کتاب "جامع البیان فی تفسیر القرآن" قبل از هر چیز یک جمع آورنده حدیث و سنت است. این اثر عظیم درسی جلد کلیه اطلاعات تفسیری مربوط به همه سلیقه ها را که در آن عصر در باره وحی محمد شیوع داشت جمع میکند. بدیهی است که طبری در این جامع از متن قرآنی عثمان که در عراق بدست آورده بود پیروی میکند. پس از هر گروه آیه که دارای معنایی کامل باشد، الطبری شرحی فراهم میآورد که ضمیمه متن میگردد و اگر چنانچه آیه مبهم و اضامری است آن را روشن و کامل میکند. سپس شرح های "سنتی" که با هم شباهت دارند نوشته می شود و بدین ترتیب توضیحات را مستند و تضمین می کند. این اطلاعات در نظم قاطعی یکی پس از دیگری قرار میگیرند. مهمترین آنها در راس واقعند. در این تجمیع تبعاعدات نظری و حتی تناقضاتی بچشم میخورد. هر خبر بوسیله یک سلسله اسناد و ضمانت ها که آخرین آن به شخصیتی متعلق به سه نسل اولیه اسلام میرسد آغاز میگردد. بدنبال این سلسله متن خبر درج میشود سپس در صورت لزوم توضیحاتی در باره روایات مختلف یا قرائت ها آورده شده، مجموعه حاصله بوسیله رشته ای تبصره و ملاحظات پایان می یابد که

مؤلف خود در صورت اختلاف نظربین اخبار ترجیح خود را بر حسب افکار عمومی اعلام میدارد. بقسمی که میتوان ملاحظه کرد روش کار الطبری در آن واحد هم مادی (وتراکمی) است و هم اسلوبی. از مجموعه کارهای طبری چنین استنتاج میشود که در قرآن همه چیز میتواند - بدون اینکه به مباحثه شخصی مسائل مراجعه شود - دارای توضیحی باشد. بدین جهت این شارح اتجاهی را که "سنی" باشد در اسلام تجسد میبخشد (۱) بسزا و بحق گفته شده است که الطبری پدر تفسیر قرآنی است. در حقیقت الطبری در موقع و محیطی نشوونما کرد که اسلام شاهد اضمحلال و از هم پاشیدگی وحدت سیاسی خود بود. در این موقع این دانشمند برای مشرق زمینی -

(۱) واژه سنی از لفظ سنت مشتق است بمعنای عادت و تعمیم آن میشود عادات پیامبر. بنا بر این عاداتی که برای تعیین النوی اخلاقی عبادت و حقوق بنابر میروند. در کتابی که اخیراً بوسیله لاوست تحت عنوان فرقه ها در اسلام بچاپ رسیده مؤلف نشان میدهد که تا چه پایه دشوار است بطور قاطع ارتدکسی سنی را با سایر فرقه های مسلمانان بدون ظرافت و نازک کاری مقابل هم قرار داد.

"جامعی" تهیه کرد که در طول نسل ها مسلمانان سنی از آن بعنوان منبع علمی رفع عطش میکردند مسلمانانی که به وسیله شور مذهبی و میل به حفظ وحدت جامعه اسلامی - که مورد تهدید روشنفکری برخی مکاتب الهیاتی یا فلسفی قرار گرفته بودند - انگیزته و تحریک شده بودند.

مسئله چنین است که در پایان قرن هشتم در بصره و در بغداد، گروهی از علمای الهیات در برابر مسئله لاینحل اختیار (حریت اختیار - قدریه) قرار گرفته بودند. در نتیجه این مباحثات بدین فکر هدایت شده بودند که در اثبات قاطع قرآن درباره قدرت مطلق خدا تخفیفی قائل شوند و یا در صد برابر آند که لا اقل این جا و آنجا در متن قرآنی عباراتی بیابند که به عدم لغزش عدالت الهی منتج گردد و در این صورت از این راه برای جبر و قدر حدونهایی مقرر میگردد. در اثر این بررسی با تجسم اصطلاحات متعسددی از قبیل "وجه الله" و "عرش الله" با مسئله تشبیه خدا به انسان برخوردند که بدون تردید آنها را بطریق استعاره ای و مجازی تعبیر کرده بودند. این مکتب که به معتزله معروف است در جریان قرن نهم در عراق تحت نفوذ فلسفه یونان که در فکر عرب و اسلام از طریق ترجمه آثار فلاسفه یونان رسوخ کرده بود با وج اهمیت میرسد. تا شیر عمل این مکتب با اشتغالات فکری فلاسفه، بویژه با فعالیت های فلاسفه ای از قبیل ابن سینا و ابن رشد که میکوشیدند تا بین عقل و قوانین اسلامی (دگم های اسلامی) هم آهنگی بوجود آورند امتزاج می یافت. در این خانواده روحانی - صرف نظراز عدم آزادی فکری که المعری (متوفی ۱۰۵۷) شاعر و فیلسوف



سوری را در کا در فلسفه لادری و یا تالیهیه (مذهبی - الهی که بوجود خدا مقرر است و وحی و آخرت را انکار میکند) محدود میساخت - تفوق با کسانی است که تا ئید و اثبات میکنند که میتوان ضمن استعمال قضاوت شخصی در مواردی که افکار عمومی پاسخ کافی برای عقل ارائه نمی کند - در ارتدکسی (مکتب تقلیدی) ماند . مشهورترین نماینده تفسیر معتزلی دانشمند علوم الهی و نویسنده الزمخشری است که ایرانی الاصل بود و بسال ۱۱۴۴ در آسیای مرکزی وفات یافت . تفسیر قرآن او در دو جلد ، نوعی اعتدال را در مواضع این مکتب نشان میدهد و بدین جهت بندرت از طرف جانبداران تفسیر سنتی در معرض محکومیت واقع میشود . البته باید اقرار کرد که معتزله احترامی ژرف نسبت به قرآن عثمانی ابراز میدارند . تهور آنها یا بهتر گوئیم مهارت آنها بسبب استعمال تکثر قرائت ها بمنظور استنتاج و ارائه چند روایت درباره مصوات متن (۱) قرآنی محدود میشود . بر مبنای این روایات معتزله تعبیری شخصی را که هم آهنگ با مواضع جزئی (دغما تی - یقینیه) آنها بود حفظ میکنند .

برعکس ارتدکسی (روش تقلیدی) سنی نسبت به تفسیر استعاری (مجازی - رمزی) رایج در میان عرفا صلب و جامد است (۲) . عرفا محتوای لفظی و اختیاری و وضعی قرآن را کنار میگذارند . بجای مفاهیم و تعبیرات مستعمل ، معانی رمزی و استعاری را جایگزین میسازند . الکاشفی

(متوفی در ۱۰۳۳) در این مورد مثالی میاورد که نمونه عالی این گونه تفسیر میباشد ،  
سوره هفدهم آیه اول :

(شکوه مند با دکسیکه بنده ترا شبانه از مسجد  
الحرام به مسجد اقصی برد)

بوسیله این شارح (مفسر) عارف چنین تفسیر شده  
است :

"تسبیح کسی را با دکه بنده خود را از معبد دل - که درباره آن مراسم عبادت طوف برای مشرکی که تحت تسلط نیروهای جیفه ای است قدغن میباشد ، معبدی که هرگز نباید مورد زیارت عنیفی که وسیله نیروهای حیوانی تحریک شده است قرار گیرد . . . برای اینکه بنده خود را از برکت شهادت ها ، تجلیات جوهر - سوی مقام روح ، دورترین مکان از دنیای جسم ببرد" .

علت اینکه تقلیدیت سنی (ارتدکسی سنی) این انعطاف تفسیری را بشدت محکوم میکند بخوبی قابل درک است . در نیمه دوم قرن یازدهم گرایش جدیدی در میان شارحین قرآن پای میگیرد . گروندگان به اتجاه جدید علیرغم میل خود و بدون اینکه هیچ کدام از مواضع مخالفت با معتزله را رها کنند ، اسلوب تجسمی (تراکمی) و "سنتی" محض الطبری را رها کرده و بجای آن توضیح عقلی و بحث مبتنی بر یک استدلال الهیاتی را برمیگزینند . بهترین

نمونه این‌گرایش را فخرالدین الرازی که او نیز ایرانی است و تمام عمر خود را در ایران شمالی و مرکزی گذراند و در سال ۱۲۰۹ در هرات مردا قومه میکند، الرازی دیالکتیک معتزله را برای وضع یک تفسیر جدید بکار میبرد. در کتاب بزرگ خود درباره قرآن بنام مفاتیح الغیب الرازی بیشتر عالم الهیات است تا یک شارح و مفسر ساده. برای او دیگر نقل منقولات سنتی با "سلسله اسناد" کفایت نمی‌کند. حکایاتی که منشاء عوامانه داشته و برای الطبری بسی ارزشمندند توجه او را جلب نمی‌کنند و اگر هم بر حسب پیش آمد بنقل آنها بپردازد جنبه ضمیری دارد. در عوض الرازی وسواس واصراری عجیب نسبت به آزادی اختیار دارد که بوسیله معتزله مطرح شده بود. درباره سوره سی و ششم موسوم به "یس" آیه ۱۰/۹ الرازی مسئله را با کلماتی که مستلزم یک اطمینان و سکون خاطر تامی می‌باشد طرح میکند. الرازی همه جا میکوشد تا بین تناقض‌ها آشتی پیدا کند. اگر به بررسی مفصل یکی از انواع "قرائت" های قرآن و یا بکشف رمزی غامض در زمینه دستور بپردازد پیوسته اسیر یک اشتغال فکری عامتری قرار می‌گیرد که او را وادار می‌کند تا مسئله مورد بحث را در مجموعه یک بحث قضائی (حقوقی) یا دگماتیک بررسی کند.

نفوذ الرازی در معاصرین او در مشرق زمینی، پیدایش تعدادی دیگر از حالات بعدی را توضیح می‌دهد، مسائلی که این متفکر مطرح ساخته اساساً متعلق به صورت فکری جدیدی در اسلام است. تفسیر مبتنی بر "سنت" محض متعلق به گذشته است. نسل‌های جدیدی به تصنیفات مفصل که

جامع اساس و چکیده آثار گذشته با شدنیا زمیند و یا به ملخصاتی که ماهیت این آثار را در اختیار بگذارند. کتاب بحر المحيط تالیف ابو حیان قرناطی (متوفی در قاهره به سال ۱۳۴۴) جزو گروه اول است. این کتاب قبل از هر چیز اثر یک عالم دستور (صرف و نحو) است که با علاقه میکوشد تا قارئین را به مواردی که بوسیله علمای لاهوت مفسر از قبیل الرازی کنار گذاشته شده بود دوباره بازگرداند. ابو حیان مقامی منیع برای مباحث مربوط به زبان و "قراءت" قرآنی قائل است. برعکس مطالعه مسائل حقوقی و لاهوتی با احتیاط دانشمندی که پای بند است تا موضوع گیریهای عقلیون را نادیده بگیرد انجام شده است. پاسخوی گروه دوم یعنی ملخصاتی که ماهیت آثار را در اختیار بگذارند - کتاب دقیق و مستحکم البیضاوی (متوفی در ایران جنوبی بسال ۱۲۹۳) و یا شرح‌هایی بصورت تعلیق و حاشیه ساده از قبیل آثار النسفی (متوفی در بغداد ۱۳۱۰) و یا آثار السیوطی مصری (متوفی در ۱۵۰۵) میباشند. بانیمه دوم قرن نوزدهم در زمینه تفسیر قرآنی انقلابی بوجود آمد. تجربه و مشکلاتی که در این موقع برای جهان اسلامی پیش آمده بود و عواقبی که از این وضع بوسیله گروهی اندیشمندان در خاور میانه استنتاج شد کلیه مسائل را که تفسیر قرآنی کشف کرده بود مورد بحث و سوال قرار داد. البته وحی دریافت شده وسیله محمد در نظر این نسل تفوق لاهوتی و اخلاقی خود را حفظ میکرد، بعلاوه با یک مشی دفاعی ذاتی علیه تسلط امپریالیستی غرب، وحی برای اعاده نیروهای آنها به برخی رزش‌های گذشته و کشف محرض‌هایی



که بتوانند جای تقریظ و تمجید موروثی قرون وسطی را بگیرد بکار رفت. این نهضت ادامه دهنده تجدید مذهب سنی و هابی ها در عربستان و تجدید طلبی سلفیه که حفظ سنن گذشته را نیز لازم میدانست میباشد. امروز یعنی پس از بیش از نیم قرن شیخ محمد عبده بعنوان یکی از موثرترین پیش آهنگان این نهضت شناخته شده است.

شیخ محمد عبده در خانواده ای روستائی در ولتای نیل چشم بجهان گشود. تحصیلات خود را در علوم سنتی در جامعه الازهر قاهره بپایان رساند با اعزایی پاشا در نهضت مقاومت ملی فعالیت کرد. ضمناً چون مدتی را در پاریس گذرانده بود تحت تاثیر فرهنگ غرب نیز قرار داشت. شیخ محمد عبده تا روز مرگ خود ۱۹۰۵ شریعت و اندیشه خود را مبارزه جویانه از طریق فعالیت هائی از قبیل استادی، روزنامه نگاری نویسندگی و اجتهاد بمنصه ظهور رساند. او مجله المنار را در سال ۱۸۹۷ بکمک محمد رشید رضا (متوفی ۱۹۳۵) شاگرد خود بنیان گذارد. شیخ محمد عبده تفسیر قرآن رایکی از مبانی اصلاح مذهبی قرار داد. وی در این سطح و در سطوح دیگر به ارتدکسی سنی (تقلید از سنت) وفادار ماند. عبده با اعتمادی کامل و با شها متی بی سابقه - حتی شها متی که از طرف ابن تیمیسه (ibn Ta'imiyva) (متوفی در سال ۱۳۲۸) ابراز نشده بود - معتقد است که مراجعه به سنت پیا مبر و به تعالیم قرآنی میتواند برای جامعه اسلام و سایل جدید و نیروی مواجه با غرب را با قوای مساوی فراهم آورد. عبده بدون اینکه تاکیدات دگماتیستی معتزله را باز سر گیرد از برخی جهات ادامه دهنده راه آنهاست. در تفسیر او

نوعی انعطاف وجود دارد و در کلیه مواردیکه مثلاً مربوط به تجسیم و تشبیه (خدا به انسان) تحت اللفظی می شود بدون تردید ارجحیت خود را به تعبیرات عقلیون میدهد. پس از او مکتب "منار" این تعلیمات را اشاعه میدهد و این تعلیمات که اوضاع محیطی و سنن محلی را منظور میدارد مبنای تفسیر اسلام معاصر قرار میگیرد.

تفسیر دانشمند مصری طنطاری جوهری (متوفی بسال ۱۹۴۰) را نمی توان جزو این گروه دانست. این دانشمند با بساطت ذوق و آسودگی خاطر و بویژه با "نوعی عرفان در علم" در عین حال عاطفی و معقول، نمونه ای منفرد است که جرات و جسارتی رعب آور دارد. کوشش های او برای تجدید دفاع از دین با مراجعه به یک تعمیم علمی سریع و سطحی محیر است و تباین و تنافری که در روش تحقیق بکار برده او را از هدف دور میکند.

با لآخره چنین بنظر می آید که در زمان حاضر گرایش جدیدی از شرح مفصل شیخ المراغی استخراج میشود. این دانشمند که سابقاً استاد دارالعلوم بوده هدفش تعمیم تفسیر قرآن ضمن سلب و حذف وسایل علمی و مراجع "سنتی" است. چنین تفسیری مستقیماً قابل درک توده ای عظیم از مردم مصر میباشد که ما یل است بریک "جامع" دگماتیکی، قضا ئی و اخلاقی - منطبق با استنباط یک ارتدکسی وسیع تازه نیرو یافته - وقوف حاصل کند. کتاب المراغی با امتناع از پذیرش مقامی برای تفسیر عامی مورد علاقه موا عظ و همین با احتقاری که نسبت به انحراف (خروج عن الموضوع) دستوری و اسلوبی نشان میدهد و با احتراس و عدم اعتمادی که

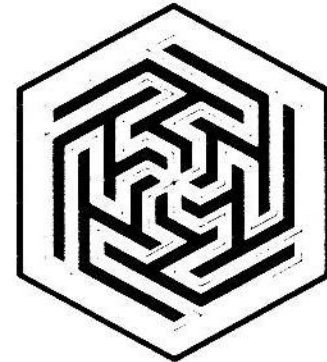
نسبت به مواضع عقلی ابراز میدارند بعنوان نمودن نه‌ای از تحقق متخاصم با حدین افراط و تفریط بحساب آید. در این اتجاها و در نتایج آنها، تفسیر قرآنی فعالیت‌های دیگری را مشروط ساخته که غایت و هدف آن تکون دگم و قانون اسلام می‌باشد. اکنون می‌بایستی به بینیم در چه شرایطی این کار دسته‌جمعی طی سیزده قرن به انجام رسیده است.

## فصل ششم

### قرآن و سنت

#### منابع دگم (عقیدت) و قانون در اسلام

وجه اسمی (یا موصوفی) سنت اساساً بمعنای "عادت اجدادی و عرف" می‌باشد. در قرآن این کلمه معنای "استعمال - عرف و شایع" را میرساند و اگر آن را بسط دهیم معنای "قاعده استخراج شده از مواقف و طرز عمل کسی" حتی مواقف و طرز عمل خدا را میرساند. این کلمه وقتی که درباره محمد بکار رود معنای مجرد گرفته و نشان دهنده "مجموعه اقوال، رفتار، طرز اکل، شرب، لباس پوشیدن، انجام وظایف مذهبی و رفتار نسبت به مومنان و کفار" می‌باشد. بنا بر این سنت قاعده‌ای است که در جهان اسلام یک "تقلید واقعی از محمد" را تشکیل داده است. در نتیجه برای تعیین و تعریف کامل و مفصل این قاعده راهی بجز تجسس و جمع آوری و طبقه‌بندی حکایاتی (منقولاتی) که از نخستین نسل اسلام - شفاهی - شیوع داشته بنا حدیث که بمعنای "گفت و شنود" - اقوال "معروف است در پیش نداریم. این کلمه خیلی سریع ارزشی عام پیدا کرد. و واژه "الحدیث" که معمولاً بمعنای سنت است نشان دهنده مجموعه اطلاعاتی گردید که اساس و شالوده سنت را تشکیل میدهد.



دیدیم که سنت برای تنویر قرآن - در مقیاسی بی حد - مورد استفاده مفسرین قرار گرفته در آن وقتی که قرار شد مستخرجات قرآن برای تکون منظومه‌ای (سیستمی) از دگم (ارکان عقیده) و قانون در اسلام بکار رود و حی - با مراجعه به سنت - استحکامی عالی یافت. بعبارت دیگر - و با تفاق آرا، - و بدون پیدایش تناقض چنین پذیرفته شد که دگم و قانون اسلام دو اساس داشته است: قرآن و "تقلید از محمد" یا سنت. میتوان گفت که سنت با اعمال تغییرات لازم - نسبت به قانون اسلامی همان نقشی را بازی کرده که تلمود نسبت به اسفار خمسه موسی ایفا نموده است. فقهای اسلام از آغاز قرن هشتم با تلمس و تجسس - بکندی موفق شدند - در اسلام شرق - اسلوبی خاص برای حل مشکلاتی که استعمال قرآن در پرتوسنت بوجود میآورد - تکون دهند. اینان - بدون شک - لزوم مراجعه به تحول وحی طی رسالت پیا مبررانا دیده نگرفتند. در چندین مورد و در باره مسائل مختلف، مثلا برای تحریم مشروبات مخمر مفهومی را بکار بردند که از بحث درباره تسلسل حوادث الهام میگرفت و یا دقیق تر بگوئیم از این اصل که هرگاه دو عبارت قرآن متضمن تناقض باشد عبارت دوم - در صورت تاخر زمانی - ناسخ عبارت اول است. معذک، این اسلوب نتوانست با استحکامیکه مطلوب بحث و انتقاد تاریخی است مورد استعمال یابد. زیرا تاریخ حوادث حیا - تی بر اساس معلومات سنتی (احادیث) نهاده شده کسه دارای آنچنان دقتی نیست که بتواند - بدون وجود بحث و مشاجره - به نتایج دقیق و درست منجر گردد. از طرف

دیگر اصل ناسخ و منسوخ فقط در تعداد محدودی از حالات مورد استناد قرار گرفته بقسمی که این بحث و انتقاد تاریخ الاحداثی (بر اساس تسلسل حوادث) دارای اعتبار عام نمیباشد. بعقیده این گروه علماء - قرآن میبایستی من حیث المجموع، بدون مراجعه به اطلاعات احتمالی، در نظر گرفته شود مگر در چند مورد. بطور کلی این گروه معتقد است که آن شریعتی که از جانب خدا نازل شده عبارتست از "جامعی" که میتوان از آن تمامی احکام و نصوص را اتخاذ کرد. مثلا در عصر حاضر المراغی (۱) که در این امر پیرو شریعتی هزار ساله است چنین میگوید که سوره الفاتحه محتوی مجموع چیزهایی است که یک نفر مسلمان میبایستی برای هدایت در مواقف (رفتار) مذهبی و اجتماعی خود بداند. در این جا تذکر قانون اسلام - بطور جامع - خارج از موضوع است. در عوض بحث ما بر سر این است که اهمیت قرآن را بعنوان منشاء اصلی این قانون معین کنیم. در اینجا باید بگوئیم تا تفسیر قرآن را در تحقیق و جستجوی آنچه که "تقلید از محمد" را مشخص میکنند مورد بررسی قرار دهیم. تقلیدی که میبایست به تنویر ضوابطی که بوسیله قرآن - در مورد دگم و قانون اسلام - تهیه شده منتج گردد. برای مسلمانان نسل اول اسلام، پیروی از تشکیل

ایدآلی که محمد به مومنان عرضه میداشت نسبتاً آسان بود .  
همچنین رعایت رفتار پیشوا چه در زندگی مادی و چه در رسالت  
و یا اداره امور مدنی و سیاسی سهولت انجام میگرفت . بنا  
نسل های بعدی این ایدآل همچنان بر حسب نیازهای جدیدی  
که در اثر ورود پیروان سایر ایدئولوژی های مذهبی با سلام  
احساس میشد ادامه مییافت . چهره محمد ، از این زمان به  
بعد پیوسته در فکر نسل ها دیگرگون شد و بر عظمتش افزود .  
قرآن در عبارتی موجز تائید کرده بود که :

#### سوره سی و سوم آیه ۲۱

ای مومنان ! رسول خدا برای کسی که به خدا  
و روز آخرت با ایمانی راسخ امیدوار است  
نمونه درخشانی است .

این ایدآل متجدد وسیله محمد ، در اساس با مفهوم  
قرآنی نبوت بستگی داشت . ابراهیم نیز در زمان گذشته  
نمونه ای نبیل و کریم النسب بوده است (سوره شمت آیات ۴ و  
۶) . واقعیت فعلی وجدید که - فراتر از مرز نیاز - مورد  
استفاده مدافعین دین قرار گرفته بود عبارت از این میشد  
که محمد در نظر جا معه مسلمان - با خصایص آن - رسولی  
شناخته میشد که دوران رسالتش مبارزه ای طولانی علیه  
نیروهای اهریمنی بوده است . پیام های منزل در مکه و سپس  
در مدینه همه گواه بر مبارزات او میباشند . یکنفرم - سورخ  
مدینه ای بنام ابن اسحاق متوفی در عراق حوالی سال

۲۶۹ کار تحسین آمیزی انجام داد . این مورخ موفق شد حیات  
مثالیه محمد را با تالیف مجموعه ای مختارات که در یک  
تاریخ عمومی مندرج و مندمج است تدوین کند . کتاب ابن  
اسحاق بصورت خلاصه بیا رسیده ، ولی همین خلاصه کافی است که  
ایده های از مفاهم حاکم در این عصر و تفوق و امتیاز محمد هم  
چنین درباره شجاعت آرام و خون سردانه و مثلاً در نبرد احد و  
درباره عصمت و عاری از خطا بودن نظرهای او که البته از  
الهام الهی ریشه میگیرد در اختیار ما قرار دهد . آنگاه و  
گرایش آگاهانه یا ناخود آگاه مفسرین در تهیه حیات تبر -  
بیری و ممدوح محمد - هر چه هم که طبیعی باشد - در سطح  
قرآن قرار دارد . کتاب حیات محمد خطاب بجا معه ای است  
که برایش تفصیلات بدیع ، اشاره و طرح موقعیتی خاص ،  
جستجوی تا شیرت مثیلی ذوق به اضداد ، سرگرمی اساسی را  
تشکیل میدهد . میزان اختلاف شرح حال نویسان (تذکره  
نویسان) از شارحی به شارح دیگر متغیر است . معذک ، این  
اختلاف همیشه موجود و محسوس است . بویژه کشف این موضوع  
جالب است که بدانیم چه چیزی در قرآن حرکت ایده ها و  
افکار کسانی را باعث شده است که فلان عبارت قرآن را با  
فلان رشته حکایات (منقولات) حیات محمد ارتباط دهد .  
بطور کلی نحوه بیان و سبک قرآنی همانطور که دیدیم (۱)  
اشارات کوتاه و عاری از شاخ و برگ (بدعت) است . مفسران  
این موضوع بهره برداری میکنند یعنی آن را مرتب ساخته و  
از آن مایه ای (مبحثی) برای گسترش ایجاد میکنند که آغشته  
به تاثیرات ناشی از منشاء های مختلف است . سوره های  
مدینه ای مملو از این قبیل مشخصات میباشند . مثلاً در این  
(۱) فصل سوم صفحه ۶۰-۶۱

مقال تقارب میان بیان توصیفی جنگ حنین در قرآن ، پس از فتح مکه در سال ۶۳۰ و اطلاعات تاریخی بسیار آموزنده است . در متون تاریخی میخوانیم که به نیروهای مدینه‌ای که بسوی طائف در حرکت بوده نیروهای مکه‌ای و بدوی‌ها که سرمست از پیروزی محمد بودند ملحق می‌شوند . نیروهای اسلام بدون احتیاط پیش میرفتند . ناگهان در گردنه‌هایی که به وسیله گروهی از جنگندگان هوازن یکی از قبایل پر قدرت که هنوز به بت پرستی وفادار مانده - اشغال شده بود - غافلگیر میشوند . اینان برای اینکه نشان دهند تا مرگ مقاومت خواهند کرد زنان و اطفال خود را نیز همراه آورده بودند . ارتش اسلام را وحشت فرا گرفته و آنانکه بطمع کسب غنیمت بجنگ آمده بودند باین سو و آنسو متواری شدند . خوشبختانه دسته‌ای از مومنان با طرف پیا مبر مجتمع شدند و مقاومت ورزیدند و فراریها را جمع‌آوری کردند . پیروزی نصیب جبهه اسلام شد و روزی که دشوار آغا زیده بود با درهم شکسته شدن هوازن و اخذ غنیمتی وافر باین یافت . در قرآن داستان این جنگ به متن زیر خلاصه میشود :

#### سوره نهم آیات ۲۵ و ۲۶

مسلمانان خداوند شما را در شرایط متعدد و مهیب کمک کرده است ، مخصوصاً در روز جنگ حنین لحظه‌ای که سرمست از کثرت نفرات خود بودید . این کثرت بهیچ وجه به در دشمنان نخورد ، موقعی که زمین ، علی‌رغم وسعت خود

خیلی محدود بنظرتان آمد و شما روی گردا - نیدید .  
آنوقت خدا حضور آرا م بخش الهی خود را بر رسول خود و مومنان نازل کرد . او هم چنین قشون‌ها تیرا نازل کرد که شما آنها را نمیدیدید ، و کافران را به عذاب و ذلت افکند .  
چنین است "پاداش" کافران .

با وجود جفاء اسلوب (خشکی) آیات مذکور ملاحظه میشود که نقش مختص به پیا مبر خیلی مهم است . بقسمی که این نقش دقیقاً متناسب با چهره‌ای است که مومنان در لحظات حساس تاریخی از پیا مبر تصور بوده‌اند . در این عبارت چون در عبارات متعدد دیگر ، پیا مبر از نقش مندر و مبشر تجا و ز نموده و بعنوان یک فرمانده در اوج عظمت متجسد و نمودار میگردد .

این تفوق محمد هم چنین در سراسر قرآن ، از برکت تفسیر حیات در عبارات متعددی که در آن رسالت بنیان گذار اسلام بموازات رسالت پیا مبران قبل قرار گرفته تا تأیید میگردد . در قصص قرآنی درباره موسی ، ابراهیم و عیسی یک سنت "یهودی - مسیحی" بار دیگر بروز میکند که نسبت به مباحثی که مومنان جدید بدانها آشنائی داشتند وابسته و وفادار بود . اطلاعات محلی در تذکارات متعددی مربوط به پیامبرهای عرب از قبیل صالح (شمود) هایبا هود (عاد) های عربستان جنوبی متردد تر مانده و بدون اشکال امکان میدهند که چهرهٔ محمد کمی منبع تر قرار

گیرد. وانگهی محمد از این برتری برخوردار است که ظهورش وسیله عیسی اعلام گردیده و خاتمی است که پایان رسالت هائی را که از طرف خدا به انسانها داده شده است معین میکند (سوره چهارم آیات ۱۶۳/۱۶۱ و سوره شصت و یکم، آیه ۶). بدین ترتیب جلال - بلاتردید - بنیان گذار اسلام موبد و اثبات و کرامت او در برابر عظمتی که ضرورت آن بویژه بدان جهت احساس میشود که "سنت" برخی نکات خاموش قرآن را روشن میکند میرهن میگردد.

قرآن برای علمای علوم الهی اسلام مصالح و مواد اولیه لازم را در باره دگم‌های اساسی از قبیل وحدت خدا (توحید)، حقیقت وحی، مکافات آخرت و توزیع جزا بر حسب اعمال - بحد و فور و بتفصیل بمنظور تعیین منظومه‌های آنها (سیستم‌های آنها) فراهم می‌آورد. در این جا وحی دریا فست شده بوسیله محمد من حیث المجموع - نه تنها یک عقیده و قانون آسمانی بلکه ضوابطی را تهیه میکند که در آن علمای الهیات و مفسر خواهند توانست با مراجعه به متن عناصر تشکیل دهنده "اساس مذهب" را مستقر نمایند. بالاخره مسائلی باقی میماند که طی دو هزار سال وجدان و شعور انسانی را مداوم معذب ساخته است. مثلاً آزادی اختیار، قدرت مطلق الوهیتی عالی، تحدید و تعریف خوبی و بدی و چیستان تشبیه خدا با انسان (انسان مانند خدا).

در باره مسئله اخیر به افتراضاتی که قرآن بجهت تفسیر "سنتی" بعثت تکثر شرح‌ها (تفسیرها) داده است اشاره کردیم، معتزله توانستند. با رقت و لطافت از این انعطاف ظاهری برای اثبات ادراکات عقلی خود در باره

عباراتی محمول از "تشبیه با انسان" از قبیل وجه، دست عرش خدا استفاده کنند (۱). هم‌چنین برای این مکتب الهی - که کم و بیش رنگ تا شیرات نوافلاطونی داشت - دشوار نبود که در قرآن دلایلی متین و محکم برای آشتی میان وحدت خدا و تکثر صفات الهی پیدا کند. ولی برخورد سیر عقلی و توصیفات دقیق مادی عذاب‌های جهنمی و لذات بهشتی (۲) خیلی شدید بوده است. اگر برای طرفداران تفسیرهای "سنتی" این مسئله با عمق مطرح گردیده برعکس و در عوض تعبیرات رمزی و استعاری در باره حقیقت این توصیف‌ها موجب بروز ناراحتی‌های عجیبی شده است. بطور کلی دنیای اسلام، در مجموعه، تحت استیلای تفسیرهای "سنتی" مانده است. حتی بعقیده عارفی چون ابن عربی (متوفی در دمشق بسال ۱۲۴۰) نکات (مشخصات) قرآنی جنبه‌های مادی خود را حفظ میکنند و صحنه‌های اخروی (بعث و حساب) بر حسب جریان مجملی که وابسته به تظاهر محسوس محض بلای قیامت است عملی می‌شود. معذک، گاه شارح عبارات قرآنی مورد بحث با ابهامات و افتراضات زیادی برخورد میکند و با اظهار نظری که در آغاز غیر مردد جلوه میکند میرسد:

در این مقال نمونه‌های زیادی را میتوان ارائه کرد و ما برای نمونه آیات ۴۴ تا ۴۶ سوره هفتم را یاد آور میشویم. این قطعه که بصورت عجیبی تاریک بنظر می‌آید - میتوان این پرسش را طرح کرد که آیا این آیات جزو وحی‌های بعدی نبوده‌اند که وارد بسط‌های قبلی شده باشند

(۱) فصل پنجم صحنه ۱۰۷ (۲) فصل دوم صحنه ۳۲-۳۳



— امکان داده است که اثبات کنندبین جهنم و بهشت مکان واسطه‌ای وجود دارد که در آن جا ارواحی که هنوز از سرنوشت نهائی خودنا مطمئن هستند نگهداری میشوند. بدین ترتیب ایده برزخ (اعراف - مطهر) که اساساً در "بعث و حساسات" قرآنی بصورت ظاهر وجود ندارد داخل نموده است. افترا — ذاتی که قرآن درباره آزادی اختیار برای اتجاهاست مختلف علوم الهی بوجود آورده کمتر از موارد بالانگیز است. این مطلب که روحیه جبری و قدری — که بعقیده برخی در اسلام وجود دارد — نتیجه اثباتات قرآنی در این زمینه است از مطالعه عینی متون مستفاد نمی‌شود.

درباره آیات متعددی که موید قدرت تقدیری الهی آزادی مطلق در اتخاذ تصمیم و استقلال تام در انگیزه فرا — مین خدا میباشند نمی‌توان تفسیری را ارائه کرد که عدالت خدا را مورد تردید قرار دهد. مثلاً در سوره سوم بنا مآل عمران چنین می‌خوانیم:

سوره سوم آیه‌های ۲۶/۲۶ و ۲۷/۲۶

بگو "خدا یا مالک قلمرو شاهی! هر که را خواهی سلطنت میدهی و از هر کس که خواهی سلطنت را میگیری. هر که را خواهی عزت میدهی و هر که را خواهی ذلیل میکنی، نیک بختی در دست تو است. تو بر هر چیز مقتدری.

"تو شب را در روز و روز را در شب داخل میکنی. تو زنده را از مرده استخراج می-

کنی و مرده را از زنده مستخرج میکنی. تو در ب نعمت را بهر کس که بخواهی بیحساب میگشائی

مسلم است که در این بحث هما نند موارد دیگر مسئله مطلقاً بر سر این است که نه تنها قدرت کل خداوند تا نیست شود بلکه هم‌چنین و شایداً طمینان باین داشت که خداوند سرانجام پیروزی را به پیروان خود در برابر الیگارشی (گروه اقلیت حاکم) مکه خواهد داد. این نظریه بر راحتی در پرتو تقرب مثلاً با عبارتی از سوره‌ای که کمی قبل از هجرت نازل گردیده ارزشی بسزا پیدا میکند.

سوره هفدهم آیات ۱۶/۱۵ و ۱۷/۱۶

هر آنکس که صراط مستقیم را دنبال کند برای نفس خود کرده است و هر آنکس که گمراه شده علیه نفس خود شده است. هیچ کس با ردیگری را بردوش نخواهد داشت. ما هیچ امتی را قبل از آنکه برایش رسولی فرستاده باشیم عذاب نداده‌ایم.

وقتی که بخواهیم ملتی را نابود کنیم، بسه اغنیا فرمان میدهیم و آنان درگیر طغیان می‌شوند. کلام بر علیه این ملت تحقق می‌یابد — بر دو ما آنرا سرا سر خراب می‌کنیم.

در مبارزه علیه نیروهای بت پرستی و اهریمنی،

شخص مومن به چنین ایقانی برای پیروی از پیشوا در شرایطی نیاز داشت که در نظر مرد دین و مخالفان حادثه‌ای خطرناک یا طغیانی غیر قابل قبول جلوه میکرد. واقعیت جدید این است که پس از پیروزی قطعی اسلام مسائلی متافیزیکی بر افکار هجوم آورد و علمای الهیات را واداشت که از قرآن حقایقی را که به جبر یا اختیارات تباط داشت انتزاع کنند. همانطوریکه گودفرو - دم‌بین (۱) در کتاب موسوم به محمد (۱۹۵۷) اعتقاد داشت معقول است که تحول پستی و بلندی تاریخی در مکه و سپس در مدینه، وحی قرآنی را متحول ساخته و سرانجام به بنی‌آدم آزادی بیشتری را در تحقق سرنوشت خود داده باشد. مزیت حاصل در اثر ایمان غالباً چون نقطه عزیمت یک طمانینه مسعود تجلی نموده است. مثلاً المراغی چنین مینویسد: "خدا بما وعده داده است که هرگاه در جوار او ملجاء جوئیم دعای ما را مستجاب کند. او خود گفته است: به درگاه من متوسل شوید و من دعای شما را اجابت خواهم کرد." تقریباً هفت قرن قبل، اعتقاد الرازی بر این بوده است که "عفو پادشاه ایمان است". معذک، این مراجع و تسلیم به عنایت خدا بهنگام برخی مصیبت‌هایی که محمد در احادیث بهنگام جنگ حنین تحمل کرد در قرآن آشکار نمی‌شود (۲). تفسیر (سنتی) هم در تاریخ ال-حداث خود کوشیده است تا ثابت کند این کسب فضل در اثر کوشش یا شجاعت شخصی حاصل آمده است. معتزله نیز کوشیدند

(۱) Caudefroy-Demombynes (1)

تا تجاهی را که عشان ژرفانگری بود به نظم و نسق در آورند. اینان با اصرار ورزیدن بر افتراضاتی که بوسیله آیات متعدد بوجود می‌آید به تحقق دادن یک منظومه (سیستم) نایل آمدند، منظومه‌ای که تمام اجزاء آن نمیتوانست در برابر الهیاتی که قبل از هر چیز در پی آن بود که از قرآن آن چه را که مویده قدرت مطلق خداست اخذ کند - مقاومست و ورزد.

الرازی عالم الهیات در تفسیر عقلی به استعمال کلی قرآن هدایت میشود که همانطور که گفتیم تفسیر مکتوب "سنتی" است. بعقیده این متفکر هدف عالی مومن عبارتست از کشف پنج اصل که ایمان بر پایه آن استوار است: توحید، قیامت، نبوت، (آزادی) اختیار و جبر (قضا و قدر). مثلاً در تفسیر این مفسر سوره سی و هفتم (الصافات) هرگز نبیا بدبسه عنوان یک عتاب و تحذیر تلقی شود بلکه بعنوان متنی پسر محتوی، زیرا این متن لزوماً کتفا بدین پنج حقیقت لاهوتی (الهی) را به مومنان خاطر نشان میکند. بدین ترتیب قرآن را نبیا بد بصورت تحول خطی یا تاریخی بررسی کرد بلکه میبایستی آن را چون واحدی کل انگاشت که هر یک از عناصر آن مویده و مصدق مجموعه است. این موضع نهایتاً تنها موضع منطقی است زیرا وحی قرآنی برای جامعه مسلمان "جامعی" را تشکیل میدهد.

برعکس بعنوان منشاء قانون، قرآن میبایستی برای حقوق دانان تحت جنبه‌ای غیر کلی مطرح میگردد. اوضاع محیط مکه‌ای و مدینه‌ای در جریان تکون منظومه‌های مختلفی که فقه را تشکیل میدهند خیلی فعال تر

و تعیین کننده تربود، منظور از کلمه فقه حقوق اسلام کسه برخی بدین شکل ترجمه میکنند نیست بلکه مجموعه قواعد و عاداتی است که امور زندگی مومن را تنظیم میکند؛ این امور عبارتند از: انجام مراسم مذهبی، اساس کارهای شخصی و خانوادگی، حقوق مدنی و بازرگانی، حقوق جنائی و نهاد های حکومتی. درجا معهای همانندجا معهای که محمد بنیاد نهاد - یعنی جا معهای که تما ما بر تقلید از پیا مبر مبتنی است - میتوان پی برد که در نخستین نسل های اسلام - مراجعه بقرآن و سنت برای تکون منظومه های حقوقی حائز اهمیت بزرگی بوده است. در این جا نیز بحث ما عبادت خواهد بود از این که خصلت منابع تهیه شده وسیله وحی و "تقلید از محمد" را که احادیث روشن میسازند دریا بیم. سوره های مکه ای مسلمانان را برای تعریف و تعیین برخی آداب و بویژه آداب نماز فراهم میاورند. معذک، سوره های مدنی هستند که شامل اطلاعات اساسی مربوط به فقه میباشند. دقت این اطلاعات بیک درجه نیست. بطور کلی این اطلاعات بیشتر نقش یک ضابطه یا چهارچوب را بازی می کنند. در زمان حیات محمد و راه عنوان هادی و مشاور شناخته و از گفتار و کردار او بعنوان یک نمونه پیروی میکردند. در این مقال سوره دوم موسوم به البقره با تعیین روزه ماه رمضان در یک عبارت مثال بارزی برای خط مشی مسلمان است.

سوره دوم آیات ۱۸۳/۱۷۹ - ۱۸۴/۱۸۵ - ۱۸۵/۱۸۱

۱۸۲/۱۸۶ - ۱۸۳/۱۸۷

ای کسانی که ایمان آوردید روزه بر شما واجب شده است. شما هر آن کسی که بیمار باشد یا در سفر باشد بتعداد این ایام روزه خواهد گرفت. کسانی که نمیتوانند روزه بگیرند ولی آن را رعایت نمیکنند یا ز خرید روزه و اطعام یک فقیر ضرور است. کسی که با رغبت احسانی بیشتر روا می دارد برای او نیکوتر است. روزه گرفتن برای شما خوب است! البته اگر بدان پی برده باشید.

روزهای معدود را روزه بگیرید! پس در میان شما هر آن کسی که بیمار باشد یا در سفر باشد بتعداد این ایام روزه خواهد گرفت. کسانی که نمیتوانند روزه بگیرند ولی آن را رعایت نمیکنند یا ز خرید روزه و اطعام یک فقیر ضرور است. کسی که با رغبت احسانی بیشتر روا می دارد برای او نیکوتر است. روزه گرفتن برای شما خوب است! البته اگر بدان پی برده باشید.

ماه روزه ماه رمضان است که در آن وحی به عنوان هدایت مردم و نشانهای از هدایت و نجات نازل شده است. هر آنکس که با دیدگان خود ماه نورا رویت کرد یا بدین ماه را روزه بگیرد! هر کس در میان شما بیمار شود یا در مسافرت بود بتعداد ایام برابر روزه خواهد گرفت: خداوند خواستار آسایش شماست و ناراحتی شما را نمیخواهد. این دوره روزه را پایان رسانید!

خداوند را بمناسبت هدایتی که بر شما ارزانی داشته تکبیر کنید! شاید سپاسگزار شوید.

وقتی که بندگان من درباره من از تو پرسند بدانها بگو که من با آنان نزدیکم و بهندای

کسیکه از من خواهشی داشته باشد پاسخ میدهم هر آنوقت که خواهش کرد! بایده من پاسخ دهند و بمن بگردند! شاید ارشاد شوند.

در طول شب رمضان ملاطفت با زنان را بر شما حلال ساختیم (۰۰۰) بخورید و بیاشامید تا لحظه‌ای که با مداد نخ سیاه از نخ سفید متمایز میگردید پس از آن تا شب روزه باشید. با آنها هنگامی که در مساجد هستید مباشرت نکنید.

در قرآن عثمان "قاعده" اصلی همیشه بدین قاطعیت بیان نگردیده است. دو حالت نمونه را خاطر نشان میکنیم یکی در سوره "النور" مربوط با آنها به زنا و دیگری در سوره شمت و پنجم موسوم به "الطلاق"، در متن اخیر که در اواخر رسالت در مدینه به پیامبر وحی شده مقررات مربوط به "دوره انتظار یا عده" است که برای زن مطلقه قبل از ازدواج مجدد بیان گردیده اند. این متن قانونی اساسی بدنبال چندین وحی دیگر آمده است که غالباً خیلی کوتاه بوده و مربوط می‌شوند به قواعد و احکامی مربوط به انحلال ازدواج و تحریم یکی از اشکال و قواعد آن که زیاد تحت تاثیر بت پرستی قرار داشت (سوره دوم آیات ۲۲۶، ۲۳۲، ۲۳۸/۲۳۷ - ۲۴۲/۲۴۳. سوره سی و سوم ۴۸/۴۹ سوره پنجاه و هشتم ۲ - ۴/۳).

وضع اخیر نشان میدهد که علمای حقوق و فقه در استنباط و تگون شریعت و احکام خود تا چه حد مجبور بوده اند

که از اوضاع و حوادث اتفاقی تجا و زنا پندتا در نتیجه بتوانند به قانون بندی ممکن الاجرای موقعیت‌هایی که در عصر محمد قابل پیش بینی نبودنایل آیند. در این جا نیز مثالی چندگانه است که نشان دهند قرآن عثمان در آغاز چه مصالحی در اختیار علمای قوانین مذهبی - که در حجاز عراق و جاهای دیگر در باره قانون کار می‌کردند - قرار میداد. در سوره شانزدهم موسوم به النحل - که از وحی‌های مکه‌ای و مدینه‌ای تشکیل گردیده - احسان‌های خداوند نسبت به مخلوق ذکر شده است.

#### سوره شانزدهم آیات ۶۷/۶۵ و ۶۹/۶۷

خداوند از آسمان آبی فرستاده است که به وسیله آن زمین را پس از مرگ آن حیوانات مجدد میدهد. در حقیقت در این جا نشانه‌ای برای ملتی وجود دارد که دارای گوش شنواست (۰۰۰)

شما از میوه‌ها از درختان خرما و انگور مشروب می‌نوشید و مستی آور و غذائی لذیذ استخراج میکنید. در حقیقت در آن نشانه‌ای برای ملتی که تعقل میکند وجود دارد.

در عبارت "مشروب مسکر" "مفسر سنتی" تعبیری واسطه‌گرانه و معدل اتخاذ کرده: بنا بر این تفسیر در این جا منظور "شراب خرما" است که یکی از مکاتب فقهی آنرا

مجاز دانسته . علمای فقه اسلامی مجبور شدند سه عبارت دیگر را در تقرب به متن قرآن و درک آن منظور دارند که در آن عبارات تحریم مشروبات تخمیری متدرجا قطعی میگردد در یکی از این عبارات مسئله بر سر این است که نماز در حالت سکر باطل است (سوره چهارم ۴۳/۴۴) در دو عبارت دیگر بر عکس تحریم بصورت زیر قانون بندی شده است :

سوره دوم ۲۱۶/۲۱۹

سوره پنجم ۹۲/۹۰ - ۹۳/۹۱

ای پیامبر! از تو درباره مشروبات تخمیر شده و بازی قمار سؤال میکنند بآنها بگو :  
"در هر دو مورد برای انسانها گناهی بزرگ و منافی وجود دارد ولی گناهی که در آنهاست بیش از سود آنهاست .

ای کسانی که ایمان آورده اید آشا میدنی های مخمر و قمار را ایستادن اجاز (برای ستایش) و فالگیری چیزی بحز آلودگی و پلیدی حاصل از عمر شیطان نیست . از آن به پرهیزید . با شد که سعادتمند شوید .

شیطان با مشروبات مخمر و بازی قمار همدنی جزایجا دخصومت بین شما و با زدا شدن شما از عبادت خدا و نماز ندارد . آیا آنرا ترک خواهید کرد؟

ملاحظه می شود که این متون عالم حقوق را به بسازی کردن با قاعده "ناسخ و منسوخ" کشانده است (۱) . پس از این قضیه میبایستی معین کرد که آیا تحریم جزئی است یا مطلق و این قضیه بر حسب مکتب های مختلف تغییر میکند .

تنظیم اصول و قواعد قضائی و حقوقی مربوط به تقسیم غنیمت جنگی خیلی دقیق تر بود . در زمان حیات پیامبر طی رسالت در مدینه ، مواردی مختلف از طریق الانفال محتوی سه متن مهم با عمل کرد مختلف است . یکی از آنها بوضوح اعلام میکند که آنچه در جنگ گرفته شود ملک مشروع است (آیه ۷۰/۶۹) متن های دوم و سوم طوری قانون بندی شده اند که انسان تصور میکند بین آنها تناقض وجود دارد .

سوره هشتم آیات ۱ - ۴۲/۴۱

ای پیامبر! مومنان درباره غنیمت از تو میپرسند . پاسخ بده : "غنیمت از آن خدا و رسول اوست . نسبت به خدا پرهیزگزار باشید! (...)

بدانید از غنیمتی که اخذ میکنید یک پنجم آن متعلق به خدا و به رسول به نزدیکان او و به یتیمان به فقیرها به مسافرا گریه خدا و به

احکامی که بر رسول نازل کرده به روز قیامت و روز تفکیک حق از باطل پیروزی که دو گروه با هم ملاقات کردند ایمان دارید (۰۰۰)

در حقیقت ملاحظه می شود که این دو عبارت متمم یک دیگرند. بنا به شرحهای (تفسیرهای) مورد قبول آیه ۱ (یکم) مربوط به تقسیم غنیمت پس از جنگ بدر است؛ این تقسیم نه تنها مورد علاقه جنگجویان بلکه مورد علاقه اعضای جا معه است. در آیه ۴۲/۴۱ لحن کلام به موقعیتی کمی بعد مرجوع میشود؛ در این جا تقسیم غنائم هم به خزینه عمومی مربوط است و هم به گروههای متعددی که ذوی الحقوق میباشند. پس از انتزاع عبارات سوم و چهارم - که مربوط به اعلان پیروزی و تصرف آئینده است (سوره سی و سوم آیه ۲۷ و سوره چهل هشتم آیات ۱۸ - ۲۰) - به آخرین متن میرسیم

در سوره پنجاه و نهم بنام "الحشر"

آنچه را که خدا بعنوان غنیمت از آنها (جماعت بنی النضیر) بر رسول خود ارزانی داشته شما برای تحصیل آن نه اسب و نه شتر تهیه نکرده - آید (۰۰۰)

آنچه را که خدا بعنوان غنیمت از جماعت شهرها بر رسول خود ارزانی داشته متعلق به خدا به رسول به اقربای رسول، به یتیمان به فقرا به مسافرمیباشد تا اینکه آن غنیمت در میان

اغنیا و ثروتمندان گردش نکند. آنچه را که رسول بشما داد بگیرید! آنچه را که بر شما تحریم کرده تحریم کنید. نسبت بخدا پرهیزگار باشید! خدا مکافات مهیب میدهد.

متن اخیر در آیه هفتم شامل اضافه ای بمنظور هم آهنگ ساختن آن عبارت با سوره هشتم است. معذک، ایمن عبارت میبایستی در بین قضاات اختلاف نظر بوجود آورد. تعبیر متفوق و غالب مورد قبول چنین است که این آیه سه مربوط به اخذ از طایفه یهودی بنی النضیر نیست (۱) بلکه مربوط به تملک اموال یهودیان دیگری که در شمال مدینه در واحه خیبر بودند - بوسیله جا معه مسلمان در سال ۶۳۰ می - باشد. برپایه این متن بود که مجموعه قواعد اساسی مربوط به اخذ خمس و تقسیم آن به حقداران - که تعداد آن روز افزون بود - و هم چنین اساسنامه اموال عقاری که بعدها از مردمی که تسلیم اسلام میشدند بدین می پیوستند اخذ میشدند و بین گردید.

در مواردی که قبلا - بعنوان مثال - ذکر کردیم روشن است که عبارات قرآنی جوهر اساسی ساخت قضائی میباشند که با منابع سنت تکوینی یافته اند.

معذک، مواردی را میتوان در میان موارد دیگر ذکر کرد که در آن با پدیده ای معکوس پدیده قبل مواجه می شود - یم یعنی به ساختی برخورد میکنیم که اساس آن اخبار سنتی



و عادت محمد است، این مورد حالت نماز است که هر مسلمان میبایستی پنج بار در هر روز در ساعات معین پس از اینکوه وسیله وضو در وضع تقدیس قرار گرفت بدرگاه خدا بگزارد، البته جهت نقطه جغرافیائی که نمازگزار میبایستی بهنگام نماز بدان رو کند روشن و دقیق است.

در سوره دوم البقره آیات ۱۴۳/۱۳۸ - ۱۴۶/۱۴۱ چنین بیان میکنند که نمازگزاران بهنگام نماز نمیبایستی بطرف اورشلیم بلکه باید بطرف مکه و کعبه رو کنند. قرآن هم چنین تصریح میکند که صورت قصر و استثنائی این وظیفه مذهبی در زمان جنگ و در مواجبه با دشمن چگونه است. (سوره دوم ۲۴۹/۲۴۰ - سوره چهارم ۱۰۱/۱۰۲ - ۱۰۳/۱۰۴) با لایحه هفده عبادت کم و بیش مفصل مربوط به وظیفه نمازگزاری - چه انفرادی و چه اجتماعی - از قرآن استخراج می شود: هر چند در چند جا تصریح میکنند که نماز میبایستی روزانه در چندین دفعه انجام گیرد و نیز معین میکنند که نماز باید در فجر با مداد و غسق شامگاه و بهنگام شب اجرا شود (سوره یا زدهم آیات ۱۱۴/۱۱۶ - سوره هفدهم آیات ۷۸/۸۰) در عوض در هیچ جای قرآن - بطور صریح و قاطع - گفته نشده است که تعداد دفعات نمازهای مذهبی روزانه پنج است و که هر نماز به یک رشته مجزای "مواقف" ایستاده، رکوع و سجود تقسیم شده است. بنابراین با مراجعه به عمل محمد است که جزئیات فریضه و مراسم نماز با چند روایت تقریباً متشابه بدقتی که اهمیت آن در رسالات فقه خاطر نشان شده معین گردیده است. طبیعتاً این سوال پیش می آید که آیا در جوامع الاحادیث (۱) میتوان مسیر و

اثر تحول مراسم نماز را پیدا کرد؟ البته این مجموعه های حدیث اطلاعات خیلی مختصری - در این مورد - در اختیار، ما میگذاردند مثلاً توضیح منقول وسیله عایشه زوجه محمد که بما می آموزد: "هنگامی که خدا نمازها را دستور داد هر یک را دور کعبت مقرر کرد - چه در شهر و چه بهنگام سفر - نماز مسافرت بصورت خود باقی ماند و نماز شهرتفصیل یافت."

در میان متون موجود - از همه آموزنده تر - متنی است که در تمام مجموعه های حدیث وجود دارد. این متن شماره نماز روزانه را پنج معین میکند.

این متن در مجموعه احادیث النجاری (صحیح) بصورت عجیب زیر بیان شده است.

این حکایت وسیله شخص محمد نقل گردیده:

"سپس ملک مرا برداشت و برجائی بلند هدایت کرد (معراج) که از آنجا صدای قلم های کتاب ملکی را می شنیدم (در حالیکه فرامین الهی را ثبت میکردند) (۰۰۰). خدا برای امت من پنجاه نماز مقرر کرد (در روز) بهنگام مراجعت از کنار موسی گذشتم:

"موسی از من پرسید خدا برای امت تو چه فرمانی داد؟ - او بمن دستور داد پنجاه نماز. - موسی گفت نزد خدا برگرد زیرا امت تو قدرت تحمل آن را نخواهد داشت." پس من بلافاصله بنزد خدا مراجعت کردم که شماره آن را به نصف تقلیل داد. سپس هنگام مراجعت و عبور از جلوی موسی بدو گفتم: "شماره نماز به نصف تقلیل یافت. باز موسی گفت نزد خدا برگرد زیرا امت تو توان تحمل آن را نخواهد داشت." بنزد خدا صعود کردم که بمن گفت: "پس پنج نماز خواهد بود

که در نظر من ارزش پنجاه خواهد داشت، زیرا از آنچه که در حضور من گفته شده هیچ چیز تغییر نخواهد کرد". من با زبیسوی موسی با زآمد که بمن تکرار کرد: "بسوی خدا با زگرد".

ولی پیامبر از مراجعت بدلیل تسلیم و خضوع نسبت به خدا امتناع کرد. بدین ترتیب شما ره نمازها برای ابد ضبط گردید. این حکایت، همانظوری که ملاحظه می شود، به مجموعه اطلاعاتی منضم گردیده که مربوط به مسافرت شبانه ای است که در پی آن معراج پیامبر مبروقوع پیوست. معراجی که نقطه عزیمت آن در آیات اول سوره هفدهم داده شده است. کتاب سیره النبی این واقعیت فراموش نشدنی و تاریخی را در نخستین سالهای رسالت در مکه قرار میدهد. علمای فقه از این تأییدچنین استنتاج کرده اند که جزئیات مراسم نماز بدین عمر میرسد. مظهر حکایت، سادگی آن که کاملاً جنبه توده ای دارد دخالت موسی در تعیین یک وظیفه اساسی برای مسلمان متن را در ستایش عام بنیان گذار اسلام قرار میدهد که در این جا با یاد متذکر شد با ردیگر بعنوان اصلاح کننده قوانینی که قبلاً الهام شده و بعنوان شفیع (کفیصل) در برابر خدا برای هر چه که مربوط به سعادت امت او باشد متجلی میشود. بیاری تایید و حمایت توأم قرآن و سنت در باره تعیین نماز، عمیق ترین حقیقت آنچه را که تکلیف قانون اسلامی و همچنین شرایطی را که در آن سیستم های فقهی موفق به شکل گردیدند، درمی یابیم اشتباه است باور کنیم که قرآن و سنت توانسته باشند از عهده حل مسائل متعدد حقوقی یا عقیدتی - که در اثر تحول اسلام در جریان تاریخ خود پیش آمده - برآمده باشند.

فقهای مسلمان در برابر نیازهای زندگی اجتماعی - که پیوسته تجدید می شود و غالباً غیر قابل پیش بینی بود - مجبور شده اند که به منابع اساسی فقه یعنی قرآن و سنت یک معیار شرعی و قانونی بر اساس استنتاج قیاسی یا استقراء شخصی بفرمایند. بدیهی است در این مسیر سعی بر آن بوده - و هرگز از نظر دور نبوده - که نتایج حاصل نمی بایستی با روح سنت و دستورات کلی قرآن منافات و تضاد داشته باشد. معذک، ملاحظه می شود که مراجعه به عملیات از مرتبه منطقی یا عقلی محض ابراز شجاعتی را نیز مستلزم بوده است که اندیشمندان متعلق به معنای دقیق بدین عملیات متوسط نشده و یا آن را با اشمئزاز و اکراه پذیرفته اند. علی ای حال در مسئله مورد بحث از حد "واقعیت قرآنی" تجاوز شده است. حقوق دانان و علمای الهیات به میدان دیگری داخل شده اند که در آن با اطمینان کمتری پیش می روند و خیال می کنند محتاطانه گام بر میدارند. البته اگر چنانچه دخول بدین میدان برایشان ندامت ببار نیاورد. در این مقال بهترین نمونه را میتوان شیخ محمد عبده (۱) و تمام کسانی که حیثیات مجدد اسلام را وابسته به مراجعه به روح و به متن محض قرآن و "تقلید از محمد" تبلیغ کرده اند ندانست.

## فصل هفتم

### قرآن در زندگی و جامعه اسلامی

در جوار مقامی که میبایستی برای قرآن و "واقعیت قرآنی" در اندیشه و فرهنگ اسلامی قائل شد، شایسته است به تمام آنچه که از حساسیت فردی یا جمعی مدیون پیامی است که بعنوان پیام الهی ملحوظ گردیده توجهی خاص معطوف گردد. در جریان سیزده قرن، جهان اسلام - بطور مداوم - نقش عوامل عاطفی با منشاء مذهبی را تقویت کرده است. اینکاری از طریق تلفیق آنها با شرایط جدید زندگی و با افزایش تسلط بعضی از آنها با انجام مراسم انجام گرفته است. برای ایجاد نظم در تکثر طواهر عارضی که مشتق از اعتقاد مطلق به منشاء الهی و "غیر قابل تقلید بودن" قرآن است ابتدا نوع تسلط قرآن را بر مومن سپس عکس العمل‌های دسته جمعی را نسبت به تاثیر عمیق "واقعیت قرآنی" - طی نسل‌ها - و بالاخره مسائلی که در عصر حاضر بوسیله کم و بیش انکاری اطاعت از مذهبی مطرحند، که نخستین سنگ بنای آن قرآن است در نظر میگیریم.

آنچه که در جامعه اسلامی بیش از هر چیز جلب توجه میکند، نفوذ عمیق قرآن در فرد مسلمان چهره و چه مورد است. توضیح این واقعیت را در تاثیر عمیق و تدریجی قرآن در کودک - از هر منشاء و طبقه‌ای که باشد - باید جست. این

تلقیح برای مسلمان از پنج یا شش سالگی آغاز میشود. و به طور متوسط از شش تا هفت سال طول میکشد و در بسیاری از جوانان از این مدت هم بیشتر. بعلاوه انواع و اقسام عوامل به تشدید آن تا شکر کمک میکنند. مثلاً کودک اطراف خود احساس می‌کند که نسبت بقرآن احترامی خاص مبذول می‌شود و نیز می‌بیند که معلمان قرآن و یا قرآن‌شناسان حیثیتی مشخص در جامعه دارند و غیره. سپس بهمان نسبت که سن او بالا می‌رود خود را بیشتر تحت تاثیر واقعیت قرآنی احساس میکند. بهنگام داخل شدن بمدرسه تمام این موقعیت‌ها - کوچک و بزرگ - روشن و مرموز با آموزش قرآن همراه شده و شرایط پرتا شیری را در او ایجاد میکند.

البته این را باید گفت که میبایستی بدین کودک - یعنی به مومن آینده آموزش قرآن داده شود که بر حسب محیط یا شرایط ابتدائی، جزئی و یا کامل و عمیق بوده باشد. در زمانانی نیست که در سراسر جهان اسلامی و به سبب اکثریت وسیع کودکان از حفظ آموزی سوره‌های اساسی قرآن پایه تحصیلات را تشکیل میداد، هنوز از خاطره‌ها محو نشده است که نزد عشایر، معلم قرآن در یک چادر یا کلبه‌ای محقر بتدریس قرآن می‌پرداخت و در شهرها تدریس قرآن در سالنی کوچک مفروش بحصیر انجام میگرفت. از چهل سالگی پیش با این طرف تحت تاثیر جریان‌های تقدم و تجد بدون شک در این آموزش - که سنگینی با رگدشته را احساس می‌کرد - تحولی بوجود آمده است. در جوامع مدرسه قرآنی (مکتب) سنتی، آموزش جدید - وابسته بتعلیمات ابتدائی - توسعه یافت بقسمی که مطالعه قرآن دیگر هدف منحصر بفرد تربیت

شاگرد بین سن پنج و دوازده سالگی نبود. کم‌کم مکتب و سازمان قدیمی آن روبه محوشدن گذاشت. معلمین دیگر آن ادبای مسکینی که موضوع مضحکه برخی از نویسندگان قرون وسطی بودند نمی‌باشند. تقریباً در همه جا سازمان‌هایی برای تهیه وسایل تربیت آنها تشکیل گردیده است. وسایل معاش آنها دیگر وابسته به سخاوت والدین اطفال نیست. در عوض سیستم تربیتی تغییر نکرده است. حافظه - همچنان - ابزار اساسی اکتساب و احراز کتاب آسمانی مانده. این کتاب - در واقع و بطور کلی - توشه‌ای مذهبی را تشکیل میدهد که باید در روح کودک و سپس در روح جوان بالغ مندمج و عجین گردد. البته کتاب نیز در آموزش قرآن دخالت میکند و لسی فقط بعنوان خادم و کمک حافظه؛ مثلاً وقتی که طلبه در اکتساب قرآن بقدر کافی پیشرفت کرد برای خودش متنی را که از حفظ آموخته ملا می‌کند. نظم و توالی سوره‌های قرآنی برای طلبه برای کسب قرآن ثابت است. در این جا قدرت سنت بوسیله تجربه تقویت یافته است. هدف آموزش و پرورش از آغاز اسلام - تهیه متون قرآنی محتوای قانون ایمان و شالوده اعتقاد برای نومسلمانان و سپس برای کودکان بوده است. امروزه - همانند پیش از هزار سال قبل - شاگرد بهنگام ورود بمدرسه قرآنی قرآن را مطابق نظم قرآنی عثمانی آغاز نمی‌کند. بلکه ابتدا سوره فاتحه را شروع می‌کند. نماید سپس سوره‌های کوتاه آخر قرآن را دنبال میکند و بعد به اول قرآن بازمی‌گردد. با این اسلوب ولو اینکه شاگرد در آموختن قرآن زیاد هم پیش نرود، معذک، متون اصلی را که تدوین کنندگان عقیدتی هستند می‌آموزد مثلاً چهار

آیه تشکیل دهنده سوره الاخلاص

سوره صدودوازده آیات ۱ - ۲ - ۳ - ۴

بگو: "او خدای یکتاست

خدای بی نیاز

نزاده و زائیده نشده است

هیچکس عدیل او نیست

برای اینکه شاگردی - با استعداد متوسط - به شناخت محکمی از مجموعه قرآن دست یابد هشت تا ده سال وقت لازم است. برای حفظ این شناخت مجبور به تکرار است که - بدین وسیله - از حفظ خوانی و کتابت توأم با اواری یاری میکنند. البته از این گونه طلبه زیاد نتوان یافت، غالباً کودک پس از آموختن هشت یا ده سوره از حفظ در تربیتی که ذکر کردیم متوقف میشود. سرمایه علمی او همین خواهد بود. بسا اتفاق می افتد که این اندوخته در حافظه با گذشت زمان رو بضعف میرود. ولی آنچه که باقی میماند کافی است که انسان را معتقد کند که از طریق قرآن به جا معنای وابسته است که افتخار میکند دستور العمل زندگی را در وحی قرآنی یافته است. عدم اکتساب مبانی ان وحی بوسیله حافظه به عنوان یک فقدان تلقی میشود. در این مقال میتوان در مشرق زمین و آفریقای شمالی سالمندانی را در نظر گرفت که بهنگام کودکی تعلیمات قرآنی را فرا نگرفته و معذک، محبور شده اند چند سوره کوتاه برای اندماج و الحاق خود در

کا در اسلام از حفظ کنند. بدین ترتیب آنچه را که تلقیح و تشبع قرآنی برای فرد مسلمان داراست محرز و تثبیت میگردد. بهر حال - و هر چه هم علیه این تعلیم و اسلوب های قدیمی آن بگویند - این تعلیم و روش های آن بمنزله تضمینی است که بوسیله جا معه مسلمان نسبت به وحی و اصله بوسیله محمداتخاذ شده است. و از آن جا، نسل اندر نسل این احساس تداوم پیا فته است که متن دریافت شده از ناحیه الوهیت جزء لاینفک و مندمج در وجود (هستی) میباشد و نیز جوهر حیاتی آن است و که این وحی هرگز و مطلقاً بعنوان وجودی بیجان - و بیگانه با وجدان - در یک کتاب مضبوط نیست.

آنچه که برای هر مومن باقی میماند عبارتست از درک متن قرآنی، بنا بر اصول تربیتی جاری معلم مدرسه - در آغاز آموختن قرآن بشاگرد هدفش تفهیم معنای متنی که بکودک میآموزد نیست، ولی وقتی که نوآموز به از حفظ خوانی قرآن بر طبق اصول و قواعد جاری و رعایت مکث های متداول آشنا شود و وقتی که به کتابت بر حسب املائی سنتی دست یافت پی ریزی لازم برای اجرای برنامه بعدی شده فراهم است. در لحظه ای که جوان طلبه و سپس مرد بالغ می خواهد در راه فهم آنچه که از حفظ آموخته پیش تر برود مسئله کاملاً دگرگون ترمی شود. سهم فرهنگ سنتی در این کار زیاد دو سنگین است زیرا این فرهنگ طلبه را در وضعی می نهد که سراسراً احترام به گذشته است. بلافاصله در جنب تحصیل متن قرآنی ضوابط دیگری که این مطالعه در جنب تکمیل میکنند لازم میگردد. به صرف و نحو، ادبیات عرب بیان و بلاغت توجه خاص مبذول میگردد.

ب قسمی که گاه مطالعه قرآن در درجه دوم اهمیت قرار میگیرد. معذک، با صراحت میگوئیم که قرآن نخستین سنگ بنای فرهنگ را تشکیل میدهد. بویژه اگر طلبه هدفش احراز تخصص در علم فقه باشد. دست رسی به فرهنگ انسانی در اسلام تحت ضمانت قرآنی است و این ضمانت مخصوصا با شورو قاطعیت استوار میگردد بدان جهت که فکر متجسس مدوام میکوشد تا موضع خود را بر پایه "ستت" معین و مشخص کند. اگر طلبه بخواهد معرفت خود را از قرآن عمیق تر و فعال کند در دریای تفسیر بساحت میپردازد و از آن جا، بر حسب قدرت شخصیت و نیروی عقلی، کم و بیش به افکار متقدم متوجه خواهد شد.

وضع عوام الناس - یا بهتر بگوئیم اکثریت قریب با اتفاق کسانی که نسبت به تعمق در فرهنگ قرآنی بی تفاوت و بیای اعتنا هستند - بفرنج تر و دقیق تر است، احترام نسبت به قرآن مبتنی بر احساساتی است که نیازی به تعیین و شناخت آن احساس نمی شود. خوف های ناشی از خرافات بدان مخلوط می شوند یعنی با احترامی که نسبت بسنه آنچه که بصورت مکتوب عرضه می شود مقام مسلمی دارد. ابهام نقشی که - مخصوصا در نواحی روستائی - به کسانی که قادر بوده اند آیات قرآنی را بنویسند یا از حفظ بخوانند احاله شده با ایجاد و حفظ محیطی سحرآمیز بیگانه نیست. واقعیت شگفت این است که نوآموز پس از پایان دوره آموزش قرائت قرآن خاطره دشواری ها را حفظ نمی کند. همه آنچه را که طی دوره تحصیل قرائت قرآن دیده و احساس کرده - مثلا بازی های کودکانه، اعیان دنیم خانوادگی و نیم دسته

جمعی که در پایان هریک از مراحل تحصیل قرآن برگزار میگردیده - اینها همه در خاطر او و بخوشی زنده میمانند. تذکرات این ایام گذشته با تذکرات سراسر جوانی او درهم آمیخته و زمان ماضی در زمان حال زنده می شود. و بدین ترتیب - تلقیح و تشبعی را که مورد قبول همگان است، تقویت می نماید، مگر اینکه کودک مورد بحث از فکر و روحیه دیگری برخوردار باشد.

این تلقیح و تشبع فردی که مولود "واقعیت قرآنی" است در سراسر حیات مومن در سطح دسته جمعی و اجتماعی بوسیله: عادات و سنن متعدد، انجام مراسم عبادت و تجویزات مذهبی تقویت میشود.

هر روز - در جریان ادعیه قرآنی - مومنان مؤظفند پشت سر امام جمع شوند و متنی کوتاه از قرآن را از حفظ بخوانند. ریشه این مراسم مذهبی به عصر پیامبر باز میگردد و بر عبارتی از قرآن متکی است که تفسیری عجیب دارد و در سوره هفدهم (آیات ۷۸/۸۰) جای گرفته. از حفظ خوانشی سوره "الفاتحه" (۱) بوسیله حدیثی تجویز شده ولی متون دیگری از قرآن نیز میتواند در انجام فریضه نماز وارد شوند. عظمت مراسم نماز دسته جمعی جمعه و معنا و اهمیتی که در جریان قرن ها به این تظا هر وحدت روحانی در اسلام داده شده و بالاخره آن خصلت رسمی که در تمام اعصار در مراکز بزرگ - بر اثر حضور مقامات دولتی - ایجاد نموده مقام اساسی زبان قرآنی را در حیات دسته جمعی استوار میکند. برخی از



سوره‌های قرآن، بویژه سوره‌ای که "یس" نام دارد (سوره سی و ششم) بعلمت موقعیت‌هایی که طی آن، قرائت قرآن آنها در زندگی انسان دارند موضوع احترام می‌استثنا - ثی هستند. مثلاً سوره سی و ششم متنی است که معمولاً برای کسانی که در روضه احتضار می‌باشند خوانده می‌شود.

بعلاوه در زندگی مذهبی دورانی وجود دارد که طی آن - در جامعه شهرنشین اسلام - قرآن دارای نقش روحانی عظیمی بوده و نیروی تاثیر دسته جمعی خود را بر ملامی سازد. طی ماه رمضان، قرائت انفرادی با انتظار مودقتی بیش از معمول انجام می‌گیرد. وانگهی، بنا بر عادت که ریشه آن به عصر محمد میرسد جزواتی کامل از کتاب آسمانی - در ضمن دعای بعد از نماز شب - قرائت می‌شود. این مراسم بسیار عظیمی است که در پی پذیرد و بنا بر شعاری که بر حسب مکاتب فقهی فرق می‌کند تا نماز صبح طول میکشد. این دعاها طبیعتاً بوسیله توقف‌هایی که تراویح نام دارد قطع می‌گردند. تراویح نامی است که به مجموعه مراسم عبادت رمضان داده شده است. این ولع به عبادت در قاهره که همراه قرائت دسته جمعی است بوسیله ژنی، ژومیه (در مجموعه موسسه دومی‌نی‌کن تحصیلات شرقی، قاهره ۱۹۵۶، جلد سوم، ۱ تا ۷۴) (به فهرست منابع آخر کتاب مراجعه شود) بررسی شده است، ولی این تظاهرات پارسیانه دسته جمعی در تمام مراکز بزرگ اسلامی عمومیت دارد.

اکنون که بدین جا رسیده‌ایم، مجاز است درباره احترام و عبادتی که نسبت به قرآن معمول می‌گردد صحبت کنیم. قرآن - در آن واحد - هم بعنوان وحی نازل از طرف

خداوند است و هم کتابی است که دارای نیروی خیراتی یا تشفیی و استرضائی است. قرآن در زندگی حقوقی همانند کتاب مقدس در جامعه یهود - دخالت دارد. صور مادی قرآن نسخه‌هایی که از آن تهیه می‌شود تقدس دارند. همان‌طور که آیه ۷۸/۷۹ سوره پنجاه و ششم میرساند فقط ظاهری می‌توانند آن را لمس کنند. البته سوگند به قرآن یا در کردن بوسیله مکاتب فقه تجویز شده است. ولی اعتقاد توده‌ای از این حد هم تجاوز نمی‌کند. برخی از اجزای متن آسمانی - که با قطع خیلی ریز تهیه شده‌اند - بعنوان بازوبند بکار می‌روند و تکنیک جدید موفق شده است که برای مردم قرآن‌های بسیار کوچک - برای آویختن بگردن - بسازند. بدین سان در طلسم‌سازی کلمات یا عباراتی از قرآن را داخل می‌کنند و با وارد کردن کلمات و عبارات دارای نیروی سحرآمیز و معجزه‌گر می‌باشند. مثلاً چندین حدیث مضبوط در صحیح البخاری این اعتقاد را تایید می‌کنند که برخی از سوره‌های قرآن دارای قوره و خاصیتی بر ضد چشم‌زخم و یا ضد جادو هستند. بنا بر حدیث قرائت چهار آیه از سوره الاخلاص به هنگام انشاد دعای شبانه برای مومن برابر است با قرائت ثلاث کتاب آسمانی. از این طریق سنت انجام شعاری از قبیل مراسم زیر را که بنا به البخاری بوسیله عایشه زوجه پیامبر نقل شده در اسلام تقلیدی مندمج می‌کند:

"پیامبر همه شب وقتی که بخوابد گاه میرفت دو دست خود را یکی کرده و بداخل آن میدمید و در

دستهای خود سه سوره توحید، الفجر والناس را میخواند بعد دست خود را به بدن خود میکشید به تمام اجزائی که دستش میرسید. از سر شروع میکرد و سپس صورت و سپس تمام قسمت قدامی بدن. اینکار را سه دفعه انجام میداد.

با ملاحظه انجام تشریفات بوسیله قاری - در لحظه ای که خود را برای بیان و تلاوت متنی از قرآن با آوای بلند آماده میکند - مسلماً با اعتقاد و مدرکات مذهب تری نسبت به کتاب مقدس مواجه میشویم. ابتدا قاری لحظه ای در تا مل مستغرق می شود، سپس مزا میر خود را با رعایت زیر و بم و تنغیم و مکت هائی که بدقت بوسیله علم تجوید معین گردیده انشا میکند. در این لحظه است که ما خود را در برابر قلمرو تقدیس و تقدس - که وجه اشتراک همه مذاهب است - می یابیم.

این احترام دسته جمعی و کهن نسبت به تنقیح عثمان (قرآن عثمان) - که وحی آسمانی را مخلص میکند - در هنر اسلامی برخی از جوه مشخصه خود را وارد نموده است. نقاشی تزئینی بعضی از متون قرآنی را چه با اسلوب معروف به کوفی - که بدلیل سادگی و بساطت هنری حروف مربع خود توانائی شگفت آوری را متجلی میکند - وجه به صورت انحناء و رنخ که کم و بیش با محسنات و زخارف مزین است - مورد استفاده قرار دارد. هنرمندان - بویژه بکثرت - بر جدار گنبد های مقابر آیتی از قرآن را که خدای ابدی و قادر متعال را با ظریه آورد منقوش ساختند مخصوصاً آیه موسوم به آیه عرش (آیه الکرسی) منسوخ از سوره دوم قرآن بکثرت استعمال شده است.

## سوره دوم آیه ۲۵۵/۲۵۶

خدا - که الهی بجزا و نیست - زنده است و پاینده. او ما خود خواب سبک و خواب گران نیست. آنچه که در آسمان و زمین است متعلق به اوست. کیست آن کسیکه نزد او شفاعت کند جز اینکه با اجازه خودش باشد؟ او بر آنچه که بین دستهای مردم و درورا آنهاست آگاه است، در حالی که آنها نمی توانند برداشتن او و قوف یا بند مگر کسی را که خدای بخواهد. اریکه او بر آسمانها و زمین گسترده است. حفظ آن او را گران نیاید. او بلند قدر و بزرگ مرتبه است.

یکی از درخشانترین مظاهرا این دخالت قرآن در حیات معماری - بدون شک - مناره جام است که در گوشه های منزوی آسیای مرکزی کشف گردیده و قسمت تحتانی آن حامل منقوشی است که شامل متن کامل سوره نوزدهم یعنی سوره مریم است.

البته از کتابت - که از ابتدای اسلام به کتاب مقدس نذر گردیده - بدین جا مختوم نمیگردد. استنساخ قرآن وظیفه ای پارسا یا نه حساب می شود. سنت تا عهد می کند که خلیفه عثمان خود در انجام این وظیفه نمونه و مثال است. طی قرنهای نهمین و دهم و او شاخص متقی از او پیروی کرده اند. بیقین میگویند که یکی از علمای نحوی شهر کوفه موسوم به

الفراء (متوفی بسال ۸۲۲) هر سال وظیفه خود میدانست که نسخه و دستخط از قرآن به مکانی مقدس - بعنوان مال وقف - عادت پراحترامی میباشد. سلاطین بعنوان اکرام و احترام برای یکدیگر قرآن ها می اهدا میکنند که اصل و جلد آنها با طلا زینت یافته. نام خطاطان و خوشنویسانی چون یاقوت مستعصمی (متوفی در ۱۲۹۸) که قرآن مکتوب بخط او از نظر هنری شاهکار کتابت میباشد شهرت عام دارد. از آن جا نیکه نقاشی چهره آدمی و حیوانات - اساسا - در جهان اسلام ممنوع است نقش و تذهیب قرآن ها فقط شامل زخرف های گلی و زینت هایی در میان آیات و نوارهای کم و بیش مزین بصورت عریسه و خطوط مستعرجی در راس سوره ها میباشد و با لآخره صفحاتی از متن که در آن هنرمندان - ضمن حذف اثراتی که بعنوان ضاله شناخته شده - موفق گردیدند - هاند تنها بوسیله استعمال الوان ساده و مطلا شاهکارهایی بر ذوق و لطیف بوجود آورند.

این احترام دسته جمعی نسبت به متن مکتوب هم چنین شامل کسانی که آن را در حافظه نگه میدارند و یا از عهد آموزش آن برمی آیند نیز می شود. در مقیاسی وسیع، نقش تاریخی قرآن میبایستی مولود احترامی باشد که در جامعه اسلامی نسبت به تمام کسانی که بروحی معرفت داشتند معرفی میگردد. و هم چنین نینداریم که مفسرین (شارحین) اشخاصی هستند که ندای باطنی آنها - فقط - به کشف عقلی کلیه شرویت و غنای قرآن منحصر و محدود

میگردند بلکه - بدون شک - میتوان گفت که اینان انسان هایی هستند با حسن نیت و سرمست از این میباشند که حقایق کتاب آسمانی را در وجدان مردم اشاعه دهند.

نقش کلیه کسانی که به نحوی از انحاء تکریم و احترام نسبت به قرآن را توسعه میدهند و تا شید میکنند در عصر حاضر جنبه های تازه ای بخود گرفته است. مقامات مسئول دولتی کشورهای عربی اسلامی که اخیرا با استقلال رسیده اند متوجه شده اند که بهره برداری از ضبط صدا و پخش رادیوئی وسیله پرتوانی برای اشاعه معرفت قرآن و محتوی آن است. قرائت قرآن در برنامه های رادیوئی مقام وسیعی را اشغال میکند. و این قضیه باعث شده است که برخی سیستم های قرائتی مرجع گردند و در نتیجه مسئله تکثیر قرائت های قرآن مورد بحث قرار گرفته است. بالا - خره هر جا که در زندگی اجتماعی عبادت از حفظ خوانی آیات قرآنی جاری شده باشد بر عظمت طقوسیت (تشریفات مراسم) افزوده میگردد. دیگر مسئله بر سرانجام یک وظیفه روزانه نبوده بلکه تظاها را اعتقاد ایمانی است که مستلزم تامل و خلوص نیت است.

این اشاعه معرفت قرآنی نمی تواند - فقط - به عنوان تظا هر شور مذهبی باشد. بلکه شاید - و بویژه - پاسخی به برخی تهدیدها باشد که از طرف آنچه که ما تریالیسم توصیف شده تهیه گردیده است قسمتی از روشنفکران خاور نزدیک و افریقای شمالی در ایمان خود دچار نوسان شده اند. البته در طول تاریخ اسلام اندیشمندانی نیرومند بوجود آمده اند که "غیر قابل تقلید بودن" وحی قرآنی را

مورد تردید قرار داده یا نفی کرده اند. شا عر عرب المتنبی (متوفی سال ۹۶۵) - تحت تاثیرات قرامطه - بشکل معا - رضه ، قطعاتی منشورمقضى ساخت که تقلیدنا ما هرانهای از سوره های مکی است . کمی بعد شا عرفیل سوف المعمری (متوفی ۱۰۵۸) نیز کتابی به نشر مقضى تالیف کرده که در آن بدبینی و حکمتی را بیان داشته که مائدهء روحی گروهی از متفکران - چون خود او - گردیده . در این او اواخر علمی محمد موسس با بیگری ، در نظر داشت که در کتاب بیان خود وحی دریافت شده وسیله محمد را تکمیل کند و بدان جنبه روحانی دهد ، معذک ، این گونه تلاشها بخوبی بستگی اسلام را در طول سیزده قرن به مفهوم "غیر قابل تقلید بودن" قرآن نشان میدهد . فی آخر المطاف و بالآخره ایسن قطعات تقلیدی خود بمنزله احترامی است که بطور غیر ارادی و اضطراری نسبت به نمونه و مثالی ادا می شود که آرزوی نیل به سطح اعتلا و عظمت آن در خواب پرورده می شود . تقریباً از سی سال پیش به این طرف - در بعضی از جوامع اسلامی - رفتاری مشاهده میشود که هم متفاوت است و هم از نظر مقامات مذهبی و پیروان آنها خطرناک تلقی می شود . هنوز بدشواری میتوان اهمیت و عمق این نهضت را - که مبانی عقیدتی آن بمارکسیسم شباهت دارد - ارزیابی کرد . طرفداران این مشرب لاادریه در حقیقت در جبهه - گیری با قرآن عنصری از جوهریت و زادیکالیسم خود را کشف میکنند . هدف این زادیکالیسم خیلی وسیع تر است زیرا اصل ترکیبی جامعه عرب و اسلام را مورد بحث قرار میدهد . طبیعتاً حملات آنها علیه قرآن شدید است زیرا در آن مانعی

برای تادیب و تشقیف کودک بر حسب روش های معموله - به وسیله جامعه انسانی متحول - میابند .  
 هما نظور که میتوان حدس زد ا شا عه تعلیمات قرآنی - چه در مدرسه و چه وسیله رادیو و با لآخره چه بوسیله چاپ کتاب - مقابلهای علیه این جنبش است . مخصوصاً که این مقابله - در اصل - تلاشی است برای احیای فتور مذهبی و توسعه معرفت اسلام در تمام قشرهای جامعه ، رئیس - جامعه الازهر در ریک برنامه رادیوئی در ماه آوریل ۱۹۵۶ که در مقاله (ژمیه : رمضان در قاهره در ۱۹۵۶) ملخص شده تاکید می کرد که در قرآن درمان بحران فعلی جهان رami - توان یافت . بحرانی که با موج مادی خود دنیا را به یک جاهلیت و بت پرستی جدید کشانده است . چنین اشیات و تاکیدى بمشا به سنگ بنای دفاعی و اثباتی دین و قرآن از زمان شیخ عبده تا حال میباشد . این اعتقاد را سخ م - ورد تائید مفسرین (شارحین) معاصر - متعلق به کلیه اتجاها ت و تجدد خواهی آنها نیز - میباشد . البته این اعتماد به دوام و خلود "واقعیت قرآنی" و به کاربری و کفایت آن به تائیداتی که بوسیله شور و ایمان و اعتقاد املا شده باشد منحصر نمیگردد . میدانیم که فکر قسمتی از روشنفکران شرق و افریقای مسلمان تا چه حد فعال و نیز مشتت است : فکر تجدد طلبان مکتب "منار" و فکر "اخوان مسلمین" . اینان در مقابل شجاعت جریان لادری و ضد قرآنی با تاکید و اعتقاد پاسخ میگویند . اینان بر مبنای سادگی فرضی صدر اسلام - و بویژه با ایدآل پارسایانه ابوذر (متوفی به سال ۶۵۲) - تشبیت میکنند که قرآن میتواند برای تربیت

یک جامعه که در آن نابرابری اجتماعی از بین رفته و مشخصات ویژه یک رژیم بدون طبقه - که مارکسیست ها تصور میکنند - پایه و اساس باشد . م. ردنسن : این مطلب را مورد بررسی قرار داده است . ارتدکسی سنی بدون تامل این پیشنهادهای افراطی و خطرناک معرفی ساخته . معذک ، روحیه و فکر مولد احیای این نظرها مورد لعن و تقبیح قرار نگرفته است . بعلاوه ارتدکسی سنی میکوشد تا وسیله ای جد وسط پیدا کند و اصل اجماع را جامعه عمده بیوشاند . بدین جهت قیاس های دائری را مدون میکند که بتوانند موافقت نظر اشخاص واقع بینی را جلب کنند . رودنسن خاطر نشان میکند که "هیچکس نمی تواند تساوی همه را در برابر خدا و در برابر قانون مذهبی و هم چنین لزوم کمک متقابل بین افراد جامعه مسلمانان واقعی را منکر شود . البته اصل مالکیت خصوصی و هم چنین مسائل مربوط به ارث را نمی توان در اسلام تغییر داد ." این تجددمعتدل در خط اسلام قرار داد . اسلام مخصوصا بدان جهت خود را استوار احساس میکند که میتواند بسهولت و بی شما را از قرآن و سنت متونی را که مویدا احترام به حق مالکیت و تبعیت متقابل طبقاتی است - تحت حمایت پیشوایان عادل و فرزانه - استخراج کند . اسلام - بر مبنای دیالکتیکی که مورد تأیید علم فقه است - قرض ربائی را با سود سرمایه داری شبیه دانسته و در نتیجه این سود حرام و محکوم شناخته می شود . بدین ترتیب در این مبارزه - که در آن دو جهان بینی برای آینه شده مقابل هم قرار میگیرند - جهان اسلام بصورت یکی از وجوه قدیمی خود جلوه میکند .

اسلام در برابر جزم جوامع معاصر خود را متعهد میداند که بر اساس نیروهای که بظاهرو در چند صورت جوانتر بوده - ولی در اصول بنیادی بدان جوانی نمیباشند - تعادلی برقرار سازد . برای اسلام "واقعیت قرآنی" برای کشف راه حل های همه جانبه مشکلات نوسان داری سیاسی و اجتماعی کافی بنظر میرسد . معذک ، میتوان تصور کرد که راه حل های کنار گذاشته شده سرانجام - علی رغم جسارت خود - در عمل تحمیل میگردند ، راهی که وسیله قرآن و سنت ترسیم شده آیا ادامه راه گذشته است ؟ پاسخ بدین سوال به قلمروی مربوط است که در قرآن با واژه غیب نموده شده یعنی : ناشناختی !

غالب بلاد اسلامی دارای منابع نفتی هستند که از برکت آن میتوانند جبران عقب ماندگی فنی و علمی را بنمایند و خرابیهای عصر استعمار را نیز مرتفع کنند . کشور های مسلمان باید نفت خود را بفروشند و با پول آن اسلحه بخرند و با آن اسلحه برادران مسلمان خود را بکشند تا کارخانه های اسلحه سازی تعطیل نشوند و صادرات ممالک صنعتی افزایش یابد و از طرف دیگر ملل مسلمان دچار فقر شوند که نتیجه آن نیز قابل پیش بینی است . یعنی تا ابدالدهر در بند اسارت و احتیاج علمی و فنی و اقتصادی کشور های پیشرفته باقی بمانند .

ترجمه های دیگر از مترجم :

- |                       |  |
|-----------------------|--|
| تالیف اتوا شمیت       | ۱ - پیدایش زمین و منظومه شمسی          |
| تالیف برترانزاسل      | ۲ - جهانی که من می شناسم               |
| تالیف برترانزاسل      | ۳ - چرا مسیحی نیستم                    |
| تالیف مارسل بل        | ۴ - تاریخ ریاضیات                      |
| تالیف ماسویج          | ۵ - ساختمان خورشید*                    |
| تالیف اووندن          | ۶ - زندگی در فراخنای جهان*             |
| تالیف بلاشر           | ۷ - مقدمه ای بر قرآن (در آستانه قرآن)* |
| تالیف ژرژ دوها مل     | ۸ - تمدن فرانسه                        |
| تالیف پ. ژاله         | ۹ - غارت جهان سوم*                     |
| تالیف وارگا           | ۱۰ - اقتصاد جهان در قرن بیستم*         |
| تالیف هانری لوفور     | ۱۱ - مارکسیسم*                         |
| تالیف هانری لوفور     | ۱۲ - جامعه شناسی مارکس                 |
| تالیف غیاث الدین الکا | ۱۳ - طبقات مناطق                       |
| تالیف مانتدل          | ۱۴ - تمرکز اقتصاد در آمریکا*           |